





دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران جنوب

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد M.A.

گرایش: جامعه‌شناسی

عنوان:

مطالعه جامعه‌شناختی نقش حاشیه‌نشینی در اعتیاد

استاد راهنما:

دکتر جواد منظمی تبار

پژوهشگر:

علی رازقی

تابستان ۱۳۹۸

تقدیم به:

سرچشمه‌های هستی‌ام که بعد از خدا هرچه دارم

از آنهاست و دریای محبتشان را جبرانی نیست،

به پدر بزرگوارم که اسوه تلاش است

و مادر مهربانم که آموزگار محبت است،

تشکر و قدردانی

سپاس بیکران پروردگار یکتا را که هستی‌مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه‌چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

در طول دوران تحصیلی و تهیه این پایان نامه از راهنمایی‌ها و مساعدت‌های استاید و سروران عزیز بی بهره برده‌ام که در اینجا لازم است از همه ایشان مراتب سپاس قلبی و تشکر خالصانه خود را داشته باشم.

بسیار ارزشمند بود فرصت‌هایی که توانستم از محضر استادان بزرگوارم جناب آقای دکتر منظمی‌تبار که همواره دلسوزانه و با جدیت، راهنما و راهگشای من در اکمال و اتمام پایان‌نامه بوده‌اند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

از جناب سرکار خانم دکتر فتحی و جناب آقای دکتر شاه‌آبادی که زحمت داوری این پایان‌نامه با ایشان بوده است کمال تشکر دارم.



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بیامی از خداوند بجان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشتن مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، مادانشجویان و اعضاء، هیئت علمی و احدی دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی به نظر قرار داده و از آن تخلفی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بهکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تقد و خودداری از حرکت حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاءه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بهکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برانت: التزام به برانت جویی از حرکت رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شبه های غیر علمی می آلائند.



تعهدنامه اصالت پایان نامه

اینجناب علی رازقی دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته تخصصی در رشته جامعه‌شناسی که در تاریخ از پایان‌نامه خود تحت عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی نقش حاشیه‌نشینی در اعتیاد» با کسب نمره و درجه دفاع نموده‌ام، بدینوسیله متعهد می‌شوم:

۱- این پایان‌نامه/ رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجناب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان‌نامه، کتاب، مقاله و....) استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده‌ام.

۲- این پایان‌نامه/ رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین‌تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل قصد استفاده و هرگونه بهره‌برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهش و فناوری واحد مجوزهای لازم را اخذ نمایم.

۴- چاپ مقاله جدید مستخرج از پایان‌نامه به شکل کتاب یا مقاله یا محصول فرهنگی دیگری به نام شخص و نهاد دیگری غیر از پژوهشگر و استاد راهنما و دانشگاه آزاد اسلامی مجاز نخواهد بود.

۵- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می‌پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجناب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی‌ام هیچ‌گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: علی رازقی

تاریخ و امضاء

بسمه تعالی

در تاریخ:

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای **علی رازقی** از پایان نامه خود دفاع نموده و
با نمره بحروف با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضا داوران

امضا استاد مشاور

امضا استاد راهنما

بسمه تعالی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی: تهران جنوب	کد واحد:	کد شناسایی پایان نامه:
عنوان پایان نامه به (فارسی): مطالعه جامعه‌شناختی نقش حاشیه‌نشینی در اعتیاد		
عنوان پایان نامه به (انگلیسی):		
.....		
نام و نام خانوادگی دانشجو: علی رازقی	شماره دانشجویی: ۹۵۳۸۱۱۰۰۸۵	رشته و گرایش تحصیلی: علوم اجتماعی - جامعه‌شناسی
نام و نام خانوادگی کارشناسی ارشد:	مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	تاریخ شروع پایان نامه: ۱۳۹۷
تاریخ اتمام پایان نامه:	استاد راهنما دوم: --	استاد مشاور دوم: --
استاد مشاور اول: دکتر جواد منظمی تبار	استاد مشاور اول: دکتر	استاد داور اول: دکتر لیلا فتحی
نشانی و شماره تلفن و پست الکترونیکی: بزرگراه اشرف اصفهانی - بالاتر از چهار راه پونک - جنب مجتمع هویزه - پلاک ۲۰ - ۰۹۱۲۵۲۵۶۶۰۹ - www.a.razeghi8531@gmail.com		
چکیده پایان نامه فارسی و انگلیسی (شامل بیان مسئله و هدف، روش‌ها و ابزارهای اجرا و نتایج به دست آمده):		
فارسی:		
<p>هدف این پژوهش بررسی مطالعه جامعه‌شناختی نقش حاشیه‌نشینی در اعتیاد (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های غیر رسمی در جنوب غرب تهران (مطالعه موردی: اسلامشهر) بوده است. جهت گردآوری اطلاعات در این پژوهش از روش اسنادی و پرسشنامه استفاده شده است. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با توجه به اینکه جامعه آماری تحقیق حاضر ۵۴۸۰۶۲۰ نفر است، حجم نمونه برابر فرمول کوکران ۳۸۴ نفر می‌باشد و شیوه توزیع پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی می‌باشد زیرا هر یک از افراد شانس انتخاب شدن دارد. در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به نوع داده‌ها کل فرضیه‌های موجود را تست کرده تا پیوند بین متغیرهای مستقل و وابسته در مورد بررسی تاثیر حاشیه‌نشینی بر اعتیاد (سکونتگاه‌های غیر رسمی در جنوب غرب تهران. اسلامشهر) به دقت تعیین گردد. در این فصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای پذیره نرمال بودن داده‌ها و آزمون تی تک نمونه‌ای جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.</p>		
انگلیسی:		
.....		
کلید واژه‌ها: حاشیه‌نشینی، اعتیاد، اعتیاد به مواد مخدر، مناطق حاشیه‌نشین.		

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش‌نامه دانشگاه: مناسب است مناسب نیست تاریخ و امضا:



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران جنوب

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد M.A.

(رشته: علوم اجتماعی – گرایش: جامعه‌شناسی)

عنوان:

مطالعه جامعه‌شناختی نقش حاشیه‌نشینی در اعتیاد

پژوهشگر:

علی رازقی

امضاء هیأت داوران رساله / پایان‌نامه

استاد راهنما: دکتر جواد منظمی تبار

استاد مشاور: دکتر

داور اول: دکتر لیلا فتحی

داور دوم: دکتر محمد رضا شاه‌آبادی

مدیر گروه: سرکار خانم دکتر گل‌بابایی

تاریخ دفاع:

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	چکیده
فصل اول: کلیات تحقیق	
۳	۱-۱- مقدمه
۳	۲-۱ بیان مسئله
۵	۳-۱ اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق
۷	۴-۱ اهداف تحقیق
	۱-۴-۱ هدف اصلی
	۲-۴-۱ اهداف فرعی
۷	۵-۱ متغیرهای پژوهش
۷	۶-۱ فرضیه‌های تحقیق
۷	۱-۶-۱ فرضیه اصلی
۸	۲-۶-۱ فرضیه‌های فرعی
	۷-۱ سوالات تحقیق
	۱-۷-۱ سوال اصلی
	۲-۷-۱ سوالات فرعی

فصل دوم: مبانی نظری پژوهش

۱۴	۱-۲ تعاریف و اصطلاحات
۱۶	۲-۲ تاریخچه حاشیه نشینی
۱۷	۳-۲ مفهوم حاشیه نشینی
۱۷	۴-۲ علل عمده پیدایش حاشیه نشینی
۱۸	۵-۲ اوصاف عمومی مناطق حاشیه نشینی
۱۹	۶-۲ مهاجرت به عنوان یکی از تحولات جمعیتی

- ۲۰ اثرات مهاجرت به روی افراد کشورها ۷-۲
- ۲۱ میزان مهاجرت به شهرهای کشور در دهه منتهی به سال ۱۳۸۵ ۸-۲
- ۲۲ ویژگیهای مناطق حاشیه نشین ۹-۲
- ۲۳ علل پیدایش حاشیه نشینی ۱۰-۲
- ۲۵ دیدگاههای عمده در مورد علل حاشیه نشینی ۱۱-۲
- ۲۵ مارشال کلینارد ۱-۱۱-۲
- ۲۵ مکینتاش ۲-۱۱-۲
- ۲۶ دکتر زنجانی ۳-۱۱-۲
- ۲۷ رابرت پارک ۴-۱۱-۲
- ۲۸ نظریه مجاورت فرهنگی ۱۲-۲
- ۲۹ لوئیز ۱-۱۲-۲
- ۳۰ نظریه وابستگی ۲-۱۲-۲
- ۳۱ آلبرت کوهن ۳-۱۲-۲
- ۳۱ مالتوسیان ۴-۱۲-۲
- ۳۲ هانتینگتون ۵-۱۲-۲
- ۳۲ ممتاز ۶-۱۲-۲
- ۳۴ دیدگاه کارکرد گرایان ۱۳-۲
- ۳۵ نظریه جاذب و دافعه راونشتین ۱۴-۲
- ۳۵ دیدگاه بوم‌شناسی شهری ۱-۱۴-۲
- ۳۶ دیدگاه لیبرالی ۲-۱۴-۲
- ۳۶ دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا ۳-۱۴-۲
- ۳۷ دیدگاه جامعه گرایان جدید ۴-۱۴-۲
- ۳۷ دیدگاه موافقان و مخالفان ۵-۱۴-۲
- ۳۷ موافقان ۱-۵-۱۴-۲

۳۸ مخالفان ۲-۵-۱۴-۲
۳۹ حاشیه‌نشینی و تنظیم خانواده ۱۵-۲
۳۹ ترجیح جنسی ۱۶-۲
۴۰ احترام اجتماعی ۱۷-۲
۴۰ تامین اجتماعی در دوران سالخوردگی ۱۸-۲
۴۰ مرگ و میر و حاشیه‌نشینی ۱۹-۲
۴۰ تحصیلات و باروری ۲۰-۲
۴۱ فاصله گذاری بین موالید ۲۱-۲
۴۱ چگونگی فرم گرفتن زندگی در حاشیه شهر ۲۲-۲
۴۲ تأثیر حاشیه‌نشین‌ها برای تهدید امنیت اجتماعی ۲۳-۲
۴۲ جهات تاثیرگذار محیط زندگی بر ارتکاب جرایم ۲۴-۲
۴۴ نظریه لیبرالی ۱-۲۴-۲
۴۵ نظریه مالتوسی ۲-۲۴-۲
۴۵ نظریه کلیت وابستگی و ساختارگرایان ۳-۲۴-۲
۴۶ راهکارهای مواجهه با حاشیه‌نشینی ۲۵-۲
۴۶ سیاست نادیده انگاری یا بی تفاوتی ۱-۲۵-۲
۴۶ تحول در نظام اقتصادی - اجتماعی و ساختار جامعه ۲-۲۵-۲
۴۷ سیاست تخریب و پراکنش ۲۶-۲
۴۷ ساخت مسکن اجتماعی یا مسکن متعارف ۲۷-۲
۴۸ ارائه زمین و خدمات ۲۸-۲
۴۹ آزاد سازی و تثبیت اقتصادی ۲۹-۲
۴۹ سیاست توانمند سازی ۳۰-۲
۵۰ ارتقای محیطی ۳۱-۲
۵۰ راهکارهای مناسب برای جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی ۳۲-۲

۵۱	۳۳-۲- پیشنهاد و راهکارها جهت پیشگیری و کاهش جرم در مناطق حاشیه نشینی
۵۲	۳۴-۲- پیشینه پژوهش
۵۲	۳۴-۲-۱- داخلی
۵۴	۳۴-۲-۲- خارجی
۵۷	۳۵-۲- چارچوب نظری
۵۸	۳۶-۲- مدل مفهومی تحقیق

فصل سوم: روش پژوهش

۶۱	۳-۱- مقدمه
۶۱	۳-۲- روش تحقیق
۶۱	۳-۳- روش و ابزار گردآوری اطلاعات
۶۱	۳-۴- جامعه آماری
۶۲	۳-۵- تعداد نمونه و روش نمونه‌گیری
۶۲	۳-۶- سطح تحلیل
۶۲	۳-۷- واحد تحلیل
۶۲	۳-۸- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۶۲	۳-۹- روایی یا اعتبار ابزاراندازه‌گیری
۶۳	۳-۱۰- پایایی یا قابلیت اعتماد
	۳-۱۱- تعاریف اصطلاحات و متغیرهای تحقیق
	۳-۱۱-۱- تعاریف نظری
	۳-۱۱-۲- تعاریف عملیاتی

فصل چهارم: یافته‌های تحقیق

۶۶	۴-۱- مقدمه
۶۶	۴-۲- توصیف متغیرهای زمینه‌ای
۶۶	۴-۲-۱- جنسیت پاسخگویان

۶۷	۲-۲-۴- تحصیلات پاسخگویان
۶۸	۳-۲-۴- سن پاسخگویان
۶۹	۴-۲-۴- محل تولد پاسخگویان
۷۰	۳-۴- توصیف کمی متغیرهای پژوهش
۷۴	۴-۴- نتایج مربوط به آزمون نرمالیتی متغیرها:
۷۴	۵-۴- تحلیل داده‌ها (بررسی فرضیه‌های تحقیق)

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۸۰	۱-۵- خلاصه
۸۰	۲-۵- یافته‌های توصیفی
۸۱	۳-۵- یافته‌های استنباطی
۸۳	۴-۵- بحث و نتیجه‌گیری
۸۵	۵-۵- پیشنهادات و راهکارها
۸۹	پرسشنامه
۹۱	منابع و مأخذ

فهرست جدول‌ها

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
جدول ۳-۱- جدول ضریب روایی برای گویه‌های مربوط به پژوهش	۶۴
جدول ۴-۱- توزیع پاسخگویان برحسب جنسیت	۶۶
جدول ۴-۲- توزیع پاسخگویان برحسب تحصیلات	۶۷
جدول ۴-۳- توزیع پاسخگویان برحسب سن	۶۸
جدول ۴-۴- توزیع پاسخگویان برحسب محل تولد	۶۹
جدول ۴-۵- مقادیر شاخص‌های توصیفی در خصوص متغیرهای اصلی	۷۰
جدول ۴-۶- نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف یک نمونه‌ای برای پذیره نرمال بودن	۷۴
جدول ۴-۷- جدول آزمون فرضیه فرعی اول با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای	۷۴
جدول ۴-۸- جدول آزمون فرضیه فرعی دوم با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای	۷۵
جدول ۴-۹- جدول آزمون فرضیه فرعی سوم با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای	۷۶
جدول ۴-۱۰- جدول آزمون فرضیه فرعی چهارم با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای	۷۷
جدول ۴-۱۱- جدول آزمون فرضیه فرعی پنجم با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای	۷۷
جدول ۴-۱۲- جدول آزمون فرضیه اصلی با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای	۷۸

فهرست نمودارها

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
نمودار ۴-۱- توزیع پاسخگویان برحسب جنسیت	۶۷
نمودار ۴-۲- توزیع پاسخگویان برحسب تحصیلات	۶۸
نمودار ۴-۳- توزیع پاسخگویان برحسب سن	۶۹
نمودار ۴-۴- توزیع پاسخگویان برحسب محل تولد	۷۰
نمودار ۴-۵- نمودار هیستوگرام برای متغیر تاثیر توزیع آسان توزیع کنندگان مواد مخدر بر اعتیاد به مواد مخدر	۷۱
نمودار ۴-۶- نمودار هیستوگرام برای متغیر تاثیر بیکاری و فقر اقتصادی بر اعتیاد به مواد مخدر	۷۲
نمودار ۴-۷- نمودار هیستوگرام برای متغیر تاثیر کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی بر اعتیاد به مواد مخدر	۷۲
نمودار ۴-۸- نمودار هیستوگرام برای متغیر تاثیر فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد بر اعتیاد به مواد مخدر	۷۳
نمودار ۴-۹- نمودار هیستوگرام برای متغیر تاثیر فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی بر اعتیاد به مواد مخدر	۷۳

فهرست شکل‌ها

صفحه

عنوان

شکل ۱-۲-مدل مفهومی تحقیق ۵۹

چکیده

هدف این پژوهش بررسی مطالعه جامعه شناختی نقش حاشیه نشینی در اعتیاد (مورد مطالعه: سکونتگاههای غیر رسمی در جنوب غرب تهران (مطالعه موردی: اسلامشهر) بوده است. جهت گردآوری اطلاعات در این پژوهش از روش اسنادی و پرسشنامه استفاده شده است. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با توجه به اینکه جامعه آماری تحقیق حاضر ۵۴۸۰۶۲۰ نفر است، حجم نمونه برابر فرمول کوکران ۳۸۴ نفر می‌باشد و شیوه توزیع پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی می‌باشد زیرا هر یک از افراد شانس انتخاب شدن دارد. در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به نوع داده‌ها کل فرضیه‌های موجود را تست کرده تا پیوند بین متغیرهای مستقل و وابسته در مورد بررسی نقش حاشیه نشینی بر اعتیاد (سکونتگاههای غیر رسمی در جنوب غرب تهران. اسلامشهر) به دقت تعیین گردد. در این فصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای پذیره نرمال بودن داده‌ها و آزمون تی تک نمونه‌ای جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حاشیه نشینی در اعتیاد نقش بسزایی داشته است.

واژگان کلیدی: حاشیه نشینی، اعتیاد،

فصل اول: کلیات تحقیق

حاشیه‌نشینی^۱ و زاغه‌نشینی پدیده‌ای است که بعد از انقلاب صنعتی همراه با توسعه شهرها در کشورهای پیشرفته و سپس در ممالک در حال توسعه، گسترش بیشتری یافته و ادامه دارد. رشد و توسعه این روند در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم و در دوره‌های اخیر باعث شد تا نیاز به جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی‌های ملی، منطقه‌ای و شهری پیدا کند. در ایران نیز پس از ورود و استقرار سرمایه‌داری وابسته، حاشیه‌نشینی به‌وجود آمد و رشد آن عمدتاً از سال ۱۳۲۰ به بعد شدت یافت (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۲).

رشد حاشیه‌نشینی شهری در محدوده استحفاظی شهرها در قالب آلونک‌نشینی، زاغه‌نشینی، کپر‌نشینی، و حلبی‌آباد، حصیرآباد، زورآباد، مفت‌آباد، مفتی‌ها و مانند این‌ها، مشکلات و چالش‌های کشور آغاز می‌شود (حاج یوسفی: ۱۳۸۱: ۲۰).

امروزه یکی از مباحث اصلی برنامه‌ریزان شهری، چگونگی سامان دادن و مقابله با حاشیه‌نشینان شهری می‌باشد که در پی یافتن پول به این مناطق هجوم آورده‌اند. اگرچه حاشیه‌نشینان در پیرامون شهر زیست می‌کنند و از اقتصاد شهرگذران زندگی می‌کنند، ولی به هیچ وجه جذب اقتصاد، اجتماع و فرهنگ شهری نشده‌اند و یک قطب جدید را ایجاد کرده‌اند. بنابراین از خدمات و امکانات و تسهیلات رفاهی و زیربنایی محروم مانده‌اند. از سوی دیگر، خصوصیات و سبک زندگی خاص این گروه‌ها باعث شده است تا امکان بروز انواع ناهنجاری در این مناطق به راحتی انجام پذیرد.

حاشیه‌نشینی یک پدیده اجتماعی است. پدیده اجتماعی پدیده ایست که متاثر از جامعه می‌باشد و گروهی از مردم، بدلالی، روی به انجام آن مورد خاص می‌آورند. حاشیه‌نشینی معمولاً توسط افرادی صورت می‌گیرد که پول کافی جهت اسکان در داخل شهر را ندارند. این مسئله می‌تواند بدلیل فقدان توانایی در خرید خانه، پرداخت هزینه اجاره، ارتزاق و مواردی از این دست باشد حاشیه‌نشینی مختص به عصر فعلی نبوده و ریشه در ادوار و اعصار گذشته دارد و این پدیده هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود داشته است. تفاوت حاشیه‌نشینی در بین کشورهای توسعه

1. Shanty town

یافته با کشورهای در حال توسعه، از حیث ریشه های تاریخی بوجود آورنده آن و رفتار کالبدی و اجتماعی آن می باشد؛ کشور ایران از این پدیده مصون نمانده است و آسیب های این پدیده، گریبانگیر کشور ما نیز شده است (پردنجانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳). رشد شتابان شهرنشینی و افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها، مسئله حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی را پدید آورد و به تناسب، موجب گسترش نابهنجاری هایی در شهرها شده است. لذا شناخت نقش حاشیه نشینی در بروز انواع آسیب های اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چرا که امروزه در کشورهای جهان سوم یکی از معضلات شهرنشینی، حاشیه نشینی و آسیب های اجتماعی ناشی از آن است که همین امر، تغییر نگرش در مدیریت شهری را ضروری ساخته است (اربطانی، ۱۳۹۳: ۲۴). بحث مدیریت شهری، مقوله این پژوهش نمی باشد. مسئله ای که در این پژوهش به آن پرداخته می شود، اعتیاد است که خود، پدیده ای اجتماعی بوده که میزان و شدت آن، بنابر شرایط محیطی افراد، کم یا زیاد می شود. از عوامل تاثیرگذار بر اعتیاد و همچنین تشدید گرایش اعتیاد، حاشیه نشینی است که شاکله اصلی پروژه حاضر می باشد.

۱-۲- بیان مسئله:

از نیمه قرن نوزدهم تا ربع سوم قرن بیستم، توسعه نظریه مفهوم آنومی و بی سازمانی اجتماعی به وسیله دورکیم، مرتون، پارسونز، پارک و برگس به مطالعات اصالت محیط اروپایی و آمریکایی در تبیین جرم و بزهکاری کمک کرد. این صاحب نظران همبستگی معناداری میان رفتار انحرافی و عواملی چون سن، جنس، تراکم جمعیت و رشد جمعیت، شهرنشینی و مذهب یافتند (آقا بابایی و دیگران، ۱۳۹۴). به اعتقاد آنان، عوامل اجتماعی افراد را کنترل می کنند و وقتی که این عوامل بی ثبات شوند، افراد توان کمتری برای کنترل رفتار خود دارند و فقدان ثبات در ساختار اجتماعی، رفتار انحرافی را به همراه خواهد داشت. در مباحث این صاحب نظران، انواع متفاوتی از نظریه های اجتماعی ارائه شده است. این نظریه ها بر توسعه نظریه های جامعه شناسی به طور عام و بر نظریه های جامعه شناسی انحرافات به طور خاص تأثیر داشته اند (نورمحمدی، ۱۳۹۴).

برخی محققان نیز مواردی مانند توزیع آسان و احساس امنیت توزیع کنندگان مواد مخدر در محله، بیکاری و فقر اقتصادی، کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی، فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد،

فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی را مهمترین عوامل تاثیرگذار بر گسترش اعتیاد تعریف کرده‌اند (تامپسون^۱ و دیگران، ۲۰۱۶، ۹۵۴).

بررسی و مطالعه روند شکل‌گیری و گسترش حاشیه‌نشینی شهر تهران که به مناطق بیست و دو گانه نیز مشهور است، نشان می‌دهد که اکثر این مناطق در محدوده زمانی مشخصی شکل گرفته‌اند. در واقع شکل‌گیری هسته اولیه محله‌های حاشیه‌نشین در ارتباط مستقیم با توسعه شهرنشینی در دوره پس از اصلاحات اراضی و هجوم روستاییان بدون زمین به شهرهای بزرگ و میانی کشور، در اوایل دهه پنجاه است، ولی تشدید آن به دهه شصت بازمی‌گردد. تشدید افزایش جمعیت در این مناطق و عدم وجود امکانات رفاهی، اجتماعی، درمانی و... جهت برآورده کردن نیازهای این افراد، باعث افزایش فقر، فاصله طبقات اجتماعی، افزایش بستر انجام کارهای خلاف قانون، توزیع و استعمال مواد مخدر (چه بلحاظ کسب درآمد و چه جهت مصرف) گردید. بنابه نظر تامپسون (۲۰۱۶) این عوامل، عوامل تشدید کننده اعتیاد می‌باشند.

اسلامشهر، واقع در جنوب غرب تهران نیز بطور کلی از مناطق فقیرنشین کشور محسوب می‌شود. برخی افراد نه تنها قادر به خرید هیچ مسکنی در اینجا نیستند، که حتی امکان اجاره یک واحد مسکونی را نیز نداشته و بنابراین مجبورند جهت امرار معاش راهی حاشیه شهر شوند و این کار باعث می‌شود وی در گزند عوامل تشدید کننده اعتیاد قرار گیرد که توسط تامپسون (۲۰۱۶) بیان گردیده است.

افزایش جمعیت حاشیه‌نشین کشور و افزایش فقر و بیکاری و عواملی از این دست، به وفور در مناطق جنوبی تهران به چشم می‌خورد که همین باعث افزایش تمایلات افراد به سمت مصرف مواد مخدر می‌شود. بنابراین مسئله‌ای که این پژوهش دنبال بررسی آن است حاشیه‌نشینی چه نقشی در اعتیاد مردم به مواد مخدر دارد؟

۱-۳- اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

امروزه اعتیاد مسئله جهانی است که سالانه هزاران نفر را به کام مرگ می‌کشاند و تقریباً همه اقشار در معرض این آسیب اجتماعی و روانی می‌باشند. در سالهای گذشته ثابت شده است که

¹ Thompson

"درمان" سوء مصرف مواد مخدر مشکل، گران و کاربر است به علاوه حتی با موثرترین درمان‌ها نیز احتمال عود اعتیاد بسیار زیاد است. در چنین شرایطی اهمیت شناسایی آسیب‌ها و علل آمادگی برای اعتیاد و پیشگیری از آن در این است که به طور منطقی جایگزین درمان می‌شود. فرض بر این است که جلوگیری از مبتلا شدن افراد به سوء مصرف مواد مخدر آسان‌تر از درمان این اختلال است (فیضی، ۱۳۹۴: ۹). گرچه در جهان پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در درک این اختلالات و یافتن مناسب‌ترین راه پیشگیری و درمان آنها ایجاد شده است لیکن از انجام تحقیق در مورد حاشیه‌نشینی و اعتیاد تا دو دهه پیش کاملاً غفلت شده بود. از آنجا که جمعیت حاشیه‌نشین کشور قابل توجه می‌باشد، توجه به سلامت روح و روان آنها از مسائل مهم به شمار می‌آید. در نتیجه هر موضوعی که به افراد جامعه مربوط می‌شود، از اهمیت خاصی برخوردار است. اعتیاد هم یکی از مسائل مهم می‌باشد تا آنجا که اعتیاد در بین افرادی که در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند، از نظر علت، شیوع، مسیر بیماری و تاثیر آن بر جامعه، اختلافات فاحشی با اعتیاد در افرادی دارند که در حاشیه زندگی نمی‌کنند (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۵).

پمپک و یرمولایوا^۱ (۲۰۱۴) بر این نکته تاکید دارند که افراد حاشیه نشین، بلحاظ جسمانی و بهداشتی، با چالشهای بیشتری نسبت به دیگران روبرو هستند و در جامعه آماری که آنها برای پژوهش خود در نظر گرفته بودند، مشخص شد که ۱۸ درصد افراد حاشیه‌نشینی با مشکلات بهداشتی و جسمانی بیشتری روبرو هستند. اما مساله به طور دقیق باز نشده است که این مشکلات و چالشها چه می‌باشند و یا حداقل، کدام مشکلات را شامل می‌شود و چه تاثیری بر اعتیاد دارد. عواملی مانند نوع مسکن، وضع ظاهری و ارزش مسکن، از دسته عواملی هستند که در اعتیاد حاشیه‌ی شهرها مؤثرند (نش، ۲۰۱۴، بنقل از دلفروز، ۱۳۹۵، ۲۱).

بدین ترتیب با گسترش فیزیکی شهرها و تبدیل شدن آنها به مراکز ناهمگن جمعیتی اجتماعی و فرهنگی، میزان آسیب‌های اجتماعی و بخصوص اعتیاد، به ویژه در نواحی حاشیه‌ای شهرها افزایش می‌یابد. محیط اجتماعی و مسکونی نامناسب، ساختارهای نامناسب شغلی، ناکامی اجتماعی و فقر اقتصادی، زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی شهری را فراهم می‌آورند.

حاشیه‌های جنوبی شهر تهران (مخصوصاً اسلامشهر) نیز با معضل حاشیه‌نشینی ارتباط

¹ Pempek TA, Yermolayeva

گسترده‌ای دارد و به سبب آن، جغرافیای فیزیکی شهر دستخوش ناهمگونی و ناهنجاری‌های شدید شده است؛ این وضعیت خرید و فروش و استعمال مواد مخدر را در این مناطق افزایش داده است. به جرئت می‌توان گفت که بین گسترش حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی و اعتیاد رابطه مستقیم وجود دارد. از آنجا که خصوصیت ذهنی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین به طور کامل از محیط زندگی آنها تأثیر می‌پذیرد و خصوصیات اخلاقی و ارزش‌های فرد حاشیه‌نشین تغییر می‌یابد، به آسانی جذب مواد مخدر و اعتیاد می‌شوند. عامل گسترش گرایش افراد به مواد مخدر در نواحی حاشیه‌نشین تهران (منطقه ۱۹ و سایر مناطق) نسبت به نواحی مرکز شهر، بیشتر دیده می‌شود.

سطح سواد پایین، فقر، وضعیت جغرافیایی، احساس ایمنی در بین قاچاقچیان، فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی، فقر فرهنگی، کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی، بیکاری در حاشیه شهرها بیش از باقی مناطق است که بررسی این عوامل به منظور یافتن راهی برای جلوگیری از گسترش آن و یا کاهش آن ضروری بنظر می‌رسد.

۴-۱- اهداف تحقیق:

- بررسی نقش توزیع آسان و احساس امنیت توزیع کنندگان مواد مخدر بر اعتیاد به مواد مخدر
- بررسی نقش بیکاری و فقر اقتصادی بر اعتیاد به مواد مخدر
- بررسی نقش کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی بر اعتیاد به مواد مخدر
- بررسی نقش فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد بر اعتیاد به مواد مخدر
- بررسی نقش فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی بر اعتیاد به مواد مخدر

۵-۱- متغیرهای پژوهش

متغیر اصلی: حاشیه‌نشینی بعنوان متغیر اصلی این پژوهش بوده که دارای ۵ مولفه می‌باشد.

متغیر وابسته: اعتیاد

۶-۱- فرضیه‌های تحقیق

۱-۶-۱- فرضیه اصلی

- بلحاظ جامعه شناختی، حاشیه‌نشینی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

۱-۶-۲- فرضیه‌های فرعی

- توزیع آسان و احساس امنیت توزیع کنندگان مواد مخدر در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.
- بیکاری و فقر اقتصادی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.
- کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.
- فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.
- فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

تعاریف اصطلاحات و متغیرهای تحقیق

تعاریف نظری

حاشیه‌نشینی: حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که با اسکان غیررسمی و بدون مجوز گروه بزرگی از مردم در مکانی در کناره شهرها ایجاد می‌شود. در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۹۶ وزارت راه و شهرسازی ایران تعداد حاشیه‌نشینان در ایران را ۱۹ میلیون نفر اعلام کرد. یعنی از هر چهار نفر ایرانی یک نفر در سکونت‌گاه غیررسمی سکونت دارد و حاشیه‌نشین است (روحانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۲).

اعتیاد: حالتی، که در آن شخص به علت روانی یا مصرف مواد شیمیایی، طبیعی دچار ضعف اراده در کنترل تکرار اعمال خود می‌شود هرچند ضعف اراده فی نفسه بیماری نیست ولی به علت عوارضی که بر سیستم عصب مرکزی شخص ایجاد شده به عنوان بیماری فرض می‌شود و این بیماری با ایجاد اختلال در کنترل بر سیستم رفتار-پاداش، باعث تکرار آن رفتار می‌گردد (پردنجانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳).

توزیع آسان مواد مخدر و احساس امنیت: توزیع شرایطی است که طی آن، قاچاقچی مواد مخدر را از عمده فروش یا واسطه می‌خرد، در جایی انبار می‌کند و برای آن مشتری می‌یابد و برای این توزیع، با هیچ مشکلی روبرو نیست. این مشکلات می‌توانند امنیتی باشند مانند برخورد پلیس، یا مثلاً مربوط به

بازار کار باشند، مثل کمبودمشتري، يا قيمت خريد يا فروش آن (اربطانی، ۱۳۹۳: ۲۴).

بيكاري و فقر اقتصادي: بيكار در اقتصاد به فردي گفته مي‌شود كه در سن كار (۱۵ تا ۶۵ سال) و جويای كار باشد اما شغل يا منبع درآمدی پيدا نكند. كودكان و افراد مسن از آن جهت كه قادر به انجام كار نيستند، جزو جمعيت فعال به حساب نمی‌آیند. زنان خانه‌دار و دانشجويان اگر جويای كار نباشند، و حتي كسانيكه با وجود منبع در آمد كافي مشغول به انجام كاري نيستند نيز، جزو جمعيت فعال شمرده نمی‌شوند. همچنين فقر يا تهيدستي يا تنگدستي به معنای وضعیتی است كه فرد فاقد میزان معینی دارایی‌های مادی يا پول است كه یکی از برایندهای بيكاري است (فيضي، ۱۳۹۴: ۹).

امكانات تفریحی و سرگرمی: ابزار و تسهیلاتی كه برای تفریح مردم در نظر گرفته شده است و افراد در زمان فراغت از آن استفاده می‌كنند و باعث بازگشت شخص به حال تعادل و طبیعی می‌شود (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۵).

فقر فرهنگی و كمبود سطح سواد: از آنجا كه فرهنگ به اعتقاد بیشتر كارشناسان و صاحب‌نظران مسائل اجتماعي اساس و زیربنای هر جامعه‌ای را تشكيل می‌دهد، و هر چقدر فرهنگ يك جامعه موثرتر و كارآمدتر باشد، پیشرفت آن جامعه در مسیر رشد و تعالی بیشتر خواهد شد، بنابراین فقر فرهنگی به عنوان يك عامل بازدارنده می‌تواند جامعه‌ای را به سمت قهقرا و انحطاط بكشاند، و از دستیابی به اهداف والا و تكاملی بازدارد. نوشتار حاضر در مقام تبیین ماهیت فقر فرهنگی، ریشه‌یابی فقر و ارائه راهكارهایی برای برون‌رفت از این معضل اجتماعي است كه اینك تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۵).

شكاف طبقاتی و ناعدالتی اجتماعي: نابرابری اقتصادی تفاوت موجود در معیارهای مختلف از نظر رفاه اقتصادی در میان افراد يك گروه، در میان گروه‌های موجود در يك جمعیت، یا در میان مردمان كشورها است. از نابرابری اقتصادی گاهی اوقات به نابرابری درآمد، نابرابری ثروت، یا شكاف ثروت یاد می‌شود (زنجانی زاده و دیگران، ۱۳۹۴).

تعاریف عملیاتی

توزیع آسان مواد مخدرو احساس امنیت: وضعیت نگهداری و پخش (فروش) مواد مخدر را نشان میدهد و در این پژوهش، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته سنجیده می‌شود و گویه های ۱ تا ۵ این پرسشنامه به این مولفه اختصاص داده شده است.

میل به استعمال مواد مخدر در منطقه حاشیه‌نشین در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

نبود مراقبت و کنترل مناسب برای مقابله با اقدامات مجرمانه از سوی مردم در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

نبود مراقبت و کنترل مناسب برای مقابله با اقدامات مجرمانه از سوی مسؤلان در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

وجود تعداد بیشتر بزهکاران و داشتن توانایی و انگیزه کافی برای عمل مجرمانه در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

تعداد اندک مراکز تأمین خدمات امنیتی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

بیکاری و فقر اقتصادی: عدم انجام کار و در نتیجه نداشتن درآمد مالی و بنابراین، ناتوانی در گذران زندگی بلحاظ مالی را در بر می‌گیرد. و در این پژوهش، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته سنجیده می‌شود و گویه های ۶ تا ۱۰ این پرسشنامه به این مولفه اختصاص داده شده است.

داشتن مشکل مالی ساکنین منطقه حاشیه‌نشین در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

فقدان درآمد لازم، برای خرید مایحتاج اساسی و معیشتی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

نبود کار مناسب برای اشتغال جوانان در این منطقه در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

نداشتن طرح و برنامه صحیح متناسب با موقعیت خود و جامعه و تنظیم مخارج زندگی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

افزایش بعد خانوار و جمعیت ساکنان این مناطق در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

امکانات تفریحی و سرگرمی: ابزار و تسهیلاتی در نظر گرفته شده برای تفریح مردم است که در این پژوهش، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته سنجیده می‌شود و گویه‌های ۱۱ تا ۱۴ این پرسشنامه به این مولفه اختصاص داده شده است.

پر بودن امکانات و سرگرمیهای ناسالم در مناطق حاشیه‌نشینی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

تراکم جمعیت در خانواده و کم شدن نظارت خانواده در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

نبود امکانات ورزشی و فضاهای فرهنگی و ورزشی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

سپری نمودن اوقات فراغت در بیرون از خانه در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد: پایین بودن سطح سواد و تحصیلات و در نتیجه کمبود فرهنگ اجتماعی افراد را شامل می‌شود. که در این پژوهش، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته سنجیده می‌شود و گویه‌های ۱۵ تا ۱۹ این پرسشنامه به این مولفه اختصاص داده شده است.

احساس تقدیرگرایی در افراد این منطقه در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

فقدان نهادهایی چون اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای مسلط در جامعه در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

خودکم‌بینی و حقارت در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

بی‌سوادی و عدم کسب مهارت و بی‌تخصصی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

شکاف طبقاتی و ناعدالتی اجتماعی: نابرابری شدید اقتصادی و نابرابری ثروت، در بین افراد مورد مطالعه است. که در این پژوهش، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته سنجیده می‌شود و گویه‌های ۲۰ تا ۲۵ این پرسشنامه به این مولفه اختصاص داده شده است.

توزیع ناعادلانه درآمدها در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

کاهش سفره خانواده در این مناطق در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

کاهش قدرت خرید ساکنین این مناطق در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

عدم توجه دولت به اقشار پایین جامعه در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

میزان رضایتمندی ساکنین در سطح پایین در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

عدم دسترسی همه به امکانات موجود در جامعه در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

فصل دوم:

مبانی نظری پژوهش

۲-۱- تعاریف و اصطلاحات

اصطلاحات و واژه‌های متعددی در سطح جهان برای حاشیه‌نشینی از سوی صاحب نظران به کار برده شده است همین امر نشان می‌دهد که تعریف و محدوده حاشیه‌نشینی از کشوری به کشور دیگر متفاوت می‌باشد گذشته از این، سکونت گاه‌های غیررسمی، سکونت گاه‌های خودرو، سکونت گاه‌های عدوانی، سکونتگاه‌های حاشیه‌ای، اجتماعی آلونکی، زاغه‌نشینی حلبی آبادها، اسکان نابهنجار مفاهیمی هستند که در ارتباط با حاشیه‌نشینی شهری به کار برده شده‌اند.

کلمه زاغه «Slum» از کلمه slumber گرفته شده که زمانی به کوچه‌های پست و گمنام و خاموش اطلاق می‌شد و در تعریف حاشیه‌نشینی به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که در محلات فقیرنشین اطراف شهرهای بزرگ به وجود می‌آید و ساکنین این مناطق به علل گوناگون اقتصادی و اجتماعی نتوانسته‌اند وارد شهر شوند و از امکانات شهری استفاده کنند و همین طور نسبت به زمین اسکان یافته خود هیچ حق قانونی ندارند چرا که دولت آن مناطق را به رسمیت نمی‌شناسد. زاغه‌ها در بدترین مناطق شهری از جمله نزدیک معادن سنگ حواشی خطوط راه آهن و بزرگ راه‌ها و نزدیکی کارخانه‌ها و زمین‌های رها شده و در جوار گورستان‌ها و درکنار مسیرهای فشار قوی برق و درحاشیه‌های محله‌های فقیرنشین به وجود می‌آیند. قابل توجه است که غالباً حاشیه نشینان افراد مهاجر و روستانشین و عشایرند و کمتر شهری محسوب می‌شوند.

حاشیه‌نشینی شهری خانوارها و افرادی را شامل می‌شود که در محدوده اقتصادی و اجتماعی شهر ساکن شده‌اند، ولی جذب اقتصاد و اجتماعی شهری نشده‌اند و در حاشیه فعالیت‌های زندگی مردم شهرنشین قرار دارند (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۴).

حاشیه‌نشین به کسی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته

است جذب نظام اقتصادی شهر شده و از خدمات شهری استفاده نماید (درکوش، ۱۳۶۷: ۳۶).

مناطق حاشیه‌نشین منطقه‌ای از شهر است که واحدهای مسکونی رو به ویران، فرسوده و تجهیزات ناقص داشته و فرهنگ فقر، جدایی‌گزینی توده‌ای مردم روستایی از جامعه شهری، گوشه‌گیری و انزوا بر آن‌ها غلبه یافته است

سابقه شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهری به تحولات اجتماعات شهری و روستایی جهان پس از انقلاب صنعتی و رخدادهای بعد از آن نسبت داده می‌شود.

در حقیقت پدیده حاشیه‌نشینی به مفهوم امروزی آن در کشورهای پیشرفته جهان به وجود آمده و با صدور برنامه‌های اقتصادی اینگونه کشورها تحت عنوان برنامه‌های رشد و توسعه در کشورهای جهان سوم گسترش یافت (زاهدانی، ۱۳۸۰: ۱)

رابرت پارک نخستین کسی است که اصطلاحهای «حاشیه‌نشین» و «انسان حاشیه‌نشین» را به کار برد، او در مقاله «مهاجرت شهر و انسان حاشیه‌نشین» این مفاهیم را شرح می‌دهد.

پارک انسان حاشیه‌نشین را فردی می‌داند که از لحاظ فرهنگی انسان دورگه‌ای است که صمیمانه در زندگی فرهنگی دو جمعیت متمایز زندگی می‌کند و با هر دو آن‌ها شریک است. اما مایل نیست از زندگی گذشته خود ببرد و هنوز ابعاد جامعه میزبان او را به تمامی نپذیرفته است. (کریمی، ۱۳۸۲: ۱۲)

حاشیه‌نشینی شرایط یا عالمی است برزخ گونه که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق در می‌آورد. (پارک، رابرت، ۱۹۸۱)

بر اساس تعریف اسکان بشر سازمان ملل، سکونت گاههای غیررسمی با استفاده از معیارهای ازدحام فقر خدمات پایه، سازه‌های ساختمانی نامناسب، شرایط محیطی غیربهداشتی و خطرناک، حق اقامت نامطمئن، فقر و محرومیت اجتماعی شناخته می‌شوند. درصد جهانی خانوارهای ساکن در این زاغه‌ها در حال دو برابر شدن است.

مارشال کلینارد معتقد است: حاشیه‌نشینی، خرده فرهنگی با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهاست که در محله‌هایی با بهداشت کم با انحرافات اجتماعی و ویژگی‌های دیگر، از جمله انزوای اجتماعی همراه است. (کلینارد، ۱۹۶۶)

محله زاغه‌نشین محله‌ای است که جمعیت آن نمی‌تواند در روند رقابت برای خدمات و کالای عمومی به نحو موثری شرکت جوید و بدین ترتیب کنترلی بر نحوه توزیع این خدمات ندارد. (هاروی، ۱۳۷۶)

جمعیت اکثریت خانوار حاشیه‌نشین حداکثر به فاصله یک نسل متولد خارج از فضای منطقه‌ای و سکونت گاهی فعلی بوده‌اند و از تراکم نسبی بالاتر از متوسط ۷۴ درصد شهر برخوردار است.

حاشیه نشینی، زاغه نشینی، آلونک نشینی، کوخ نشینی، کپرنشینی، جملگی مترادف یکدیگر هستند اگر بخواهیم تعریفی از این اصطلاح ارائه دهیم و در وهله اول افرادی که در این مناطق اسکان دارند را هدف قرار دهیم باید گفت حاشیه نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی آن نشده‌اند. (اصغری زمانی، ۱۳۸۳: ۳۹-۳۸).

حاشیه نشینان کسانی هستند که به دلیل بضاعت کم مالی با توجه به توان اقتصادی، نتوانسته‌اند خود را با ساکنین متن‌نشین تطبیق دهند این عدم سازگاری اجتماعی سبب نفی آن‌ها به مناطقی است که بتوانند زمینه جذب آن‌ها را فراهم کند. (پارسا پژوه، ۱۳۸۱: ۲۰۰-۱۹۹)

۲-۲- تاریخچه حاشیه نشینی

حاشیه‌نشینی یک پدیده اجتماعی است و این پدیده اختصاص به عصر فعلی نداشته و ریشه در ادوار و اعصار گذشته دارد و این پدیده هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود داشته و دارد. و تنها تفاوت آن در کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه، از حیث ریشه‌های تاریخی بوجود آورنده آن و رفتار کالبدی و اجتماعی آن می‌باشد کشور ایران از این پدیده مصون نمانده منتهی شرایط حادی که در برخی از کشورها از جمله برزیل، هندوستان و پرو و برخی کشورهای آفریقایی وجود دارد در کشور ما، حاکم نیست ولی از حیث قدمت مشابه سایر کشورها می‌باشد در ایران پیش از آغاز دهه چهل شهرنشینی رشد کندی داشت و در آستانه دهه چهل حدود ۳۳ درصد از جمعیت کشور در شهرها زندگی می‌کردند. با اجرای طرح اصلاحات ارضی در آن دهه و افزایش درآمدهای نفتی در دهه پنجاه، رشد شهرنشینی شتاب بیشتری گرفت و این رشد چنان سرعت یافت که در سال ۱۳۵۷ جمعیت شهرنشین کشور به ۶۴ درصد رسید و در وضعیت فعلی مطمئناً این نسبت به سود شهرنشینی افزایش یافته است. و چون قشر عظیمی از این حاشیه نشینان

مهاجرین از روستاها یا شهرهای کوچک هستند مشکل فرا روی آنها این است که کجا سکونت گزینند؟ آنها در پی تهیه زمین جهت احداث مسکن، به لحاظ ارزانی حاشیه و اطراف شهر به این مناطق روی می‌آورند و مناطقی را تشکیل می‌دهند که رفته رفته خود این مناطق خود تبدیل به شهری می‌شود با حاشیه کهای مملو از سکونتگاههای غیر رسمی و اسلام شهر تهران که در گذشته شادی شهر نامیده می‌شد نمونه بارز آن است و این چنین است که حاشیه‌نشینی شکل گرفته.

تعریف حاشیه‌نشین: شامل تمام کسانی است که در محدوده فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر حضور و سکونت دارند ولی نحوه اسکان و معیشت آنها از جامعه شهری کاملاً متمایز است و در نتیجه با جامعه شهری هماهنگ نشده‌اند.

۲-۳- مفهوم حاشیه نشینی

صاحب نظران و کارشناسان مسائل شهری تعاریف متعددی از حاشیه‌نشینی ارائه کرده‌اند برخی عقیده دارند حاشیه نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی نشده‌اند. چارلز آبرامز حاشیه را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته است. و نیز حاشیه‌نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می‌داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطبهای صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و اکثر آنها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند. و تعبیری که از حاشیه‌نشینی ارائه شده است، ساختمان یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل دیده می‌شود. البته به نظر می‌رسد که به تعبیر یاد شده باید اوصافی چون عدم امنیت، جرم زا بودن و نیز مامن و پناهگاه امن برای بزهکاران را اضافه نمود.

۲-۴- علل عمده پیدایش حاشیه نشینی

در خصوص ایجاد پدیده حاشیه‌نشینی علل مختلفی می‌تواند موثر باشد از جمله:

۱- کمی در آمد روسای خانوار و بالا بودن بهای زمین و هزینه ساخت و ساز رسمی و گرانی

اجاره بها

۲- دافعه‌های مبدا (مثل بی‌چیزی، نداشتن زمین) موجب گریز ساکنین آن از زادگاههای

خویش و سرازیر شدن آنها بسوی شهرها می‌شود و هزینه بالای زندگی شهری موجب پدید آمدن کانونهای حاشیه‌نشینی می‌شود.

۳- عامل دیگر قطعه بندیهای بزرگ زمین است که موجب افزایش قیمت زمین شده و امکان

خرید زمین توسط افراد کم در آمد و کم بضاعت گرفته می‌شود و بناچار به مناطق حاشیه‌نشینی پناه می‌برند.

۴- فقدان منطقه بندی و کاربری نامناسب زمین. اگر شهرها بصورت مناسب منطقه بندی و

توسعه نیابند زمینه برای ساخت و سازهای غیر مجاز فراهم شده و محلات زاغه‌نشینی بوجود خواهد آمد. همچنین چنانچه زمینهای مناسب برای خانه‌سازی به کاربری صنایع و یا دیگر موارد کاربری اختصاص یابد ممکن است محلات فقرنشین شکل بگیرند.

۵- مهاجرت، از عوامل موثر در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی است مهاجرت اعم از مهاجرت افراد از

روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و نیز مهاجرت افراد از هسته داخلی شهر به حواشی آن می‌باشد.

۶- در شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشینی حداقل در گسترش آن نقش و تاثیر عملکرد ادارات و

دستگاههای دولتی و عمومی را نباید نادیده گرفت.

۲-۵- اوصاف عمومی مناطق حاشیه نشینی

۱- سیمای نامطلوب: عمده ترین نماد جهانی حاشیه‌نشینی سیمای نامطلوب آن است که

احساس و وجدان و دیدگان آدمی را می‌آزارد، ساختمانها تخریب شده و فرسوده شده نشان می‌دهد.

گذرگاهها و معابر پرپیچ‌وخم و کم عرض بوده و معمولا راه دسترسی خودروهای امداد اعم از آتش‌نشانی، اورژانس و پلیس در مواقع بروز حوادث و خطرات وجود ندارد.

۲- پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی: حاشیه نشینها فاقد بهداشت عمومی و خصوصی در حد و اندازه استانداردهای جهانی و حتی ملی هستند و اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست در چنین مناطقی شایع است. انباشت زباله‌ها و عدم جمع‌آوری آنها، جریان فاضلاب منازل در کوچه‌ها و عدم دفع بهداشتی آن، آلودگیهای صوتی و آلودگی هوا و غیره در این محلات مشهود است.

۳- فقدان شغل رسمی و درآمد کافی: اکثر خانواده‌های حاشیه‌نشین شغل رسمی برای تامین معاش خود ندارند و چون این افراد عموماً فاقد مهارت و تخصص و سرمایه‌گذاری می‌باشند به مشاغل کاذب و بعضاً مجرمانه مثل دست‌فروشی، کوپن‌فروشی، تکدی‌گری، زباله‌دزدی، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی روی می‌آورند. بر حسب آمارهای موجود حدود ۲۰ درصد افراد این مناطق فاقد شغل می‌باشند.

۴- وجود خرده‌فرهنگهای خاص مناطق کوچک: در مناطق حاشیه‌نشین خرده‌فرهنگهای خاص مناطق کوچک هر یک از خانوارها که قبلاً ساکن آن بودند مشاهده می‌شود. این فرهنگها بسیار دیر جذب فرهنگهای شهری می‌شوند و این امر و نیز فقر فرهنگی افراد امکان نفوذ از نظر فرهنگی و اجتماعی را در آنها برای اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی، چون بهداشت و تنظیم خانواده و غیره مشکل می‌کند.

۵- اعتیاد: از عوامل گرایش به اعتیاد، فقر، بیکاری، فقدان برنامه صحیح جهت پر کردن اوقات فراغت، نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و در دسترس بودن مواد مخدر را می‌توان نام برد معمولاً در مناطق حاشیه‌نشین بسیاری از این عوامل قابل رؤیت است و بدان جهت اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان این مناطق و همچنین خرید و فروش مواد افیونی روز به روز افزایش می‌یابد.

۲-۶- مهاجرت به عنوان یکی از تحولات جمعیتی

حرکت مهاجرتی از روستاها به طرف شهرها، منشا عمده و اصلی توسعه شهرنشینی را در جهان تشکیل می‌دهد. از نظر تاریخی، توسعه صنعت و اقتصاد با امواج چشمگیر مهاجرت به مراکز رشد یابنده شهری که بازار کار دارند همراه بوده است.

حرکات جمعیتی معمولاً در دو بخش اساسی قابل بررسی هستند: یکی کنترل مرگ و میر و افزایش جمعیت و دیگری جابجایی جمعیت که همان مهاجرت از مکانی به مکان دیگر است و در جوامع جدید عمدتاً این جابجایی از اجتماعات کوچک و منزوی به سوی اجتماعات بزرگ و از روستا به شهرهاست. در هر حال، افزایش جمعیت در اجتماعات کوچک و روستایی و بهم خوردن تعادل‌های حیاتی در آنجا و از سویی میل شدید افراد به شهرنشینی و قرار گرفتن در اجتماعات بزرگ، گرایشی است که از قرن نوزدهم در اروپا و آمریکا و از نیمه دوم قرن بیستم در کشورهای در حال توسعه باعث دگرگونی عمیق در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی کشورهای مزبور شده است.

رشد شهرنشینی عمدتاً ناشی از مهاجرت‌ها به شهرها است.

به طور خلاصه رشد عمومی جمعیت شهری را می‌توان ناشی از عوامل زیر دانست:

۱- افزایش طبیعی جمعیت (موالید منهای مرگ و میر)

۲- کوچ از مناطق روستایی: قسمت عمده شهرنشینی‌های امروز از سالها پیش مستقیماً از

روستاها به شهرآمده و از آنجا ساکن شده‌اند.

الف) کوچ از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ

ب) کوچ از کشورهای دیگر (مهاجرت، پناهندگی)

۳- افزایش طبیعی جمعیت روستاهای ادغام شده در شهر

۲-۷- اثرات مهاجرت به روی افراد کشورها

بیشتر کشورها جمعیت‌هایی از مهاجران را در خود پناه می‌دهند که اهمیت بیشتری دارند. اگر به همان اندازه که تعداد مهاجران بین‌المللی را به حساب می‌آوریم، سهم کل جمعیتی را که این مهاجران عرضه می‌کنند نیز در نظر داشته باشیم، کشورهایی که مهاجران بین‌المللی را در خود جمع می‌کنند از ۱۹۶۵ بسیار گوناگون شده‌اند و تعداد آن‌ها، که جمعیت‌های قابل ملاحظه‌ای (بیش از ۳۰۰ هزار نفر) از مهاجران را در خود جای می‌دهند و یا مهاجران قسمت مهمی از کل جمعیت آن‌ها را (بیش از ۱۵ درصد) شامل می‌شوند، افزایش یافته است.

بیش از پیش زنان در جست‌وجوی شغل و به دلایل دیگر به موازات سیاست‌های مربوط به گردهمایی خانواده‌ها جابجا می‌شوند و امروزه زنان نزدیک به نصف جمعیت مهاجران بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. اما زنان مهاجر اغلب شغل‌هایی را که درآمد را در تولیدات و خدمات اشغال کرده‌اند و به ویژه در معرض بهره‌کشی ظالمانه و در رابطه با استعمار و به ویژه در بستر اعمال بد، علی‌الخصوص خدمات جنسی قرار دارند.

۲-۸- میزان مهاجرت به شهرهای کشور در دهه منتهی به سال ۱۳۸۵

مهاجرت یکی از عوامل تغییر جمعیت در جوامع و سکونتگاه‌های انسانی است. این عامل در کنار زاد و ولد و مرگ و میر تعیین‌کننده تعداد جمعیت در هر سکونتگاه شهری یا روستایی است. اهمیت بررسی وضعیت مهاجرت در برنامه ریزی شهری آن چنان زیاد است که بدون توجه به آن پیش‌بینی‌ها و ترسیم وضعیت آتی شهرها به واقعیت نزدیک نخواهد شد. در پیش‌بینی جمعیت آتی شهرها از دو مؤلفه رشد طبیعی و غیرطبیعی استفاده می‌شود که مهاجرت عامل اصلی در رشد غیرطبیعی شهرهاست. سابقه مهاجرت‌های انسانی در اشکال مختلف به قدمت تاریخ حیات انسان در کره زمین است. مهاجرت اقدام آریایی از موطن اصلی خود به سمت هند، ایران و اروپا بزرگ‌ترین و مهاجرت یک خانوار روستایی یا شهری به مکان دیگری برای سکونت کوچک‌ترین نوع مهاجرت به شمار می‌آید. بنابراین تغییرات جمعیتی سکونتگاه‌های شهری و روستایی در سراسر جهان و ایران (در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی) از پدیده مهاجرت تاثیر می‌پذیرد. (کاظمی، ۱۳۸۸: ۵۶).

سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ و وضعیت مهاجرت به مقصد شهرهای کشور در طول ۱۰ سال قبل از آن، بر اساس داده‌های این سرشماری در طول ۱۰ سال منتهی به سال ۱۳۸۵ حدود ۱۲۱۴۸۱۴۸ نفر در کشور مهاجرت داشتند که حدود ۷۴ درصد آن‌ها برابر ۸۹۹۹۷۱۰ نفر در شهرهای کشور و حدود ۲۶ درصد در نقاط روستایی کشور ساکن شدند این میزان در سال ۱۳۷۵ برای کل کشور ۸۷۱۸۷۷۰ نفر بود که ۲/۷۰ درصد در شهرها و ۸/۲۹ درصد به روستا مهاجرت کردند مقایسه داده‌های مربوط به دو دوره یاد شده نشان می‌دهد که در دهه منتهی به سال ۱۳۸۵ تعداد مهاجران افزایش یافته و مهاجران وارد شده به شهرها بیشتر از روستاها بودند.

در گروه مهاجران به شهرهای کشور سه سطح فضایی منطبق با تقسیمات کشوری قابل تفکیک است بر اساس تقسیمات کشوری، ۲۷ درصد مهاجران در درون شهرستان، ۲۷ درصد درون استان و ۴/۴۳ درصد درون کشور محل تولد خود جابه جا شدند بر اساس کل مهاجرانی که بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ از شهرها و روستاها درون کشور به نقاط شهری کشور مهاجرت کردند ۸۷۱۵۷۱۹ نفر بودند که ۸/۹۶ کل مهاجران وارد شده از مناطق داخلی کشور و خارج آن را تشکیل می‌دهند و مهاجرت بین استانی بیشترین بخش مهاجرت‌ها را تشکیل می‌دهند. (همان منبع)

بر اساس داده‌های سرشماری ۱۳۸۵ حدود ۸۳۸۹۶۷۶ نفر از جمعیت شهری کشور مهاجرت کردند که ۱/۷۶ در شهرها و ۸/۲۳ در روستاهای دیگر سکونت اختیار کرده در همین دهه حدود ۳۳۹۴۰۹۶ نفر از روستاهای کشور مهاجرت کردند که ۶/۶۸ درصد وارد شهرها و بقیه به روستاهای دیگر رفتند و از مجموع مهاجران داخلی وارد شده به شهرها در دهه منتهی به سال ۱۳۸۵ حدود ۳/۷۳ درصد خاستگاه شهری و حدود ۷/۲۶ خاستگاه روستایی داشتند (ماهنامه شوراها، ۱۳۸۸: ۵۷)

مهاجرت شهرها به روستاها بر اساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۸۵ از مجموع ۳۰۶۸۰۵۵ نفر مهاجر داخلی وارد شده به روستاهای کشور طی ده سال قبل از آن ۳/۶۵ درصد برابر ۲۰۰۴۰۱۳ نفر از شهرها به روستاها و تنها ۷/۳۴ درصد برابر با ۱۰۶۴۰۱۲ نفر از جمعیت مهاجر از روستاها به روستاهای دیگر کشور مهاجرت کردند. (همان منبع)

۲-۹- ویژگیهای مناطق حاشیه نشین

۱- چهره نامطلوب شهری، ۲- پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی روانی و جسمی، ۳- فقدان شغل مناسب و درآمد کافی، ۴- وجود خرده فرهنگ‌های خاص در این مناطق، ۵- تراکم جمعیت، ۶- فقدان یا کم بودن امکانات آموزشی و رفاهی و پایین بودن سطح سواد و تحصیلات نبود مدارس، ۷- گستردگی فقر، ۸- فراوانی مواد مخدر و رقم اعتیاد و ۹- منبع و مرکز انحرافات و کژروی‌های اجتماعی

به طور کلی چهار ویژگی زیر را برای اجتماعات حاشیه‌نشین ذکر کرده‌اند:

۱- نا امنی حق تصرف، ۲- شرایط ساختاری نابهنجار مسکن، ۳- دسترسی ضعیف به آب

آشامیدنی سالم و تغذیه و ۴- تراکم بیش از حد

۲-۱۰- علل پیدایش حاشیه‌نشینی

در کشور ایران نیز پدیده اسکان غیر رسمی به طور مشهوری از دهه ۱۳۴۰ به بعد که رشد شهرنشینی در اوج خود بوده نمایان گردید و شهرهای کشور را با مشکل جدی روبرو نموده و همواره میزان آن در حال افزایش است و طبق برخی برآوردها در حال حاضر حدود ۳/۵ میلیون حاشیه‌نشین در ایران وجود دارد (افتخاری راد، ۱۳۸۲: ۶۱)

افزایش بی‌رویه جمعیت به عنوان مهم‌ترین دلیل، توزیع نامناسب و ناعادلانه امکانات در سطح کشور، پدیده‌های طبیعی مثل سیل و خشکسالی و سرمایه‌داری و محصولات کشاورزی و... عوامل جاذب شهری و مهاجرت روز افزون روستائیان به شهرها را می‌توان از مهم‌ترین علل پیدایش حاشیه‌نشینی عنوان کرد.

در کشور ایران مهاجرت شدید به دنبال اصلاحات ارضی که با سه هدف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در برنامه عمرانی سوم (۴۲-۱۳۴۶) مورد توجه قرار گرفت، پدیدار شد. این مهاجران دو دسته بودند. ۱) کارگران و زارعان خرده پا یا دهقانان فقیر که به امید کار وارد شهر و در حاشیه شهرها ساکن شدند. ۲) سرمایه دارانی که با دریافت غرامت اصلاحاتی از دولت، وارد شهرها شدند.

در این میان همانگونه که تحقیقات جمعیت‌شناسی و جامعه‌شناسی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران نیز نشان می‌دهد به لحاظ جغرافیایی بیشترین سهم جمعیت اسکان غیررسمی در تهران و دیگر کلانشهرها ایران اسکان یافته‌اند که عمدتاً از جمعیت مهاجر تشکیل شده‌اند. (سیف‌الدینی، ۱۳۷۸: ۸۴)

در سال ۱۳۵۹ جمعیت ایران به ۳۷۷۰۰۰۰۰ نفر بالغ گردید و نرخ مهاجرت روستایی نیز همگام با آن یک درصد افزایش یافت جنگ به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مهاجرتی برای ساکنین جنوب و غرب کشور، هجوم آن‌ها به مناطق مرکزی و شرقی کشور به حساب می‌آید با نگاهی به

ساکنین مناطق حاشیه‌نشین در خواهیم یافت آن‌ها مهاجرینی هستند که به خاطر اصطکاک و فرسودگی شیوه تولید دستیابی و بازده پایین تولیدات در اثر بی‌توجهی دولت و درگیر بودن آن‌ها با مسائل مهم تری از بحران، به شهرها هجوم آورده‌اند. بعد از انقلاب بالا رفتن قیمت زمین، مصالح ساختمانی، وام‌های با بهره فراوان، اجاره‌های سنگین عواملی بود که اقشار کم درآمد جامعه که نسل دوم از مهاجرین روستایی بودند نتوانند در شهرها ساکن باشند و به همین خاطر به حاشیه شهرها رفته و شاید در آینده (که هیچ‌گاه نمی‌آید) بتوانند به متن برگردند. البته مهاجرت به خارج بعد از انقلاب تحت الشعاع دو جریان بزرگ قرار داشت که تابع اوضاع و احوال عصر خود بوده و در گسترش حاشیه‌نشینی و به تبع بالا رفتن میزان بزهکاری تاثیر داشت (مهاجرین، ۱۳۸۷: ۴۱ - ۴۰)

کودتای مارکیستی در افغانستان و اشغال آن توسط شوروی سبب مهاجرت افغان‌ها به داخل کشور که از تعداد مهاجران آمار درستی در دست نیست اما در سال ۱۹۸۸ یونسکو طی آماری که منتشر کرد تعداد کل پناهندگان که در ایران زندگی می‌کنند را ۲۸۳۰۰۰۰ نفر برآورد کرد که از این عده ۲۳۵۰۰۰۰ نفر آن آوارگان افغانی و ۷۰۰۰۰ نفر از آن کردها و عراقی را تشکیل می‌دادند

در اواخر دهه ۶۰ که اقتصاد ما، اقتصاد جنگ بود، تولیدات پایین، بی کیفیت، عدم توازن عرضه و تقاضا افزایش نقدینگی، تورم، شغل‌های کاذب، ترس از سرمایه گذاری، عدم امید به ادامه حیات نظام و از همه مهم‌تر افزایش سریع جمعیت که طی ۷ سال بیش از ۲۰ میلیون به جمعیت ایران اضافه شد و در دهه‌های ۷۰ که دوران بعد از جنگ را تجربه کردیم حکومت تا حدودی به اوضاع مسلط شد و باید شاهد عمران و آبادانی شهرها و بازگشت مهاجران جنگ زده به شهرهایشان، اما این عمران و آبادانی با سرعت کمی صورت گرفته و نه تنها جنگ زده‌ها حاضر به بازگشت نبودند بلکه شهرها و روستاهای خود را محل زندگی نمی‌دانستند. در نیمه نخست دهه هشتاد هم هنوز برنامه‌های عمرانی و سیاست‌ها و راهکارهای مثبتی برای سر و شکل دادن به مناطق حاشیه‌نشینی صورت نگرفته است باید اذعان داشت که قبل از انقلاب با سیاست‌های غلط و نسنجیده دولت‌ها بستر و شرایط پدیده حاشیه‌نشینی را فراهم کردند و بعد از انقلاب نیز به جای جلوگیری از ادامه و گسترش آن زمینه را برای توسعه پایدار آن فراهم کردند (مهاجرین، ۱۳۸۷، ۴۲)

۲-۱۱- دیدگاه‌های عمده در مورد علل حاشیه نشینی

«حاشیه‌نشینی خود بخشی از طیف کلی و وسیع‌تر مسکن به معنای عام کلمه است که در یک سوی آن خیابان‌خوابی قرار دارد و در سوی دیگر آن کاخ‌نشینی واقع شده است، بین این دو قطب متضاد بر اساس ملاک‌های متنوعی مثل محل قرار گرفتن سرپناه و ارزش منطقه‌ای، مساحت، عمر سرپناه، مصالح بکار رفته، تأسیسات و وسایل موجود در مسکن، خدمات شهری در دسترس، نحوه طراحی و بنا - خودساز، بنا و معماری و مهندسی‌ساز با نقشه یا براساس سنت متداول، میزان آلودگی محیطی منطقه و شیوع آسیب‌های اجتماعی و بهداشتی، دسترسی به مدرسه، درمانگاه و بازار خرید، وسایل حمل و نقل تأسیسات ورزشی و اوقات فراغت و نحوه تصرف و مالکیت به انواع مختلف قابل طبقه‌بندی است.

۲-۱۱-۱- مارشال کلینارد

مارشال کلینارد معتقد است که «حاشیه‌نشینی بر اثر رشد شهرها حاصل می‌آید. به این صورت که در مراحل اولیه رشد، مرکز شهرها محل سکونت افراد متمول و طبقه بالاست ولی کم‌کم با گسترش مناطق تجاری و صنعتی در این محل، آن‌هایی که وضع بهتری دارند از مرکز شهر به سمت خارج حرکت کرده و دور از مرکز شهر زندگی می‌کنند. کارگران و گروه‌های فقیر و کم‌درآمد به این منطقه مرکزی می‌آیند و ساکن آن می‌شوند. از آن جا که مالکان اجاره‌ای کمی جهت تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها دریافت می‌کنند، این مناطق، شلوغ و خراب شده و به زاغه‌ها تبدیل می‌شود» (کلینارد، ۱۹۶۶: ۱۸).

۲-۱۱-۲- مکینتاش

مکینتاش در غالب نظریات بوم‌شناختی چهار عامل را در مورد گودنشینی مورد توجه قرار می‌دهد: « محیط فیزیکی اطراف خانه، شرایط فیزیکی خانه، صاحب خانه و ساکنین آن، هم‌چنین او معتقد است که با بهبود شرایط فیزیکی، می‌توان به مسأله گودنشینی پایان داد. به عقیده او برای از میان بردن زاغه‌ها می‌باید شرایط محیطی بهبود یابد، صاحب‌خانه‌ها و ساکنین بهتر از خانه‌ها نگهداری کنند و مقامات دولتی، نظارت‌های تخصصی خویش را اعمال کنند» (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۱۵). این

گونه دسته‌بندی نظریات مربوط به حاشیه‌نشینی فقط به ابعاد فیزیکی مسئله اشاره دارد و به صرف مشاهده فیزیکی، مسائلی چون فقر و تبعیض نژادی، مهاجرت و نابرابری‌های اقتصادی، بدون توجه به عوامل اجتماعی و اقتصادی تعیین کننده آن‌ها، قابل تبیین نخواهد بود.

نظریه‌های جامعه‌شناختی حاشیه‌نشینی را معلول مسائل کلی نظام جهانی می‌داند که با توجه به شرایط تاریخی خاص ظهور و گسترش یافته است. این نظریه را تا حدودی می‌توانیم به نظریه توطئه نیز تشبیه کنیم که معتقد است نظام سرمایه‌داری جهانی به خاطر خصلت منفعت طلبی و انباشت سرمایه از برآوردن نیاز بشریت به مسکن جلوگیری به عمل می‌آورد. بررسی شرایط تاریخی و جریانهای دخیل در زایش و رشد مسأله حاشیه‌نشینی از این دیدگاه ما را در درک روشن تر این نظریه یاری می‌رساند (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۵۰: ۱۲۱).

طبق این نظریه عامل حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه مهاجرت است: «در کشورهای در حال توسعه، شهرهای بزرگ دارای حاشیه‌نشینی هستند. این شهرها با سیل عظیم مهاجرین روستایی روبرو هستند و شهر به عنوان یک متوقف کننده در مورد آنها عمل می‌نماید. اولین عامل حاشیه‌نشینی، اقتصاد و بعد از آن، عوامل فرهنگی و اجتماعی است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵).

۲-۱۱-۳- دکتر زنجانی

دکتر زنجانی معتقد است که در حاشیه شهرها حداقل سه گروه را از هم می‌توان متمایز کرد:

۱- ساکنان معمولی این نقاط، که چه به صورت شهری و چه به صورت روستایی زندگی معمولی خود را می‌گذرانند. واحدهای مسکونی مناسب تری دارند و از ویژگی‌های حاشیه‌نشینی هم بدور هستند.

۲- دوم کسانی که از شهرها به این نقاط آمده و زندگی مرفه و یا حداقل مطلوبی را دارند و به هر دلیلی که باشد سکونت در این نقاط را برگزیده‌اند و با مشکلی نیز مواجه نیستند.

۳- کسانی که از نقاط محروم راهی شهرها شده‌اند و به علت عدم توان مالی و یا مسائل متعدد دیگر، در حواشی شهرها به سر می‌برند و مصداق بارزی از حاشیه‌نشینان محسوب می‌شوند. از مسکن نامطلوبی برخوردارند و دارای سطح درآمدی و سطح هزینه‌های زندگی پایینی هستند. از این رو همه ساکنان حاشیه شهرهای بزرگ را نمی‌توان حاشیه‌نشین در مفهوم رایج آن محسوب دانست (ستارزاده، ۱۳۸۶: ۳؛ بنقل از زنجانی ۱۳۸۵: ۱۳).

پارک با اشاره به برخوردهای فرهنگی و نژادی ناشی از مهاجرت، این پدیده را یکی از علل تحقق حاشیه‌نشینی قلمداد می‌کند: به زعم او یکی از عواقب روانی- اجتماعی مهاجرت آن است که فرد مهاجر (گرچه هم نژاد مردم جامعه میزبان باشد) در موقعیت جدید، خود را میان توقعات و ارزشهای دو نظام فرهنگی موجود، پیوسته در تقلا و مبارزه می‌بیند و این شرط مبهم و گیج‌کننده موجب نوعی «ثنویت شخصیت» در او می‌شود، که خود معرف و وجه تمیز انسان حاشیه‌ای است (پارک، ۱۹۲۸: ۸۸۱).

در این نظریه اگرچه به مسائل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حاشیه‌نشینی اشاره می‌شود اما جایگاه عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در به‌وجود آوردن مسأله حاشیه‌نشینی روشن نبوده و تکیه اصلی آن بر مهاجرت است. شاید بتوان گفت که مهاجرت مکانیزمی (سازوکار) است که گاهی باعث حاشیه‌نشینی می‌شود. اما علت تامه حاشیه‌نشینی نیست.

نظریه نابرابری در توزیع امکانات و مناسبات اجتماعی، اعتقاد دارد که علت تفاوت در نحوه سکونت حاشیه‌نشینی با دیگر انواع سکونت در شهر و روستا، دلیل وجود نابرابری در دسترسی به امکانات موجود در جامعه است. انواع شیوه‌های سکونت، با توجه به امکاناتی که در اختیار افراد مختلف قرار گرفته است شکل می‌گیرد. لذا نابرابری در توزیع امکانات چهره‌های مختلف سکونتگاه‌ها را به وجود آورده است. حال سؤال این است که علت نابرابری در توزیع امکانات چیست؟

پاسخ آن این است که فن بهره‌برداری از مواهب مختلف، آن موهبت را به همان نوع در دسترس انسان قرار داده و وارد امکانات انسان می‌کند. پس فن مشخص‌کننده امکانات است. اگر به مسأله اصلی خود که حاشیه‌نشینی است بازگردیم در می‌یابیم که علت نابرابری در توزیع امکانات در سطح جامعه که باعث بروز اختلاف در نحوه سکونت حاشیه‌نشینی با دیگر انواع سکونت شده است، به سیستم فنی یا تکنیکی مسلط بر کل جامعه بازمی‌گردد» (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹: ۲۱). پس باید ویژگی نابرابری تکنولوژی وجود داشته باشد تا امکانات را نابرابر توزیع کند و در نتیجه شیوه‌های مختلف سکونتی را پدید آورد.

«اگر در سطح اجتماعی بنگریم خواهیم دید که افراد هر جامعه مناسبات اجتماعی به‌خصوصی

را برگزیده و در چارچوب همان مناسبات است که ابزار مختلف را بکار می‌گیرند. ابزار جایی متناسب با خود را برمی‌گزینند و به وسیله آن‌ها امیال خود را اعمال می‌کند، یعنی تکنولوژی تابع سیستم روابط اجتماعی است (جهاد سازندگی، ۱۳۶۸: ۸۷).

اکنون می‌توانیم بگوئیم که چون تکنولوژی تابع سیستم روابط اجتماعی است، پس وجود ویژگی نابرابری در سیستم روابط اجتماعی است که منجر به حاشیه‌نشینی می‌شود. به عبارت دیگر حاشیه‌نشینی زائیده وجود ویژگی نابرابری در روابط اجتماعی مسلط بر جامعه است. در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت که مهم‌ترین عواملی که در رابطه با شکل‌گیری حاشیه‌نشینی مد نظر اکثر صاحب نظران می‌باشد، وضعیت کالبدی و ابعاد فیزیکی نظیر تغییر در نحوه استفاده از زمین و کمبود مسکن، نابرابری در توزیع امکانات و مناسبات اجتماعی، مهاجرت می‌باشد.

۲-۱۲- نظریه مجاورت فرهنگی

بر پایه نظریه مجاورت فرهنگی، نرخ جرایم و آسیب‌های اجتماعی در شرایطی که ترکیب جمعیتی و تعادل‌های موجود آن به هم می‌خورد، افزایش می‌یابد. این ایده که هر چه انسانها بیشتر از هنجارهای فرهنگی خود دور می‌شوند، به همان اندازه میزان ناهنجاری‌های رفتاری افزایش می‌یابد، در بین گروه‌های مهاجر مناطق مهاجر پذیر قابل مشاهده است. از این رو بخشی از رفتارهای خاص آنها را بایستی بر مبنای جدا افتادگی فرهنگی تبیین نمود (محسنی، ۱۳۸۰: ۱۲). از نظر جامعه‌شناسان موج مهاجرت‌های بی‌رویه و نبود سازماندهی حرکت جمعیتی عامل مهمی در پیدایش تمرکزهای جمعیتی به سود تولید و اشاعه بزهکاری‌های شهری بوده است. همچنین حاشیه شهرهای بزرگ آمادگی بیشتری برای پرورش انواع گوناگون جرایم دارند. زیرا این شهرها مهاجران زیادی را به سوی خود جلب می‌کنند و از آنجا که این مهاجران فاقد پشتوانه اجتماعی نیرومند هستند، به هنگام بروز حوادث تلخ، فعالیت آنها در درون روابط اجتماعی ناپیوسته باعث ایجاد ناآرامی اجتماعی و انواعی از قانون شکستگی می‌گردد، بعلاوه آنها به علت نبود پیوندهای اجتماعی مستحکم هیچ نوع کنترل بیرونی را که ممکن است مانع از ارتکاب جرم باشد، احساس نکنند. در نتیجه این خود فرصت خوبی برای آنها در انجام رفتارهای ضد اجتماعی فراهم می‌سازد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۹۴).

دلال پور (۱۳۷۹: ۶) در کتاب برنامه ریزی مسکن می‌نویسد که مشکل مسکن در شهرها می‌تواند ناهنجاری هایی را بوجود آورد. عدم دسترسی به مسکن مناسب با افزایش میزان بزهکاری و از هم گسیختگی اجتماعی ارتباط زیادی دارد و عامل بازدارنده رشد و اعتلای اجتماعی فرهنگی و روانی محسوب می‌شود. واحدهای مسکونی مناطق حاشیه نشین، در مقایسه با سایر مناطق شهری فرسوده‌اند و زیربنای اندک و مصالح ساختمانی نامناسب و تجهیزات ناقص دارند. ساکنان این مناطق اغلب امکانات رفاهی خانواده‌های شهرنشین را ندارند. بی‌اعتنایی نسبت به سازمانها و نهادهای دولتی، ازدحام جمعیت، نداشتن کار مطمئن و دائمی و زیاد بودن تعداد اعضای خانواده از ویژگی‌های مهم اقتصادی اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین است که زمینه را برای رفتار بزهکارانه فراهم می‌سازد (ستارزاده، ۱۳۸۸ بنقل از احمدی، ۱۳۸۴: ۱۸۵).

حاشیه‌نشینی با بزهکاری رابطه دارد. تنوع، تجمل و اختلاف فاحش طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، گرانی و سنگینی هزینه‌های جاری زندگی موجب می‌شود تا مهاجران غیر متخصص که درآمد آنان کفاف مخارجشان را نمی‌دهد، جهت برآوردن نیازهای خود دست به هر کاری ولو غیرقانونی بزنند (بقول میشل بست هنگامی که دیگر نه نانی برای کارگری باقی مانده است نه خورشت، نه پولی، نه آتش، نه سرپناهی ناچار گدایی می‌کنند، و دستبرد می‌زنند و دزدی می‌کنند و از چنگ بهره‌کشان که در می‌آیند، به دست قاچاقچیان گرفتار می‌آیند). در مناطق حاشیه‌نشین به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی، کجروی‌های اجتماعی سریعاً رشد می‌کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و نظایر آن گسترش بسیار می‌یابد (محسنی، ۱۳۸۰: ۳۵).

۲-۱۲-۱- لوئیز

لوئیز هم معتقد است که چون حاشیه‌نشینی با فرهنگ فقر (مایکل هرینگتون در کتاب خود آمریکایی دیگر معتقد است که فقر در میان اقلیت محروم آمریکایی به صورت فرهنگ و شیوه‌ای از زندگی در آمده است) همراه است و ساکنان این مناطق که عمدتاً از مهاجران هستند به لحاظ سوابق قومی و محدودیت در تحرک اجتماعی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین، با ساکنان سایر مناطق شهری متفاوت می‌باشند. فقدان خلوت و حریم خصوصی در خانواده‌های حاشیه‌نشین به گونه‌ای که هر محدوده‌ای در دسترس و کنترل همه اعضای خانواده است، شکاف زیاد بین اعضای خانواده، رقابت

و کشمکش برای دستیابی به لوازم زندگی به دلیل کمبود آنها، احساس بی‌ارزشی، تحقیر و درماندگی، سرشکستگی، سرگردانی و عدم هویت، ناتوانی در فرو بردن خشم خود، و سایر احساسات (از ویژگی‌های فرهنگ فقر) زمینه را برای رفتار بزهکارانه در جوانان بوجود می‌آورد (احمدی ۱۳۸۴)

۲-۱۲-۲- نظریه وابستگی

نظریه وابستگی معتقد است که ساخت جدید، فرد را طرد می‌کند و آن را به زاغه‌نشینی می‌کشد. زاغه‌ها دلیلی بر انزوای اجتماعی مهاجران و عدم پذیرش آنها از سوی جامعه میزبان می‌باشد (ربانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۷). در حاشیه‌نشینی، افراد از نظر ویژگی‌های اجتماعی (مثل رفتار و سلوک زبان) احساس حاشیه‌ای دارند. این امر در میان مهاجرانی که از نظر نژاد، قوم، مذهب و حتی طبقه با ساکنان متن (مقصد) متفاوتند، بیشتر به چشم می‌خورد. زیرا «مهاجران ... از جهان سنتی خود بیرون آمده‌اند و هنوز با جهان جدید انس نگرفته‌اند و منتظر اجتماعی شدن جدید هستند ... (آن‌ها) به صورت گروه‌های قومی روزگار می‌گذرانند و خطوط اساسی فرهنگ خود را حفظ کرده‌اند ...». احساس حاشیه‌ای از بعد اجتماعی باعث می‌شود تا مهاجران، مخصوصاً جوان‌های احساس بی‌هویتی کنند و در دوراهی قرار گیرند. در این موقع است که با تشکیل گروه‌ها و باندها سعی در مخفی نگاه داشتن ویژگی حاشیه‌ای خود دارند. فرد مهاجر از اجتماع بریده و پا به دنیای جدید گذاشته، احساس می‌کند به پناهگاهی نیاز دارد تا این بیگانگی را در دل خود حل کند؛ پس به سوی آن‌هایی می‌رود که در بحران از دست دادن ارزش‌های بومی با وی هم‌دردند و بدین صورت، «خرده فرهنگ‌های زاغه‌ای» شکل می‌گیرد. این خرده فرهنگ‌های زاغه‌ای از افرادی تشکیل می‌یابد که کم و بیش مشکلات مشابهی دارند و ارتباطات آنان با یکدیگر ارزش‌ها و گرایش‌های جدیدی را به وجود می‌آورد. بنابراین بسیاری از رفتارهایی که در فرهنگ حاکم جامعه ناهنجار یا انحرافی تلقی می‌شود، در این مکان‌ها عادی است (عریضی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۱۱). اغلب مهاجران روستایی جوانان هستند که به سرعت در مشاغل غیر حرفه‌ای اشتغال می‌یابند. در چنین شرایطی مهاجران روستایی حاضرند در شهرها به هر کاری تن در دهند (عبادی نژاد، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

۲-۱۲-۳- آلبرت کوهن

آلبرت کوهن هم در بحث خود پیرامون محرومیت فرهنگی خرده فرهنگ بزهکاری معتقد است که اولاً جوانان مناطق حاشیه‌نشین مانند جوانان طبقات متوسط شهری تربیت نمی‌شوند و بنابراین آمادگی لازم برای حل مشکلات بر اساس هنجارهای مسلط جامعه را ندارند. ثانیاً چون آنها از پایین بودن پایگاه و منزلت اجتماعی خود رنج می‌برند هنجارهای خود را از فرهنگ کلی جمعیت دریافت می‌کنند اما آنها را در خلاف جهت تغییر می‌دهند، به روش‌های غیر قانونی و رفتار انحرافی متوسل می‌شوند (احمدی ۱۳۸۴ و قاسمی و دیگران ۱۳۸۳).

در مناطق حاشیه‌نشین به دلیل فراهم نبودن امکانات مناسب زندگی، فقدان کنترل‌های رسمی و غیر رسمی، کمبود امکانات آموزشی جهت جامعه‌پذیری افراد، فقدان هویت اجتماعی قومی و... رفتارهای ضد اجتماعی از جمله بزهکاری بیشتر تحمل می‌شود (پژوهشکده مطالعات راهبردی: ۹).

۲-۱۲-۴- مالتوسیان

بر اساس عقیده مالتوسیان، فقر شدید، حاشیه‌نشینی و رفتارهای ضد امنیت اجتماعی به رشد جمعیت کشورها بستگی دارد و بر اساس این دیدگاه، تراکم شدید جمعیت هر گونه کوشش را برای بهبود سطح زندگی و از بین بردن فقر و حاشیه‌نشینی بی‌فایده می‌نماید (قماشچی و احمدی، ۱۳۸۵: ۶۹ بنقل از مجموعه مقالات ۱۳۸۲). صدیق سروستانی (۱۳۷۶) هم معتقد است که جمعیت جوان، زیاد و متراکم، فقر، تزلزل شغلی، کم سواد و بی‌سواد و ترک تحصیل، شرارت و... در مجموع حاشیه‌نشین را به کجروی‌های حرفه‌ای سوق می‌دهد و منطقه حاشیه‌نشین را نیز به لحاظ منکراتی کاملاً فعال می‌کند.

رابطه تضادها و تمایزات فرهنگی میان فرهنگ مهاجران مناطق حاشیه‌نشین و فرهنگ حاکم بر کلان شهرها از عواملی مهمی است که با بزهکاری جوانان در این مناطق قابل بررسی است. در حالی که نسل اول مهاجران به سختی می‌توانند با فرهنگ حاکم بر کلان شهرها سازگار شوند و بر آداب و رسوم و سنت‌هایشان پافشاری می‌کنند، فرآیند فرهنگ‌پذیری جوانان به عنوان نسل دوم مهاجران سریع است. این امر موجب افزایش شکاف نسل میان فرزندان و والدینشان می‌گردد و به تبع آن

کنترل‌های گروهی اولیه توسط خانواده‌ها، خویشاوندان و بعضاً همسایه‌ها تضعیف خواهد شد و زمینه را برای رفتار بزهکارانه و رفتارهای ضد امنیت اجتماعی فراهم خواهد کرد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۹۰).

۲-۱۲-۵- هانتینگتون

هانتینگتون هم معتقد است که نسل اول مهاجران و حاشیه نشینان آمادگی کمتری برای بروز خشونت‌ها و بزهکاری دارند و برعکس نسل دوم به بعد این عده (حاشیه نشینان) هستند که برای بروز خشونت‌ها و ایجاد ناامنی و بزهکاری آمادگی دارند. زنجانی (۱۳۸۵: ۱۲) هم معتقد است که نسل دوم مهاجران در حاشیه نشین‌ها به مخالفت و مبارزه با عواملی می‌پردازند که آنها را بدان وضع دچار ساخته است. چون که وقتی آنها با مسائل روستا به هنگام مهاجرت والدین خود آشنا نبوده‌اند و وقتی که به مدرسه می‌روند با بچه‌هایی دیگری که از رفاه بالاتری برخوردارند آشنا می‌شوند و حشرو نشر داشته‌اند و در آن صورت است که دوگانگی را با تمام وجود احساس می‌کنند و بر علیه این وضعیت به ناامنی و آشوب اجتماعی روی می‌آورند (زنجانی، ۱۳۷۱: ۲۰۷).

جامعه‌پذیری به عنوان فرآیند انتقال ارزش‌ها، باورها و الگوهای فکری و عملی به نسل جدید و درونی ساختن آنها با این آموزه‌ها در مناطق حاشیه‌نشین بواسطه ضعف، ناهماهنگی و تضاد در بین عوامل جامعه‌پذیرکننده چون خانواده، مدرسه، رسانه‌های جمعی و... با اختلال جدی مواجه گردیده است (بیات، ۱۳۸۴: ۱۷۵). کوتاه بودن دوران کودکی (به این معنی که فرزندان در سنین پایین وظایف بزرگ‌ترها را بر عهده می‌گیرند)، محروم بودن کودکان از حمایت‌های لازم خانوادگی، شروع روابط جنسی در سنین پایین، آزادی و استقلال فرزندان برای ترک خانواده، آزادی فرزندان برای بیرون ماندن از منزل تا نیمه شب و استقلال نسبی فرزندان برای انجام برخی از رفتارهای انحرافی که از ویژگی‌های خانواده حاشیه‌نشین است، زمینه را برای ارتکاب رفتارهای ضد امنیت اجتماعی به اوج خود می‌رساند (احمدی ۱۳۸۴).

۲-۱۲-۶- ممتاز

ممتاز (۱۳۷۹) هم معتقد است که حاشیه‌نشین به دو نظام فرهنگی (قبل از مهاجرت روستایی و بعد از آن شهری) وابسته است و در عین حال به هیچ یک تعلق و تمایل ندارد. این در حاشیه بودن،

گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی شهری، نوعی عدم انسجام و همبستگی را بوجود خواهد آورد که موجب رشد آسیب‌های اجتماعی می‌شود. ممتاز در ادامه می‌نویسد که حاشیه نشینان مشکلات عدیده‌ای را برای دولت‌ها بوجود می‌آورند. چون اغلب این زاغه‌ها خارج از حوزه فعالیت مستقیم نیروی انتظامی شکل می‌گیرند، در خیلی از موارد به مکان فعالیت‌های غیر قانونی مثل خرید و فروش مواد مخدر یا اشکال دیگر کجرفتاری و یا پناهگاه افراد کجرو مبدل می‌شوند.

چون حاشیه نشینان هیچ نوع شکل طبقاتی ندارند و فاقد هر نوع آگاهی هستند و هیچ نوع سازمان یا اتحادیه‌ای هم وجود ندارد که از حقوق آنها دفاع کند و چون این گروه از یک طرف در مقابل بورژوازی و از طرف دیگر در مقابل دولت قرار دارند و تصمیمات دولت‌ها سرنوشت آنها را تغییر می‌دهد، از زمینه لازم برای ارتکاب جرم و جنایت برخوردار می‌شوند (ممتاز، ۱۳۷۹: ۸۹).

پارک هم حاشیه‌نشینی و مهاجرت را از منظر بی‌سازمانی اجتماعی که پیامد استیلای صنعت، و تحرک و تراکم بالای جمعیت می‌باشد مورد توجه قرار داده و بر این باورند که چنین تغییراتی در درون حوزه‌های کلان شهرها ارزشها و سنت‌های بزهکارانه را توسعه می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

انسان حاشیه‌نشین انسانی با سرمایه اجتماعی بسیار پایینی می‌باشد. انسان حاشیه‌نشین از نظر وضعیت اقتصادی، روابط خانوادگی، اعتماد به سازمانهای دولتی (شهرداری، فرمانداری و...)، ارتباطات دوستانه، احساس امنیت و احساس هویت ملی در رده پایینی جای دارد به همین خاطر به بزهکاری و رفتارهای ضد امنیت اجتماعی متوسل می‌شود. مثلاً یکی از احساس‌های که در سایه بی‌تفاوتی اجتماعی در افراد حاشیه‌نشین ایجاد می‌شود، احساس بی‌اعتمادی به دیگران اعم از افراد، گروه‌ها و سازمان‌های دولتی است. در سایه بی‌اعتمادی، طرفین یک معامله به دلیل عدم اعتماد متقابل، به فعالیت‌های غیر تولیدی و حتی تخریبی بر علیه هم دست می‌زنند (ستارزاده، ۱۳۸۶).

احساس حاشیه‌ای بودن و دوری از متن به تدریج نوعی ذهنیت اجتماعی را به وجود آورده و گسترش می‌دهد که بر اساس آن حاشیه نشینان از سازمان‌ها و نهادهای اداری و رسمی رویگردان و به گروه بندی‌های قومی و غیر رسمی رجوع نمایند و این فرایند به تدریج بی‌توجهی به «دیگران عام» و تمرکز بر روی «ما» آن هم در حد خویشاوندی و قومی - قبیله‌ای را توسعه می‌دهد. در سایه این

بی تفاوتی از یک سو هنجارهای تنظیم کننده روابط اجتماعی به شدت تضعیف می شود و از سوی دیگر مسئولیت پذیری اجتماعی در قبال حقوق دیگران آسیب می بیند و فضای مساعد برای آشفته‌گی اجتماعی پدید می آید (بیات، ۱۳۸۴: ۱۷۵).

حاشیه‌نشینی در شهرهای جدید به واسطه توسعه شتابانی که شهرها به خود گرفته‌اند به عنوان فضایی مطرح می‌شوند که از جهات مختلف تمایزهای اساسی با شهرها دارند و با کشیدن حصارهای فرهنگی و فضایی به دور خود، جداگزینی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را به وجود آورده و زمینه مساعد را برای شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های کجرو ایجاد می‌نمایند.

مظلوم خراسانی (۱۳۸۱: ۹۰) هم معتقد است که مهاجرت از عواملی است که در اجتماعی شدن اختلال بوجود می‌آورد. مهاجرت از روستا به شهر و یا از شهر کوچک به شهر بزرگتر زمینه ناهمنوایی و اختلال در اجتماعی شدن را فراهم می‌کند. مثلاً فرد روستایی، در ده با مقررات راهنمایی و رفت و آمد آشنا نشده است و به همین سبب زمانی که تازه وارد شهر می‌شود، با مشکلاتی مواجه می‌شود. یا آداب و رسوم فرهنگی جامعه‌ای با جامعه دیگر متفاوت است و در صورت عدم آشنایی، رفتار فرد تازه وارد ناهمنوایی به حساب می‌آید. او همچنین معتقد است محل ارتکاب وقوع جرایم، معمولاً مناطق محروم شهرها می‌باشد. در مناطقی که زندگی حاشیه‌نشینی شکل گرفته است. در کشورهای در حال توسعه مانند آمریکای لاتین، معمولاً حاشیه شهرهای بزرگ مملو از جرایم و کجروی‌ها است.

۲-۱۳- دیدگاه کارکرد گرایان

دیدگاه کارکردگرایی در توجیه مهاجرت روستائیان و تمرکز آنها در مناطق حاشیه‌ای شهری معتقد است که: از آنجا که نیازهای اجتماعی افراد در محیط‌های روستایی برآورد نمی‌شوند و در تعدادی از شهرها پاسخ صحیحی برای آنها وجود دارد، از این رو به گونه‌ای عدم تعادل میان جوامع روستایی و شهری ایجاد می‌شود و روستائیان برای ارضای نیازهای خود دست به مهاجرت می‌زنند. بنابراین از دیدگاه نظریه کارکردگرایی مهاجرت ناشی از عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی موجود بین مناطق مختلف است و هرگونه تغییری که در جامعه روی می‌دهد، در جهت برقراری تعادل و هماهنگی است. طرفداران این نظریه معتقدند که دوام هر جامعه در گرو تعادل و یکپارچگی است تا

انسجام لازم به وجود آید و در این میان مهاجرت به عنوان عاملی در انتقال نیروی انسانی، سرمایه و منابع تولیدی دیگری به شهرها تعادل را میان مناطق توسعه یافته و توسعه نیافته ایجاد می‌کند.

۲-۱۴- نظریه جاذب و دافعه راونشتین

راونشتین معتقد است علت حاشیه‌نشینی را می‌بایستی در میان جذابیت‌های مناطق شهری و دافعه‌ها و عوامل بازدارنده محیط‌های روستایی جستجو نمود. حاشیه‌نشینان به علت عدم برخورداری از امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزش و تحصیلی از مهم‌تر از همه جهت برخورداری از کار و اشتغال ناگزیر از مهاجرت به شهرها می‌شوند. البته راونشتین معتقد است که این مهاجرت روندی مرحله‌ای داشته و روستائیان ابتدا تمایل دارند به شهرهای نزدیک و سرانجام به سوی شهرهایی که به سرعت رشد می‌کنند، مهاجرت نمایند. به زعم راونشتین با گسترش تکنولوژی ارتباطات و تسهیل فایند جابجایی روند مهاجرت رو به ازدیاد خواهد گذاشت. از نظر راونشتین وجود قوانین ظالمانه و نامناسب و روزمره، مالیتهای سنگین، آب و هوا و اقلیم نامناسب و محیط‌های اجتماعی نامطلوب، تماما در ایجاد جریانات مهاجرت تأثیرگذار خواهند بود.

۲-۱۴-۱- دیدگاه بوم‌شناسی شهری

اکولوژیست‌های انسانی جامعه‌شناسان مکتب سازمان و قدرت گرایان وبری و نظریه‌های تلفیقی برخی از پژوهشگران به مسأله حاشیه‌نشینی از دیدگاه بوم‌شناسی شهری نگریسته‌اند و تلاش کرده‌اند تا با توجه به بافت فیزیکی شهر به توجه مکانیزم پیدایش حاشیه‌نشینی بپردازند این دیدگاه بر پایه مکتب شیکاگو، شهر را محل تنازع بقا و جای‌گیری مناسب‌تر در بهترین فضای شهری تحلیل می‌کنند. در این زمینه مارشال کلینارد نظریه‌های حاشیه‌نشینی را به دو دسته تقسیم می‌کند.

الف) تغییر در نحوه استفاده از زمین و ب) کمبود و عدم تعمیر و نگهداری صحیح از آن در دسته نخست نظریات ارنست برگس و لوئیس ورث قرار می‌گیرد که اینان عمدتاً پیرامون شهرهای ایالات متحده پژوهش نموده‌اند به نظر این دو محقق، حرکت طبقات بالا از مرکز شهر به سمت خارج در اثر شلوغی، افزایش تراکم و رشد و هجوم گروه‌های فقیر تازه وارد و گروه‌های نژادی به جای آن‌ها و تنزل شرایط ساختمانی در اکثر کم توجهی مالکین به علت دریافت اجاره بهاء پایین باعث شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین می‌گردد.

۲-۱۴-۲- دیدگاه لیبرالی

در این دیدگاه پدیده حاشیه‌نشینی به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده و به دنبال راه کارها و راه حل‌های بهینه سازی شرایط زندگی و سکونت در مناطق حاشیه‌نشین هستند. اندیشمندان لیبرالی تضادهای ناشی از رشد نامتعادل اقتصادی و یا روابط بین متروپل و اقمار آن‌ها را دست کم می‌گیرند و در زنجیره روابط اقتصادی تنها بر ویژگی الگوی رشد اقتصادی نامتعادل تکیه می‌کنند. طرفداران این نظریه راه حل‌های مبتنی بر توانمند سازی ساماندهی و بهسازی کانون‌های حاشیه‌ای را هدف قرار می‌دهند. معروف‌ترین چهره این دیدگاه ترنر می‌باشد وی مدعی است که مسکن را نمی‌توان توسط دولت برای همه اقشار فراهم نمود. زیرا برآوردن نیازهای گوناگون همگان به نحو مطلوب ممکن نیست. دولت‌ها فقط باید امکان مسکن خودساز را فراهم سازند و امکانات و خدمات شهری را در اختیار تهیدستان قرار دهند ایشان معتقد است این مقوله با پیشنهاد مسکن خودساز و قانونی تلقی نمودن سکونتگاه‌های مناطق حاشیه‌ای و عدم تخریب آن‌ها ممکن می‌شود.

۲-۱۴-۳- دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا

(بادیدگاه بنیاد گران شامل مجموعه نظریه‌های ساخت گرایان شامل مجموعه نظریه‌های ساخت گرایان نظریه شهرنشینی و وابستگی، شهر جهانی و...) در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی گروه دیگری از متفکران از جمله نظریه پردازان مکتب وابستگی در آمریکای لاتین، همانند گوندرفرانک، دوس سانتوس، فورتادو، مانویل کاستلز و کسان دیگر به طوری که عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه را معلول تسلط اقتصادی کشورهای توسعه کنونی می‌دانستند به نظر آن‌ها الگویی توسعه وابسته و برون‌زا و جریان صنعتی شدن وابسته شهرنشینی شتابان و ناهمگون را به دنبال دارد که به موازات رشد نامتعادل اقتصادی نابرابری درآمدها نیز، افزایش می‌یابد و عدم تعادل‌های ساختاری جامعه شتاب می‌گیرد. از نظر آن‌ها برآیند عملکرد توسعه وابسته عبارت است از پیدایش شکاف طبقاتی میان شهر و روستا و در نتیجه ظهور گروه‌های حاشیه‌نشین شهری است. این دیدگاه در مقابل دیدگاه لیبرالی قرار می‌گیرد. بر خلاف دیدگاه لیبرالی در این دیدگاه به علل پیدایش مناطق حاشیه‌نشین توجه شده کوشش می‌گردد تا ریشه مساله شناسائی شود. لذا سرمایه داری و تحولات آن خاصه بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان متغیر مستقل اصلی این دیدگاه معرفی می‌شود. در نظام

سرمایه‌داری ادغام کامل اقتصاد و جامعه جهان سوم در نظام جهانی در دستور کار قرار می‌گیرد. آثار این ادغام در کشورهای جهان سوم تحت عناوین رشد شتابان جمعیت، رشد شتابان جمعیت شهری و تمرکز شهری، ناهمگون آشکار گردیده است. باید پذیرفت که وجود مناطق حاشیه‌نشین محصول عوامل کلانی است که از سطوح بالاتر جامعه نشأت می‌گیرد.

۲-۱۴-۴- دیدگاه جامعه‌گرایان جدید

اندیشمندان این دیدگاه پدیده حاشیه‌نشینی را نتیجه نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی و شهرنشینی ناهمگون و انتقال فقر از روستاها به شهر می‌دانند. اینان معتقدند که شهرنشینی با آهنگی شتابان در حال گسترش می‌باشد. این در صورتی است که امکانات اشتغال مولد برای جمعیت‌های تازه وارد گروه‌های مهاجر فراهم نیست و امکانات و تسهیلات زیر بنایی و اجتماعی شهری نیز با افزایش جمعیت شهری متناسب نمی‌باشد. در این حالت و به دلیل بروز کمبودها و نارسایی تسهیلات زیر بنایی اجتماعی و کالبدی سکونتگاه‌ها و محله‌های حاشیه‌نشین شکل می‌گیرند. پل می‌دوز و افراین می‌رزوچی پدیده مهاجرت را در شکل‌گیری این مناطق با اهمیت می‌دانند و می‌گویند در کشورهای جهان سوم شهرهای بزرگ دارای مناطق حاشیه‌نشین هستند به نظر آن‌ها برخی از مهاجران می‌توانند جذب شهر شوند ولی برخی دیگر با مشکل مواجه می‌شوند بنابراین عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حائز اهمیت است. مسئله تأمین و دسترسی آسان‌تر به سر پناه مناطق حاشیه‌نشین به عنوان یک عامل اقتصادی بسیار مؤثر سبب می‌شود تا گروه‌های مهاجر و افراد کم درآمد شهری مناطق مذکور را برای اسکان بر سایر مناطق شهری ترجیح دهند لذا می‌توان گفت و واکنش ترکیبی از عوامل باعث می‌شود تا گروه‌های مهاجر و افراد کم درآمد شهری به مسکن مناسب دسترسی نداشته باشند.

۲-۱۴-۵- دیدگاه موافقان و مخالفان

۲-۱۴-۵-۱- موافقان

مناطق حاشیه‌ای اولین توقفگاه برای گروه‌هایی مهاجر مناطق فرودست و پناهگاهی برای افراد کم درآمد شهری محسوب می‌شود. این مناطق عرضه‌کننده مسکن برای این گروه‌های مهاجر می‌باشند تا در شرایط آسانتری برای جذب احتمالی در شهر به صورت ذخیره لحاظ شوند. بیشتر افراد

این مناطق از طریق اشتغال در مشاغل غیررسمی در درون یا بیرون از مناطق خود را امرار معاش می‌کنند. با وجود زمینه فقر شدید و بیکاری اکثر آنان برای تحصیل یک زندگی آبرومند در تلاش‌اند. ساکنان مناطق حاشیه‌ای برای تامین مسکن و شرایط اقتصادی خود راه‌های منطقی ایجاد کرده‌اند. لذا عده‌ای معتقدند که حاشیه‌نشینی وسیله توسعه شهر است اینان می‌گویند همان‌طور که مناطق حاشیه‌نشین برای حفظ تعالی خود به شهرها نیاز دارند شهرها نیز برای رشد و توسعه خود به این مناطق محتاجند. این افراد هر بخش شهری باید از مراحل توسعه، زوال و نوسازی عبور کند.

۲-۱۴-۵-۲- مخالفان

ضعف خدمات پایه شهری در (زیر بنایی) ناکافی بودن عرضه مسکن و گاهی ساختارهای ساختمان ناامن شرایط غیرقابل تحمل مسکن، زلزله و ناامنی در وضعیت اجاره نشینی، مکان یابی و استقرار در مناطق مخاطره آمیز و تمرکز بالای فقر، رکورد اقتصادی و مشکلات اجتماعی که ممکن است گسست خانوادگی را باعث شود. شرایطی را به وجود آورده است و برخی با دیده منفی و نظر مخالف در وجود این مناطق می‌نگرند. لذا عده‌ای وجود مناطق حاشیه‌ای که در آن گروه‌های فقیر و کم درآمد اسکان یافته‌اند را برای شهر مضر و خطرناک می‌دانند.

برخی نیز معتقدند که مناطق حاشیه‌نشین اثرات منفی بسیاری را در محیط زیست مسایل سیاسی و اقتصادی جامعه بر جای می‌گذارند شرایط فیزیکی - کالبدی این مناطق عبارت است از تراکم بالای جمعیت فقدان تهسیلات مناسب زندگی - کمبود خدمات اولیه و زیر بنایی محیط زیست آلوده و غیر بهداشتی در این مناطق درصد بالایی از بی‌سوادی بیکاری جنایت و ناهنجاری‌های روانی مشاهده می‌گردد. هانتینگتون می‌گوید این مناطق از نظر سیاسی و اجتماعی سرچشمه عمده جرم و جنایت و ناامنی هستند محرومیت‌های آشکار سیاسی اقتصادی و اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با میزان جرم و جنایت دارد این مسئله در نخستین نسل حاشیه نشینان کمتر مشاهده می‌گردد و اما فرزندان این سن در محیط شهری پرورش می‌یابند و اهداف و ارزش‌های شهری را جذب و برای تحقق آن‌ها به فعالیت‌های غیرقانونی و تبهکاری و سپس کنش‌های ناهنجار روی می‌آورند.

۲-۱۵- حاشیه‌نشینی و تنظیم خانواده

جمعیت ایران در طی هشت دهه اخیر افزایش یافته، که در نتیجه آن مسائل و مشکلاتی از قبیل رشد سریع جمعیت شهری، افزایش فقر در شهرها، دسترسی ناکافی به مسکن و خدمات اصلی شهری، شکاف عظیم میان طبقات اجتماعی، بیگانگی شهروندان از هم توأم با انبوه مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری و سکونت در حاشیه شهرها باعث گسترش و تشدید بی‌رویه شهرنشینی و نهایتاً ایجاد زاغه و مسکن‌غیرقانونی و نارسایی امکانات اصلی شهری در شهرها شده است.

نتایج سرشماری‌های انجام یافته در ایران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۳۵ جمعیت شهری ۴/۳۱ درصد، در سال ۱۳۴۵ به میزان ۷/۳۸ درصد، در سال ۱۳۵۵ به میزان ۴۷ درصد، در سال ۱۳۶۵ به میزان ۳/۵۴ درصد و در سال ۱۳۷۵ به میزان ۶۵/۶۱ درصد بوده است. نتایج سرشماری‌های فوق نشانگر آن است که در طی ۴۰ سال اخیر نسبت جمعیت شهری ایران در مقایسه با سال ۱۳۳۵ به طور کلی وارونه شده است.

با توجه به هم ارز نبودن حدود تاثیر عوامل گوناگون در افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی مشاهدات علمی حاکی است که در مناطق شهری به ویژه در شهرهای بزرگ حاشیه نشینان نقش بسزایی در افزایش جمعیت و مسائل و مشکلات شهری دارند. به عنوان مثال خانم هما آقا در تحقیقی تحت عنوان بررسی باروری در ایران و رابطه آن با شاخص‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی نتیجه گرفت که مهاجرت روستاییان به شهرها باعث شده که مناطق شهری ایران نیز از میزان نسبتاً بالای باروری برخوردار باشد. به عبارتی دیگر بالا بودن باروری در شهرها پیش از آنکه به خانواده‌های شهری مربوط شود در ارتباط با مهاجرین روستایی است. از طرفی دیگر مهاجرین روستایی به دلیل پایین بودن درآمد در شهرها و گرانی قیمت زمین حاشیه‌نشینی را در شهرها گسترش می‌دهند. عواملی که موجب افزایش جمعیت موالید در مناطق حاشیه‌نشین می‌شود، عبارتند از:

۲-۱۶- ترجیح جنسی

تولد پسر در ایران، به ویژه در مناطق روستایی، به دلیل تاثیر و تأثر خانواده از فرهنگ سنتی، نسبت به فرزند دختر مرجح است. نتایج طرح زاد و ولد اجرا شده توسط سازمان ثبت احوال کشور

نشان داد که تمایل به داشتن فرزند بیشتر در بین مادرانی که تمام فرزندانشان دختر بوده ۹۲ درصد بوده است در حالیکه این نسبت در بین مادران دارای فرزند پسر به هفتاد درصد پاسخگویان ذیربط تقلیل یافته است.

۲-۱۷- احترام اجتماعی

همچنانکه گفته شد به رغم تلاش‌ها و مساعی قابل توجهی که برای حقوق زن و ارتقای آن به سطح مرد در کشور صورت گرفته است، هنوز هم عدم تعادل بین زن و مرد وجود دارد. اما در مناطق حاشیه‌نشین به دلیل تاثیرپذیری اکثر خانواده‌ها از مرد سالاری، زنان در هنگام بارداری بطور سنتی از نوعی احترام اجتماعی اطرافیان برخوردار می‌باشند آیا این وضعیت خود مشوق افزایش حاملگی است؟

۲-۱۸- تامین اجتماعی در دوران سالخوردگی

در مناطق حاشیه‌نشین به دلیل فقر اقتصادی و پایین بودن آگاهی خانواده‌ها از مشکلات افزایش جمعیت، خانواده‌ها گرایش و تمایل زیادی به کثرت اولاد به عنوان پشتوانه مالی در هنگام پیری والدین و به اصطلاح عصای دست دوران پیری دارند تا بدینوسیله زمینه تامین اجتماعی دوران سالخوردگی را بزعم خود فراهم آورده باشند.

۲-۱۹- مرگ و میر و حاشیه نشینی

در مناطق حاشیه‌نشین عوامل گوناگونی از قبیل جاری بودن فاضلاب در سطح زمین، بهداشتی نبودن توالت و عدم استفاده از صابون، رطوبت شدید خانه‌ها، پایین بودن سطح بهداشت، تغذیه نامناسب مادران و کودکان، ازدواج‌های فامیلی، عدم رعایت نکات بهداشتی در دوران بارداری باعث می‌گردد که نسبت مرگ و میر کودکان در قیاس با مناطق دیگر بیشتر باشد و مادران برای خنثی کردن اثر عوامل فوق اسلحه بارداری را برگزیده‌اند تا جای مرگ و میر کودکان را با زاد و ولد بیشتر پر نمایند.

۲-۲۰- تحصیلات و باروری

در مناطق حاشیه‌نشین به دلیل اینکه اکثر زنان از سطح سواد پایین تری نسبت به زنان سایر مناطق شهری برخوردار هستند، لذا پایین بودن آگاهی و دانش نقش مؤثری در افزایش بارداری و

مرگ و میر کودکان دارد. از طرفی دیگر در این مناطق به دلیل پایین بودن سطح آگاهی، تنظیم خانواده از شیوع و تداوم برنامه ریزی شده برخوردار نیست.

عدم دسترسی به مراکز بهداشتی و تنظیم خانواده در مناطق حاشیه نشین به دلیل اینکه مناطق حاشیه‌نشین در شهرهای بزرگ معمولاً بر روی تپه‌ها، زمین‌های باتلاقی و نامناسب، ارزان قیمت، که از لحاظ سکونت انسانی مناسب نیستند گسترش یافته‌اند و همچنین به دلیل محقر بودن منازل حاشیه‌نشینان و قرار گرفتن بر روی تپه، امکان ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی بطور عام و تنظیم خانواده را بطور اخص با مشکلاتی مواجه نموده است. از طرفی دیگر در پاره‌ای موارد زنان حاشیه‌نشین به دلیل محدودیت‌های خانوادگی و حاکمیت مردان در خانواده‌ها، دسترسی زنان را به این مراکز، تا حدودی با مشکل مواجه نموده است.

همچنین به دلیل تفاوت فرهنگی که بین زنان حاشیه‌نشین و کارکنان و به‌روران بهداشتی وجود دارد در پاره‌ای موارد پذیرش وسایل و روشهای جلوگیری از بارداری در این مناطق به کندی صورت می‌گیرد. در این مناطق اکثر زنان از قرص استفاده می‌نمایند و استفاده از روشهایی مانند (توبکتومی) و (واژکتومی) در حد پایین می‌باشد.

۲-۲۱- فاصله گذاری بین موالید

در جمعیت‌شناسی و مبحث مربوط به جمعیت هر چقدر فاصله بین موالید طولانی‌تر باشد تعداد اولاد در خانواده کمتر خواهد بود، در نهایت جامعه با افزایش جمعیت و مشکلات ناشی از آن روبرو نخواهد شد. در مناطق حاشیه‌ای شهرها به دلیل تبعیت از زاد و ولد سنتی فاصله حاملگی‌ها کوتاه می‌باشد.

۲-۲۲- چگونگی فرم گرفتن زندگی در حاشیه شهر

با توجه به عوامل ذکر شده در قبل (رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت به صورگوناگون (و کمبود مسکن متناسب با توان و نیاز متقاضیان، مخصوصاً اقشار آسیب پذیر و کم درآمد، این افراد برای تامین سرپناه با استفاده از راه حل‌های ممکن و سهل (نه قانونی و منطقی) اقدام می‌نمایند. تدریجاً با توسعه این سکونتگاههای غیررسمی و نامطمئن نقاط جمعیتی جدید در حاشیه شهرها شکل گرفته و مالکین

یاد شده ضمن گذر از انجام عمل ناممکن تفکیک اراضی زراعی و باغات و کسب درآمدهای کلان و نامشروع، متقاضیان درمانده را در مقابل قانون و دستگاههای اجرائی قرار می دهند. در فرآیند این توسعه ناخواسته یک اتفاق تلخ و ناگوار دیگر اما پنهان رخ می نماید و در حال وقوع است: در گستره کشور ما با توجه به مشخصات اقلیمی و جغرافیایی، قسمت اعظم سرزمین ما را کوهها، تپهها، دریاچهها دریاها، رودها، رودخانهها و... و قسمت عمدهای را اراضی کویری و شوره زارها شکل داده و قسمت محدودی، اراضی با خاک زراعی و مناسب کشاورزی به شکل مزرعه، مرتع، جنگل و... وجود دارد که متأسفانه هر سال سطح قابل توجهی از این اراضی با ارزش به کویر تبدیل شده و از سطح اراضی کشاورزی کاسته می شود.

۲-۲۳- تأثیر حاشیه‌نشین‌ها برای تهدید امنیت اجتماعی

حاشیه‌نشین‌ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند، فقدان نظارت امنیتی کافی وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق همه باعث می شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گیرند و تا زمانی که این عوامل زمینه‌ساز وجود داشته باشد این مناطق بالقوه جرم‌خیز خواهند ماند. جوانان حاشیه‌نشین با فرهنگ ویژه روزها عازم مرکز شهر می شوند تا کاری دست و پا کنند. با توجه به فقدان تخصص و آموزش کافی، عمدتاً به کار دستفروشی، پهن کردن بساط، سیگار فروشی، کار در میدان تره بار و... می پردازند و به این ترتیب به صورت زائده فعالیت‌های شهری در می آیند. این مشاغل غیر تخصصی و زائد خود به عنوان یک عامل سوق دهنده بسوی جرم عمل می کنند. به عنوان مثال در یک مطالعه مربوط به مشاغل افراد معتاد، همه افراد نمونه مشاغل کاذب و غیر تخصصی داشتند. از دیگر جرائم مطرح در حاشیه‌نشین‌ها وجود دارد منکراتی است که به دلیل بروز بیماریهای تناسلی و ایدز، اهمیت خاص دارد.

۲-۲۴- جهات تاثیرگذار محیط زندگی بر ارتکاب جرایم

قطعاً در وقوع جرم محیط اعم از محیط اجتماعی و محیط زندگی تاثیر بسزایی دارد. و این امر به اثبات رسیده و در حال حاضر جرم شناسان، جامعه شناسان و حقوقدانان آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند و نظریات و نتیجه تحقیقاتی که انجام شده و به برخی از آنها اشاره شد مبین تاثیر گذاری

محیط در وقوع جرایم می‌باشد. اعمال مجرمانه یا بزهکارانه در بعد از شکل‌گیری حاشیه نشینی:

۱- سرقت: سرقت از جمله جرایم علیه اموال است و جرم شناسان عللی را برای آن برشمرده‌اند از جمله فقر و نیاز مالی، بیکاری، اعتیاد، انتقام‌جویی و کینه و حسد. بیشتر علل یاد شده را می‌توان در مناطق حاشیه‌نشین مشاهده نمود. در بیشتر موارد این افراد در محله‌های مرفه نشین، یا متوسط شهر اقدام به سرقت می‌نمایند. در مناطق حاشیه‌نشین سرقت برق، آب و گاز و تلفن نیز شایع است. چون این مناطق خصوصاً در مراحل اول شکل‌گیری آن فاقد خدمات فوق هستند به نحوی از انحاء و با انجام سیم‌کشی‌ها و لوله‌کشی‌های پنهانی اقدام به سرقت آب، برق، گاز و تلفن از نزدیکترین محل ممکن (اعم از مسکونی، صنعتی، تجاری و خدماتی) می‌نمایند.

۲- قتل عمد: تعارض خرده فرهنگها، خصومت و اختلافات دیرینه، سودجویی و تحصیل اموال، جریحه دار شدن غیرت و آبرو و نزاعهای اتفاقی و اعتیاد از جمله علل وقوع قتل می‌باشد. این علل و عوامل به روشنی در مناطق حاشیه‌ای قابل رویت می‌باشد. بیشتر قتل‌های اتفاق افتاده یا در این مناطق صورت می‌گیرد یا توسط کسانی که در این مناطق زندگی کرده‌اند به وقوع می‌پیوندد.

۳- نزاعهای دسته جمعی: از جرایم شایع در مناطق حاشیه‌ای می‌باشد چون ساکنین این مناطق معمولاً مهاجرین از روستاها و ایلها می‌باشند و معمولاً در یک محل و در نزدیک هم سکنی می‌گزینند و در مواقعی به سبب درگیریهای جزئی حادث شده بین دونفر و حتی کودکان نزاعهای دسته جمعی شدیدی که معمولاً منجر به کشته و زخمی شدن عده‌ای از منازعه کنندگان می‌شود، رخ می‌دهد.

۴- تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست: ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه مطابق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یکسال محکوم خواهند شد». در مناطق حاشیه نشینی، فاضلاب منازل در کوچه‌ها رها شده، جدول کشی و کانال کشی مناسبی جهت هدایت این آبهای کثیف وجود ندارد و این آبها در سطح کوچه‌ها در جریان است. خدمات شهری مثل

جمع آوری و دفع زباله به آن شکلی که در داخل شهرها وجود دارد در این مناطق دیده نمی‌شود و در برخی از منازل احشام نگهداری می‌شود و فضولات آن در منزل و محله منتشر می‌شود. کشتارهای غیرمجاز و غیر بهداشتی در این مناطق صورت می‌گیرد و همه این موارد از مصادیق جرم تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط زیست می‌باشد که قابل تعقیب کیفری هستند. همچنین تخلفات بهداشتی که در اماکن عمومی مناطق حاشیه‌ای مثل مغازه‌ها و نیز آلودگیهای صوتی و آلودگی هوا که در این مناطق مشهود است نیز از همین نوع می‌باشد.

۵- اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی: توزیع مواد مخدر در این مناطق به راحتی امکان پذیر است و آن هم ناشی از احساس امنیتی است که توزیع کنندگان این مواد در آن مناطق دارند. و بلحاظ فقر علمی و آگاهی ساکنین این مناطق و بیکاری وسیع و جهت رهایی یافتن مقطعی از برخی فشارهای روحی و غیره میل به استعمال مواد مخدر در این مناطق بیشتر می‌باشد. برخی از جوانان بیکار و حتی نوجوانان شغل و حرفه خود را خرید و فروش مواد مخدر قرار داده‌اند و یا مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و از این راه به کسب سود نائل می‌آیند.

به طور کل دیدگاه‌هایی که در مورد پدیده حاشیه‌نشینی شهری وجود دارد را می‌توان به سه دسته کلی طبقه بندی کرد.

۲-۲۴-۱- نظریه لیبرالی

این دیدگاه با آن که به برخی از ابعاد پدیده حاشیه‌نشینی توجه دارد، اما تحلیل ریشه‌ای از مساله به دست نمی‌دهد و بیشتر به بعضی جنبه‌های اجتماعی، فیزیکی و اقتصادی حاشیه‌نشینی تاکید دارد. تحلیل‌هایی که آنان از روابط اقتصادی کشورهای در حال توسعه ارایه می‌دهند، به طور عمومی براساس شناخت عوامل درونی است و از بیان تاثیرات متقابل عوامل برونی و درونی نظام اقتصادی و عملکرد روابط بین‌المللی اقتصادی کشورهای توسعه یافته بر کشورهای در حال توسعه پرهیز دارند.

۲-۲۴-۲- نظریه مالتوسی

به عقیده این دانشمندان، فقر شدید گروه کثیری از افراد جامعه و پدیده حاشیه‌نشینی شهری که باعث بروز آسیب‌های اجتماعی مانند انواع بزهکاری‌ها، قتل و جنایت و سایر مشکلات اجتماعی کشورهای در حال توسعه می‌شود، به رشد جمعیت این کشورها نیز بستگی دارد. به عقیده مالتوسی‌های جدید، مسبب بیکاری و فقر و حاشیه‌نشینی، جمعیت بیش از حد است.

۲-۲۴-۳- نظریه کلیت وابستگی و ساختارگرایان

نظریه پردازان و متفکران مکتب وابستگی و ساختارگرایان عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه را معلول پیشرفت اقتصادی کشورهای توسعه یافته کنونی می‌دانستند که به موازات رشد نامتعادل، نابرابری درآمدها افزایش می‌یابد و عدم تعادل‌های ساختاری جامعه شدت می‌یابد و براین عملکرد توسعه وابسته، پیدایش شکاف طبقاتی میان شهر و روستا و در نتیجه ظهور گروه‌های حاشیه‌نشین شهری است. گندورفرانک بر این باور است که کشورهای توسعه نیافته در صورت وابستگی به کشورهای سرمایه داری که در آن بازارهای وسیع مبتنی بر افزایش مداوم و تولید انبوه، مصرف و ادغام در بازارهای جهانی شکل گرفته، نمی‌توانند مسیر و فرآیند مستقل، یعنی توسعه درون‌زا را آغاز کنند.

مانوئل کاستل درباره‌ی گروه‌های حاشیه‌ای در شهرهای در حال توسعه می‌گوید: شهرنشینی با آهنگ شتابنده‌ای گسترش می‌یابد و امکانات و تسهیلات زیربنایی و اجتماعی شهری نیز متناسب با افزایش جمعیت شهرها تامین نمی‌شود و در اثر کمبود تسهیلات زیربنایی اجتماعی و فیزیکی، سکونت گاه‌ها و محله‌های نامتعارف از قبیل زاغه‌ها و آلودگی‌های حاشیه‌ای که از طریق مهاجران تازه وارد و تهی دست برپاشده به وجود می‌آیند.

از دیدگاه اندیشمندان مکتب جامعه‌گرا و جامعه‌گرایان جدید، حاشیه‌نشینی و پیدایش گروه‌های حاشیه‌ای و فقیر در جامعه‌های شهری کشورهای در حال توسعه، ناشی از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه است. نتیجه قهری عملکرد قوانین حاکم بر نظام اقتصادی و سرمایه داری، تمرکز و انباشت سرمایه، رشد نامتعادل اقتصادی و بروز تضادهای اجتماعی است. بنابراین در

جریان تحولات ناهماهنگ جامعه سرمایه داری، بروز تضادها و مشکلات اجتماعی از جمله پیدایش حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ اجتناب‌ناپذیر است.

۲-۲۵-۲- راهکارهای مواجهه با حاشیه‌نشینی

۲-۲۵-۲-۱- سیاست نادیده‌انگاری یا بی‌تفاوتی

منادیان توسعه برونزا و نظریه پردازان دانشگاهی غرب معتقدند که: حلب شهرها، مکان پناه گرفتن مردمی بی‌جا و آواره و رانده شده است که چون خس و خاشاک روان بر سیلاب به هم‌ران سیل مهاجرت از روستاها کنده شده و به جامعه شهری سرریز گشته‌اند، بدون آنکه در زندگی صنعتی مدرن پذیرفته شده باشند. به نظر اینان آلونک‌نشینی (اسکان غیر رسمی) در اولین دیدگاه، اثری از آثار جنبی‌گذار جوامع سنتی به جوامع صنعتی و شهری مدرن است. طبعاً چنان‌گذار پر اهمیت و تاریخ‌سازی را نمی‌توان به دلیل آثار جنبی کم‌ارزشی چون آلونک‌نشینی نفی یا متوقف ساخت. در جریان تحولات شهرهای مغرب‌زمین چنین پدیده‌ای در محلات فقیرنشین متعلق به سیاهپوستان و یهودیان رخ داده است. از اینرو پیدایش و تداوم اسکان غیر رسمی در جوامع جهان سوم نیز طبیعی است.

راه حل پیشنهادی این دیدگاه در اساس، تحمل این قبیل مکانها و رها کردن آن در دست نامرئی بازار است، که خود به هر تقدیر چاره‌ای خواهد‌اندیشید. البته گاه و بیگاه طرح اسکان تهیدستان و خانه‌سازی ارزان قیمت نیز باید در رسانه‌های گروهی طنین‌انداز شود و طرحهای محدودی نیز به عمل درآید.

هر چند در این نظریه نوعی جبر‌گرایی و ساختار‌گرایی مشاهده می‌شود و نگرشی بسار خوشبینانه نسبت به موضوع دارد، اما مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ را نفی کرده و مذموم شمرده و آنرا مخل آسایش ساکنان شهر خوشبخت تلقی کرده است.

۲-۲۵-۲- تحول در نظام اقتصادی - اجتماعی و ساختار جامعه

نظریه پردازان مخالف نظام سرمایه داری هرگونه فعالیتی در راستای تعادل بخشی اقتصادی - اجتماعی و فضایی کشورهای در حال توسعه را ناممکن دانسته و حتی موجب تشدید عدم تعادل عنوان

میکردند. آنها زدایش پدیده مذکور را منوط به از میان برداشتن نظام هایی می دانستند که به هر شکلی با سرمایه داری جهانی در ارتباطند.

در این دیدگاه نیز نوعی جبر گرایی و ساختارگرایی وجود دارد که نسبت به موضوع به شدت بد بین است. بر این اساس برنامه ریزی در راستای حل مشکل اسکان غیر رسمی بی فایده است. با این وجود در این نظریه نیز، مهاجرت روستائیان، به شهرهای بزرگ نفی و مذموم شمرده می شود و نشانه وابستگی به سرمایه داری جهانی به حساب می آید.

تعدیل و دگرگونی در دو نظریه مذکور موجب شد که در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به جای واژه های مختلف حصیر آباد، حلبی آباد، زاغه نشینی، اتاق نشینی، ... واژه اسکان غیر رسمی برای انواع مسکنی که مهاجران بیرون از قواعد رسمی شهرسازی می سازند، انتخاب شود. این نشانه که پدیده مذکور صرفاً از توسعه اقتصاد ناشی نشده، بلکه به برنامه ریزی و به ویژه برنامه ریزی کالبدی نیز مرتبط است.

۲-۲۶- سیاست تخریب و پراکنش

این سیاست صرفاً اجرایی با نگرش منجرانه نسبت به پدیده اسکان غیر رسمی و آواره کردن ساکنین آن را دارد. این شیوه ابتدایی که رایجترین و معمولترین شیوه برخورد با پدیده اسکان غیر رسمی است از دیدگاه آکادمیک و برنامه ریزی منفورترین شیوهها می باشد. چرا که، نه تنها تاثیری در حذف اسکان غیر رسمی نخواهد داشت، بلکه موجبات پراکنش و تشدید آن را نیز فراهم می آورد. از سوی دیگر در این نگرش، به عوامل اصلی و جنبی پیدایش اسکان غیر رسمی جز از خود اسکان غیر رسمی که تابعی بیش نیست، توجه ندارد.

پدیده اسکان غیر رسمی پیامد روند تکاملی و تحولات تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع و نشأت گرفته از سیاستهای کلان برنامه ریزی است. از این رو جامعه (به مفهوم دولت و مردم) و خصوصاً برنامه ریزان موظفند بدون اغماض آنها در راستای رفع عوامل ریشه ای و روبنایی اسکان غیر رسمی بکوشند.

۲-۲۷- ساخت مسکن اجتماعی یا مسکن متعارف

گرایش اولیه دولتهای جنوب بعد از روبرو شدن با اسکان غیر رسمی یا بد مسکنی، ساختن مسکن متعارف برای انتقال ساکنان به ساختمانهای مذکور بود، که در دهه ۱۹۶۰ میلادی رایج گشت. این فعالیت معمولاً در پی طرحهای بازسازی یا بهسازی محلات شهرها صورت می گرفت. و برنامه های ویژه و جامعی برای اسکان کم درآمدها وجود نداشت. در عوض با وضع مقررات و انواع محدودیتها سعی بر آن بود که سدی در برابر مهاجرتها ایجاد گردد و در صورت نفوذ مهاجران به شهرها، امکان اسکان از آنها سلب گردد. در ایران تاسیس کوی سیزده آبان در دهه ۱۳۴۰ به منظور جابجایی زاغه‌نشینهای داخل شهر تهران، از اینگونه بوده است. در همان زمان برنامه‌ای برای اسکان مهاجران کم درآمد جدید وجود نداشت و به شدت از حضور آنها در محدوده قانونی شهر تهران ممانعت به عمل آمده است.

۲-۲۸- ارائه زمین و خدمات

در پی شکست راهکارهای تأمین مسکن اجتماعی در دهه ۱۹۷۰ برنامه زمین و خدمات با تأیید و کمک بانک جهانی در کشورهای جنوب رایج گردید. در این راهکار دولت به فراهم آوردن زمین با شبکه زیر بنایی حداقل برای کم درآمدها اکتفا کرده و می‌کوشد هزینه های آن را از استفاده کنندگان اخذ کند. استفاده از خودیاری در این راهبرد معمول بوده و از آن برای ارتقاء آلونک و حاشیه‌نشینی موجود نیز استفاده می‌شود. این راهبرد دارای سه هدف یا محور اساسی است که عبارتند از:

پذیرندگی، بدین مفهوم که بهای مسکن با به کارگیری استانداردها و شیوههای ساخت مناسب در حد قابل تحمل برای خانوارها پایین آورده شود تا آنکه به پرداخت سوبسیدهای سنگین دولتی ضرورتی نباشد.

بازگشت سرمایه، بدین مفهوم که بازگشت سرمایه تا حد ممکن جهت امکان تکرار آن تامین می‌شود.

تکرار شوندگی، در صورت برگشت سرمایه و توان مالی دولت، امکان تکرار پروژه وجود دارد. این راهبرد در دهه ۱۹۷۰ مورد استقبال کامل قرار گرفت و در غالب کشورهای جنوب به اجرا در آمد، اما پس از مدتی کاستیهای آن آشکار شد. گذشته از اینکه بنابر انتقادهای سیاسی بر اینکه این راهبرد

موجب تثبیت نظام سرمایه داری می‌گردد. مشکلات اساسی آن ناتوانیهای مدیریتی، ناتوانی گروههای پایین‌تر کم درآمدها در پرداخت هزینه‌ها، مقابله بعضی از گروههای موجود (اسکان غیر رسمی) و بالأخره منتزع بودن آن از نظام روابط موجود برنامه ریزی و بازار مالی یا ساخت و ساز شمرده شده است. این تجربه به وسیله بانک جهانی اینگونه جمع بندی شد که برای حل مشکل کم درآمدها نیاز به رابطه استادانه‌تر و به هم پیوسته تری بین بازار دولت و خانوارهاست.

۲-۲۹- آزاد سازی و تثبیت اقتصادی

رویکرد جدیدی که پس از سیاستهای پیش گفته شده به مسکن ایجاد شده بود و به سرعت تحت تأثیر سیاستهای موسوم به آزاد سازی و تثبیت اقتصادی قرار گرفت. که به صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مبلغان و مروجان اصلی آنها بودند. با این تفاوت که صندوق بین‌المللی پول و سیاستهای تثبیت اقتصادی تأکید بیش از حد داشته ولی بانک جهانی به دلیل لحاظ کردن نسبی مسائل توسعه صرفاً به مسائل اقتصادی نمی‌پرداخت. با این همه رویکرد مذکور تحت سیاستهای جدید اقتصادی عمدتاً مقوله پیوند مالی و اعتباری و بودجه‌ای و جایگاه کلان اقتصادی مسکن و آثار آن بر تورم و اشتغال مورد توجه قرار داد.

نتایج سیاستهای مذکور به طور عام در کشورهای جنوب رضایت بخش نبود، به طوری که در آمریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰، دهه بر باد رفته نامیده شد و به طور خاص در بخش مسکن نیز بر ابعاد بد مسکنی و حاشیه‌نشینی در غالب کشورهای در حال توسعه افزوده شد. به طور مثال نرخهای ترجیعی (که در طرحهای آماده سازی در ایران نیز مورد استفاده قرار گرفت) نتوانست به بهبود وضع مسکن کم درآمدها کمک کند.

۲-۳۰- سیاست توانمند سازی

در سالهای پایانی دهه ۱۹۸۰ سیاستهای آزاد سازی و تثبیت اقتصادی به طور عام و سیاستهای مسکن مربوط به آن به طور خاص مورد نقد قرار گرفت، و ضرورت تغییر آن آشکار شد. این تغییر به طور کلی به لزوم ایجاد تعادل بین بخش عمومی و خصوصی و نه تکیه یک جانبه بر یکی از آنها توجه دارد. این رویکرد به بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول محدود نبوده، بلکه این بار جمع بندی

تجاری بود که در مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد و برنامه توسعه سازمان ملل متحد تکوین یافته و بانک جهانی نیز با آن همداستان گشته بود. این رویکرد که نام توانمندسازی به خود گرفته است، با تصویب در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به استراتژی سرپناه مبدل شد. در این رویکرد سیاستهای مسکن که می‌توان گفت در قالب رویکرد جدید با اقتصاد توسعه به نام نیازهای پایه جای می‌گیرد به مقولات اجتماعی و اقتصادی توسعه یکسان برخورد می‌شود. و این بار به طور همه جانبه‌ای می‌کوشد که پروژه‌های منفرد برای مسکن کم درآمد را به اقتصاد کلان برنامه‌های اقتصاد دولت بازار مالی برنامه ریزی کالبدی و ... پیوند بزند.

۲-۳۱- ارتقای محیطی

ارتقای محیطی آلونک‌نشینی آن بخشی از جامعه شهری جهان را مخاطب قرار می‌دهد که مأموریت دارد فقر را کاهش دهد و کیفیت زندگی بهتری را برای تک تک مردم تضمین کند چیزی که امکان بازیابی تواناییهای انسانی را برایشان فراهم آورد. در همان حال بسیاری از از تهیدستان شهری در میان ساکنان مرفه زندگی می‌کنند، پردامنه‌ترین تمرکزهای فضایی تهیدستان در آلونک‌ها و حلبی‌آبادهای درون شهری و به لبه‌های پیرامونی شهر خارج از محدوده‌های قانونی یافت می‌شود. ارتقای محیطی آلونک‌ها از سازماندهی کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، سازمانی و زیست محیطی تشکیل می‌شود، که با همکاری شهروندان به صورت محلی، گروه‌های جامعه محلی بخش تجاری مقامات محلی به اجرا در آید.

۲-۳۲- راهکارهای مناسب برای جلوگیری از گسترش حاشیه نشینی

در این زمینه باید به دو اصل توجه داشت یکی ریشه‌یابی مشکلات اجتماعی نظیر حاشیه‌نشینی و دیگری برنامه ریزی علمی برای برطرف نمودن موانع و عوامل پدیدایی و گسترش یک پدیده اجتماعی است.

در برخورد با پدیده حاشیه‌نشینی باید به جای توجه به معلول، بروز علت‌ها را مورد بررسی قرار داد و با برنامه ریزی جامع و علمی برای برطرف کردن این پدیده تلاش کرد. بنابراین امکان از بین بردن این معضل اجتماعی وجود دارد به شرط اینکه شناخت و برنامه ریزی علمی جانشین برنامه

ریزی مقطعی، ظاهری و یا ساده پنداری شود.

اختلاف سطح توسعه در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان شهر و روستا یکی از عوامل عمده مهاجرت روستاییان به شهرها و در نتیجه بروز گسترش پدیده حاشیه نشینی است و تا زمانی که این اختلاف سطح از بین نرود، همچنان مهاجرت از روستا به شهرها و نیز ایجاد مناطقی به نام حاشیه ادامه دارد.

از بین بردن اختلاف سطح میان روستا و شهر بدین معنا نیست که روستاها به شهر تبدیل شوند و یا همه امکاناتی که در شهرها وجود دارد باید در روستاها فراهم شود بلکه باید امکانات در زمینه های یاد شده که موجب این اختلاف سطح گردیده در معیاری معقول و مناسب در روستا ایجاد شود تا موجب اقامت و ماندگار روستاییان در روستاها و نیز مانع مهاجرت های انبوه آنان به شهرها شود. در زمینه های چهار گانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باید اول اولویت با روستاها باشد تا اختلاف سطح توسعه از بین برود و پس از اینکه در زمینه های یاد شده میان شهرها و روستاهای کشورمان به سطحی برابر دست یافتیم آنگاه می توانیم بطور مساوی شهرنشینان و روستاییان را از امکانات توسعه بهره مند سازیم. در صورت محقق شدن این هدف، روستاییان بصورت توده ای نیازی به مهاجرت به شهرها برای خود نمی بینند.

۲-۳۳- پیشنهاد و راهکارها جهت پیشگیری و کاهش جرم در مناطق حاشیه نشینی

۱- ارتقاء کیفیت سکونت از طریق اعطاء برخی امکانات و تسهیلات و سعی در تطبیق منازل و محلات با اصول و معیارهای شهرسازی صورت پذیرد. سرمایه گذاری در این مناطق به صورت تبرعی و بدون هیچگونه چشم داشت و بدون توجه به توجیه اقتصادی و درآمدزایی برای دستگاههای مربوط از جمله شهرداریها صورت پذیرد.

۲- احداث معابر و گذرگاهها در این مناطق که امکان دسترسی آسان و فوری پلیس و نیروهای انتظامی و امنیتی و اکیپهای امداد مثل خودروهای آتش نشانی و اورژانس و غیره را فراهم نماید.

۳- ایجاد روشنایی کافی در کوچه ها و معابر تجربه نشان داده که در مکانهای تاریک امکان ارتکاب جرم از جمله سرقت و جرح و قتل بیشتر از مکانهای روشن است و وجود روشنایی کافی در

این مناطق خود فی‌الذات عامل و رادعی در ارتکاب جرایم ذکر شده خواهد بود.

۴- شناسایی اراذل و اوباش و مجرمین سابقه دار این مناطق و تشکیل شناسنامه برای نامبردگان و تحت کنترل قرار دادن آنها از طریق احضارهای اتفاقی به مراجع انتظامی.

۵- بالا بردن ضریب امنیتی مناطق یاد شده توسط مراجع انتظامی و امنیتی از طریق ایجاد کلانتریها و مراکز انتظامی و حضور مرتب گشتهای سیار در محلات و معابر.

۶- تعطیلی سریع مراکز صنفی فاقد مجوز و پروانه کسب و الزام آنها جهت اخذ مجوز و پروانه کسب و الزام آنها جهت اخذ مجوزهای لازم و سپس نظارت کامل و دقیق نسبت به فعالیت مراکز یاد شده و برخورد قاطع با افراد متخلف توسط واحدهای اماکن عمومی نیروی انتظامی.

۷- زیباسازی ظواهر ساختمانها و بناهای موجود در این مناطق چرا که ثابت شده مسکن بد و کثیف تاثیر در وقوع جرم دارد.

۸- ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم جهت پرکردن اوقات فراغت ساکنین مناطق حاشیه‌نشین.

۹- بازرسی و نظارت کافی کارشناسان بهداشت و محیط زیست از مناطق حاشیه‌نشینی و جلوگیری از انجام اقدامات علیه بهداشت عمومی و محیط زیست.

۱۰- در تصویب طرحها و برنامه‌های و پروژههای مهم شهری از نظریه جامعه‌شناسان، حقوقدانان و علی‌الخصوص جرم‌شناسان استفاده شود.

۱۱- پیشنهاد راهکارهایی جهت پیشگیری و کاهش جرایم در مناطقی که هنوز حاشیه‌نشینی در آن رواج نیافته ولی مستعد برای حاشیه‌نشینی می‌باشد.

۲-۳۴- پیشینه پژوهش

۲-۳۴-۱- داخلی

مرادی پردنجانی و همکاران وی در سال ۱۳۹۵، در تحقیقی به نام "مبانی جامعه‌شناختی و شخصیت" بیان نمودند که یکی از عوامل مهمی که در تبیین پدیده اعتیاد مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته نقش وضعیت سواد در شکل‌گیری اعتیاد است. بسیاری از افراد به دلیل سطح سواد پایین و

برخی ویژگیهای روانی - شخصیتی، بیشتر در معرض خطر وابستگی به مواد قرار دارند. بررسی‌ها نشان داده که سطح تحصیلات به عنوان عوامل زمینه ساز نقش برجسته‌ای در شروع مصرف مواد، تداوم یا پیشگیری و درمان اعتیاد دارد.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با نام "آمارنامه شهر تهران" به این نتیجه دست یافت: سواد یک مهارت پایه و جزء نخستین الزامات ورود به سیستم اجتماعی و چرخه فعالیت‌های اقتصادی است. هرچه میزان پیچیدگی جوامع بیشتر شود، بهره مندی از سواد اهمیت بیشتری می‌یابد. به این ترتیب می‌توان بی‌سوادی یا کم سوادی را جزء لاینفکی از جرایم و استعمال مواد مخدر دانست. مطالعات پیشین نیز از این گفته حمایت می‌کنند و بی‌سوادی را یکی از عوامل بروز جرایم از جمله اعتیاد می‌دانند.

گلشنی فومنی (۱۳۹۵) در تحقیق با نام "مدیریت سکونتگاههای روستایی" بیان نمود: وضعیت خوب و تمکن مالی تاثیر قابل توجهی بر عزت نفس دارد. افرادی که از عزت نفس بالایی برخوردارند تصویر خوب و مثبتی از خود دارند و اضطراب و فشار روانی کمتری را تجربه می‌کنند. عزت نفس پایین، برداشت منفی از خود و عدم اعتماد به نفس می‌تواند عامل مؤثری در گرایش به اعتیاد باشند. در واقع به دلیل خود پنداره پایین و عزت نفس ضعیف، آستانه تحمل فرد کاهش یافته و توان نه گفتن در برابر تقاضا و رفتارهای غیر منطقی و غیر عقلانی نیز کاهش می‌یابد و آسیب پذیری در برابر اعتیاد بیشتر می‌شود. همچنین قرار گرفتن مکرر در برابر ارزیابیهای منفی و انتقادات دیگران باعث پایین آمدن عزت نفس و احساس عدم کفایت می‌شود. بیشتر مشکلات شخصیتی مانند گوشه‌گیری و منزوی بودن می‌توانند زمینه ساز گرایش به مواد باشند. کسانی که از نظر اجتماعی منزوی و خجالتی هستند و در برقراری ارتباط با دیگران مشکل دارند، برای برطرف کردن احساس ضعف، احساس ناامنی و تنهایی و کسب آرامش و اعتماد به نفس ممکن است به اعتیاد روی آورند.

ساروخانی (۱۳۹۵)، در تحقیق خود با نام "پیامهای فرهنگی توسعه مدیریت شهری" بیان می‌دارد که در حاشیه شهرها، مخصوصا در شهرهای فقیر تر، خرید و فروش مواد به راحتی امکان پذیر است که از احساس امنیت توزیع کنندگان این مواد در آن مناطق ناشی می‌شود. به لحاظ فقر علمی و درصد بالای بیکاری و نیز، رهایی یافتن از برخی فشارهای روحی و... میل به استعمال مواد مخدر در این

مناطق بیشتر است. برخی از جوانان بیکار و حتی نوجوانان، شغل و حرفه خود را به خرید و فروش مواد مخدر محدود کرده‌اند و حتی مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و از این راه امرار معاش می‌کنند. سهولت دسترسی به مواد در برخی محلات، موجب گرایش به جرایم خاص، از جمله قاچاق و مصرف مواد مخدر می‌شود.

کفاشی (۱۳۹۵) در پژوهشی با نام "مشکلات موجود در شهرهای مناطق محروم و حاشیه شهرها" می‌گوید: در حاشیه شهرها شرایط اغوای نفس به مراتب بیشتر از کلانشهر هاست. همچنین مجرمان در این مناطق بهتر و آسان‌تر می‌توانند خود را مخفی کنند و از کنترل اجتماعی رهایی یابند. تراکم جمعیت در این مناطق موجب می‌شود تعداد بزهکاران نیز به همان نسبت افزایش یابد، به ویژه هنگامی که افراد بی‌هویت نیز در این مناطق زیاد باشند. گذشته از آنچه گفته شد، این محله‌ها جزء کانون‌های جرم خیز و مسئله دار است که در دل خود انواع بزهکاران را پرورش می‌دهد. در چنین مناطقی نوجوانانی که در کانون خانواده نیازهای عاطفی و مادی شان برآورده نشده است و به طور کامل در معرض کنترل‌های غیر رسمی مثل خانواده یا مدرسه قرار نگرفته‌اند، تفریحی به جز کوچه و خیابان رفتن ندارند و جذب گروه‌های هم سن می‌شوند.

در پژوهشی که نورمحمدی (۱۳۹۴) با عنوان "نگاهی اجمالی به وضعیت اعتیاد در کشور" انجام داد به این نتیجه رسید که افرادی که در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند، بدلائل مختلف مانند فقر، سطح پایین تحصیلات، مشکلات خانوادگی، طلاق و... سطح بالای استرس ادراک شده را تجربه می‌کنند و جهت رفع کاذب این فشار، رو به اعتیاد به مواد مخدر می‌آورند.

در پژوهش صادقیان (۱۳۹۴) با عنوان "برنامه ریزی برای اوقات فراغت" بدین نتیجه رسیده است که فقر باعث بالا بردن پرخاشگری در بین افراد می‌شود. وی در این پژوهش، رابطه بین متغیرهای پرخاشگرانه و اعتیاد را معنی دار اعلام نمود. به این معنی که هرچه فرد فقیرتر باشد، حس پرخاشگری وی بیشتر شده و بنابراین، اعتیاد وی به مواد مخدر یا مسکرات بیشتر می‌شود.

۲-۳۴-۲- خارجی

رودز و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان "بهبود برنامه‌ریزی برای حاشیه‌نشینی در شهرها" به این نتیجه رسیدند که؛ تعداد افراد معتاد در حاشیه شهرها بیش از تعداد آنها در درون شهرها می‌باشد. از طرف دیگر میزان معاشرت با افراد معتاد تأثیر مستقیمی بر بعد روانی اعتیاد دارد مثلاً در هنگام قطع مصرف مواد، احساس نیاز به مصرف در افراد فزونی می‌گیرد، لذا خانواده اعم از پدر، مادر و یا همسر تلاش کنند که برای فراهم کردن زمینه ترک مواد یا عدم لغزش افراد در دوران ترک، عضو یا اعضای معتاد خانواده را از معاشرت با معتادینی که همچنان بر ماندن بر اعتیاد اصرار می‌ورزند باز دارند.

لیپنر و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی با نام "بی‌عدالتی اجتماعی" اینگونه می‌نویسد توزیع ناعادلانه ثروت در جامعه و تملک ثروت و قدرت در دست طبقه خاصی از جامعه و به تبع آن مقاومت در برابر این ساختار روابط اجتماعی و طبقاتی، سبب وقوع جرم می‌شود. به بیان بهتر، ارتکاب جرم در این مناطق یعنی اعتراض به جامعه نابرابر؛ یعنی زیر پا گذاشتن قوانینی که منافع اقلیت را در مقابل منافع اکثریت قرار داده است؛ فریادی است علیه بی‌عدالتی اجتماعی و طبقاتی شدن جامعه‌ای که هر روز مادی‌گرایی و تجمل‌پرستی در آن گسترش می‌یابد. از آنجاکه اکثر مردمان حاشیه‌نشین جزء طبقه کارگر جامعه هستند، تعارض میان طبقه قدرت مند و تصمیم‌گیر و طبقه زیردست، امری بدیهی است و هریک برای حفظ موقعیت خود تلاش می‌کنند. این کشمکش گاه جرایمی مانند سرقت از کارخانه را به دنبال دارد؛ اگرچه گاهی هم در اعتراض به مقررات و برنامه‌های طبقه فرادست یا همان صاحبان تولید، دست به عمل مجرمانه می‌زنند.

کریچنر و همکاران^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی با نام "اعتیاد و وظیفه آموزش و پرورش"، می‌نویسد: یکی از عوامل مهم کشیده شدن فرد به باتلاق مواد مخدر، مشکلات مالی است که طی دو فرایند انجام می‌پذیرد؛ اول؛ از طریق شناسایی افراد فقیر و حمایت مالی از آنها در قبال تشویق به پخش مواد مخدر در این مناطق و دوم؛ کشاندن این افراد در گرداب مواد افیونی و غرق کردن آنها در این منجلاب اجتماعی. شاید در نظر اول وجود رابطه بین فقر و اعتیاد چندان منطقی به نظر نرسد؛ زیرا کسی که

¹ Rhodes, Biesten, Ritchie, Malangoni

² Lipner, Song, Biester, Rhodes

³ Kirschner, Karpinski

توانایی مالی ندارد، نمی تواند مصرف کننده باشد و مبلغی را در این زمینه هزینه کند، اما تجارت مواد مخدر در تمام رده‌ها، اعم از عمده فروشی و خرده فروشی کاملاً سودآور است. از آنجا که هدف عمده قاچاقچیان، اطمینان از شرکت این افراد در فعالیت قاچاق است، به پیروی از سیاست کلی خود آنان را معتاد می‌کنند. البته باید توجه داشت، چون این افراد متعلق به مناطق حاشیه‌نشین هستند و ذهنیت منفی نسبت به مواد مخدر ندارند، قاچاقچیان به راحتی به اهداف خود در این مناطق دست می‌یابند.

تامپسون و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با نام "حاشیه‌نشینی و سطح زندگی" می‌نویسند: حاشیه‌نشین‌ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند، فقدان نظارت امنیتی کافی وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق همه باعث می‌شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گیرند و تا زمانی که این عوامل زمینه‌ساز وجود داشته باشد این مناطق بالقوه جرم‌خیز خواهند ماند. جوانان حاشیه‌نشین با فرهنگ ویژه روزها عازم مرکز شهر می‌شوند تا کاری دست و پا کنند؛ روشن است که ابتدا فرد برای رفع نیاز مادی و امرار معاش به خرید و فروش مواد می‌پردازد و با گذشت زمان بر اثر ابتلا به اعتیاد، دلیل اول جای خود را به اعتیاد می‌دهد. ادامه این وضعیت آثار مخربی در پی دارد؛

چائو و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی با نام "یک چارچوب برای اندازه‌گیری شادی در زندگی" می‌نویسند، افزایش جرم با افزایش تراکم جمعیت در محلات شهری رابطه مستقیم دارد. این نکته به ویژه در محله‌های حاشیه شهر صدق می‌کند. در بعضی از نواحی شهری آسیب‌های اجتماعی بسیار شایع‌تر از مناطق دیگر است. همچنین تأثیرات محیط انسانی (اجتماعی) و شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مکان زیست انسان، بر بروز آسیب‌های اجتماعی به اثبات رسیده است؛ لذا آسیب‌های اجتماعی، از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مکان جغرافیایی تأثیر می‌پذیرد.

مایکل^۳ (۲۰۱۵)، در پژوهش خود با نام "گرایش به مصرف مواد مخدر در حاشیه شهرها" می‌نویسد: اماکنی با تراکم جمعیت زیاد که در وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نامطلوبی قرار دارند، فضای مناسبی را برای بروز انواع آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌کنند. این دیدگاه رابطه مستقیم

¹ Thompson LA, Dawson K, Ferdig R, Black EW, Boyer J, Coutts J,

² Chou, A & Lim, B.

³ Michael, j. hart.

میان افزایش جرم و افزایش تراکم جمعیت در محلات شهری، به ویژه در مناطق و محلات حاشیه شهر را تأیید می کند. لذا آسیب‌های اجتماعی متأثر از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مکان جغرافیایی است.

در پژوهشی که پاپاکاریسی^۱ (۲۰۱۵) تحت عنوان "بررسی افسردگی، هیجان خواهی، پرخاشگری، سبک‌های دلبستگی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی به عنوان پیش‌بینی‌های وابستگی به مواد مخدر در نوجوانان" انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که وابستگی به مواد مخدر براساس متغیرهای نامبرده قابل پیش‌بینی هستند. افرادی که در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند، با نوع چالشی‌تر و شدیدتر این عوارض روبرو هستند.

۲-۳۵- چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش بر پایه مولفه‌های مطرح شده توسط تامپسون و همکاران وی^۲ (۲۰۱۶) برای حاشیه‌نشینی می‌باشد. از نظر وی ۵ مولفه در حاشیه شهرها موجود است که در افزایش اعتیاد افراد ساکن در حاشیه نقش دارد که عبارتند از: ۱- توزیع آسان و احساس امنیت توزیع کنندگان مواد مخدر در محله، ۲- بیکاری و فقر اقتصادی، ۳- کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی، ۴- فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد، ۵- فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی (تامپسون و دیگران، ۲۰۱۶، ۹۵۴).

توزیع مواد مخدر در حاشیه شهرها به راحتی امکان‌پذیر است و آن هم ناشی از احساس امنیتی است که توزیع کنندگان این مواد در آن مناطق دارند و بلحاظ فقر علمی و آگاهی ساکنین این مناطق و بیکاری وسیع و جهت‌رهایی یافتن مقطعی از برخی فشارهای روحی و غیره میل به استعمال مواد مخدر در این مناطق بیشتر می‌باشد. برخی از جوانان بیکار و حتی نوجوانان شغل و حرفه خود را خرید و فروش مواد مخدر قرار داده‌اند و یا مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و از این راه به کسب سود نائل می‌آیند (همان، ۹۵۵).

بسیاری از افرادی که به هر دلیلی با مشکلاتی روبرو هستند و مثلاً از مشکل بی‌کاری و فقر و رنج می‌برند، چاره را متأسفانه در مصرف مواد مخدر می‌دانند و قدم در راه سوء استفاده از مواد مخدر

¹ Papacharissi

² Thompson

می‌گذارند (اربطانی، ۱۳۹۳: ۲۴).

فقر فرهنگی صحیح نیز از دیگر مشکلاتی است که در حاشیه بسیاری از شهرها به چشم می‌خورد. در مناطق حاشیه‌نشین خرده فرهنگهای خاص مناطق کوچک هر یک از خانوارها که قبلاً ساکن آن بودند مشاهده می‌شود. این فرهنگها بسیار دیر جذب فرهنگهای شهری می‌شوند و این امر و نیز فقر فرهنگی افراد امکان نفوذ از نظر فرهنگی و اجتماعی را در آنها برای اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی، چون بهداشت و تنظیم خانواده و غیره مشکل می‌کند. همین امر در آغاز و استمرار اعتیاد نیز تاثیرگذار است (پردنجانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳).

کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی نیز از دیگر عوامل تاثیرگذار بر اعتیاد است که در نتیجه حاشیه‌نشینی بوجود می‌آید. ارتقاء کیفیت سکونت و بهبود وسایل و بسترهای سرگرمی و تفریح سالم مانند پارک، سینما، باشگاههای ورزشی، استخر و... باید از طریق اعطاء برخی امکانات و تسهیلات و سعی در تطبیق منازل و محلات با اصول و معیارهای شهرسازی صورت پذیرد. سرمایه‌گذاری در این مناطق به صورت تبرعی و بدون هیچگونه چشم‌داشت و بدون توجه به توجیه اقتصادی و درآمدزایی برای دستگاههای مربوط از جمله شهرداریها صورت پذیرد تا جوانان و نوجوانان و حتی افراد میانسال، بمنظور فرار از بیکاری و پر کردن اوقات فراغت، خود را در کمین اعتیاد نیندازند.

بنابراین چارچوب نظری این پژوهش بر پایه نظریه‌های مطرح شده از تامپسون و همکاران وی در سال ۲۰۱۶، بنیان نهاده شده است. در ابتدا ثابت می‌شود که حاشیه‌نشینی باعث بروز مولفه‌های پنجگانه (۱- توزیع آسان و احساس امنیت توزیع کنندگان مواد مخدر در محله، ۲- بیکاری و فقر اقتصادی، ۳- کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی، ۴- فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد، ۵- فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی) می‌شود که در این منظر، از نظریه‌ها و مقالات و پژوهشهای موجود در این زمینه استفاده خواهد شد. سپس نقش این مولفه‌ها بر اعتیاد، از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) بررسی خواهد شد.

۲-۳۶- مدل مفهومی تحقیق

همانطور که گفته شد از نظر تامپسون و همکاران وی، حاشیه‌نشینی با ۵ مولفه دارتباط دارد

که هر یک از این ۵ مولفه، بر افزایش اعتیاد افراد ساکن در حاشیه شهرها نقش دارند که عبارتند از:
 ۱- توزیع آسان و احساس امنیت توزیع کنندگان مواد مخدر در محله، ۲- بیکاری و فقر اقتصادی، ۳-
 کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی، ۴- فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد، ۵- فقدان عدالت اجتماعی و
 شکاف طبقاتی (تامپسون و دیگران، ۲۰۱۶، ۹۵۴). بنابراین مدل این پژوهش بر اساس نظریات
 تامپسون و همکاران وی به این شکل است:



شکل ۲-۱- مدل مفهومی تحقیق (منبع: تامپسون و دیگران، ۲۰۱۶)

¹ Thompson LA, Dawson K, Ferdig R, Black EW, Boyer J, Coutts J, et al. (2016). The Intersection of Marginalization and life performance. J Gen Intern Med. 23(7): 954-7.

فصل سوم:

روش پژوهش

۳-۱- مقدمه

در این فصل به بحث در مورد روش‌ها و راه‌های تحقیق پرداخته می‌شود. بنابراین روش تحقیق، روش جمع‌آوری اطلاعات، ابزار سنجش، اعتبار و پایایی ابزار سنجش، نمونه‌گیری و شیوه‌های آن، محیط پژوهش، روشهای آماری تجزیه و تحلیل اطلاعات، تعریف مفاهیم و... ارائه شده است.

۳-۲- روش تحقیق

این تحقیق بر حسب هدف کاربردی و بر اساس شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی است. در روش تحقیق توصیفی هدف توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است و روش پیمایشی به عنوان یکی از زیر بخشهای روش تحقیق توصیفی برای بررسی توزیع ویژگیهای جامعه آماری بکار می‌رود.

۳-۳- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

جهت گردآوری اطلاعات در این پژوهش از روش اسنادی و پرسشنامه استفاده خواهد شد: محقق به منظور بررسی و کسب اطلاعات هر چه بیشتر جهت شناخت دقیق‌تر موضوع مورد پژوهش و استفاده از یافته‌های تحقیقات انجام شده در این زمینه، به بررسی و مطالعه پایان‌نامه‌های تحصیلی، کتب منتشر شده خارجی و ایرانی، نشریات فارسی و انگلیسی و متون درسی برخی از اساتید می‌پردازد. برای بررسی تاثیر حاشیه‌نشینی بر اعتیاد به مواد مخدر از روش پیمایشی استفاده شد که در آن از پرسشنامه محقق ساخته برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است.

۳-۴- جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه ساکنین اسلامشهر است که بر طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵) مرکز آمار ایران، این شهرستان در سال ۱۳۹۵، ۵۴۸،۶۲۰ نفر جمعیت داشت

که ۲۷۹،۲۸۲ نفر آن مرد و ۲۶۹،۳۳۸ نفر آن زن می‌باشند و نزدیک‌ترین شهرستان به تهران که ۱۲ کیلومتر با شهر تهران فاصله دارد.

۳-۵- تعداد نمونه و روش نمونه‌گیری

برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با توجه باینکه جامعه آماری تحقیق حاضر ۵۴۸،۶۲۰ نفر است، حجم نمونه برابر فرمول کوکران ۳۸۴ نفر می‌باشد و شیوه توزیع پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی می‌باشد زیرا هر یک از افراد شانس انتخاب شدن دارد.

۳-۶- سطح تحلیل

سطح تحلیل این پژوهش، خرد می‌باشد.

۳-۷- واحد تحلیل

واحد تحلیل در این پژوهش، فرد (ساکنین) است.

۳-۸- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این تحقیق برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه ۲۵ سئوالی محقق ساخته استفاده می‌شود که هر ۵ مولفه حاشیه‌نشینی در آن قرار دارد و در بین جامعه آماری توزیع و پس از جمع آوری اطلاعات توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی استفاده خواهد شد و از آمار استنباطی همچون آزمون تی تک نمونه‌ای و برای اعتبارسنجی پرسشنامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده، که برای انجام این کارها از نرم افزار SPSS استفاده گردیده است.

۳-۹- روائی یا اعتبار ابزاراندازه‌گیری

سرمد و همکاران معتقدند "مفهوم اعتبار به این سؤال پاسخ می‌دهد که ابزاراندازه‌گیری تا چه حد خصیصه موردنظر را می‌سنجد" (۱۳۷۹:۱۷۰).

محقق پس از بررسی و مطالعه عمیق منابع علمی، متون آموزشی و معتبر، پژوهشهایی که به

صورت مستقیم یا غیرمستقیم با پژوهش فعلی ارتباط دارند و نیز نظرات کارشناسان مربوطه، پرسشنامه را بر اساس یافته‌ها و بررسی‌ها تدوین و تنظیم نمود و طی دفعات مکرر آن را در اختیار اساتید راهنما و مشاور قرار داده تا سنخیت انطباق محتوای پرسشنامه را با سؤالات پژوهش و داده‌های مورد نیاز به تأیید رسانند.

بنابراین روایی یا اعتبار ابزار از نوع روایی وابسته به محتوا با استفاده از نظرات کارشناسان می‌باشد که معمولاً برای بررسی اجزای تشکیل دهنده یک ابزار اندازه‌گیری بکار می‌رود و در واقع با قضاوت و داوری افراد متخصص سؤالات ابزار معرف ویژگی‌ها و اصولی است که محقق قصد اندازه‌گیری آن را دارد.

۳-۱۰- پایایی یا قابلیت اعتماد

مفهوم قابلیت اعتماد یا پایایی این است که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به بار می‌آورند (سرمد و همکاران، ۱۳۷۹). طبیعی است که قابلیت آزمون ابزارها از موقعیتی به موقعیت دیگر و از گروهی به گروه دیگر متفاوت است. برای برآورد و تعیین پایایی این ابزار اصول و قواعدی بکار گرفته شده و موانعی که باعث خدشه‌دار شدن پایایی می‌شود و کنترل پایایی را دچار اشکال می‌کند مورد توجه و رعایت قرار گرفته است:

۱- انتخاب پرسشگران کارآموده با تحصیلات کارشناسی که دارای سوابق پژوهشی قابل اطمینان بودند. زیرا به قول گال و برگ داده‌های بدست آمده از پرسشنامه استفاده‌ای ندارد مگر اینکه توسط پرسشگران قابل اعتماد جمع‌آوری شده باشد.

۲- آموزش پرسشگران و نیز یاددهی تکنیک‌ها، اصول و مهارت‌های پرسشگری به آنان و نیز انجام کار مقدماتی و نیز ارائه دستورالعمل کاربردی.

۳- مبتنی بودن پرسشگری بر اساس طرح و نقشه.

۴- روش پرسشگری و عملکرد پرسشگران طی دفعات مختلف بدون اطلاع قبلی در زمانها و موقعیتهای گوناگون مورد ارزیابی قرار گرفت.

در جدول شماره ۳-۱ میزان آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی تحقیق در پیش‌آزمون گزارش شده

است:

جدول ۳-۱- جدول ضریب روایی برای گویه‌های مربوط به پژوهش

ضریب روایی	تعداد گویه‌ها	تعداد پاسخگویان	متغیرها
۰,۸۱	۵	۳۵	توزیع آسان مواد مخدر و احساس امنیت
۰,۸۱	۵	۳۵	بیکاری و فقر اقتصادی
۰,۸۲	۵	۳۵	امکانات تفریحی و سرگرمی
۰,۸۳	۵	۳۵	فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد
۰,۸۲	۵	۳۵	شکاف طبقاتی و ناعدالتی اجتماعی
۰,۸۲	۲۵	۳۵	کل

جدول مزبور نشان می‌دهد که ضریب روایی برای گویه‌های همه متغیرها بیش از ۰,۸۲، بدست آمده است که نشان می‌دهد که گویه‌های مربوطه بیش از ۸۲ درصد متغیر مزبور را می‌سنجد که میزان روایی قابل قبولی می‌باشد. در واقع نتایج این آزمون نشان می‌دهد ابزار طراحی شده برای سنجش متغیرهای تحقیق مناسب است.

فصل چهارم: یافته‌های تحقیق

۴-۱- مقدمه

در این فصل داده‌های گرد آوری شده توسط پرسشنامه با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی توصیف خواهند شد. این فصل دارای دو بخش است. در بخش اول آمار توصیفی مشخصات فردی پاسخگویان تحقیق مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به نوع داده‌ها کل فرضیه‌های موجود را تست کرده تا پیوند بین متغیرهای مستقل و وابسته در مورد بررسی نقش حاشیه‌نشینی بر اعتیاد (سکونتگاه‌های غیر رسمی در جنوب غرب تهران. اسلامشهر) به دقت تعیین گردد. در این فصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای پذیره نرمال بودن داده‌ها و آزمون تی تک نمونه‌ای جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

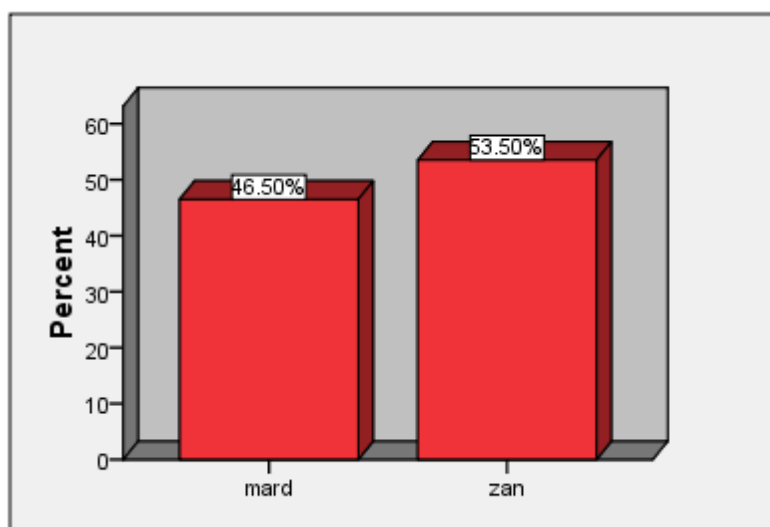
۴-۲- توصیف متغیرهای زمینه‌ای

۴-۲-۱- جنسیت پاسخگویان

مطابق با داده‌های بدست آمده از جنسیت پاسخگویان، جدول فراوانی جنسیت پاسخگویان در جدول شماره ۴-۱ ارائه شده است. جدول زیر توزیع جنسیت پاسخگویان را نشان می‌دهد.

جدول ۴-۱- توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۷۹	۴۶,۵
زن	۲۰۵	۵۳,۵
جمع	۳۸۴	۱۰۰



نمودار ۴-۱- توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت

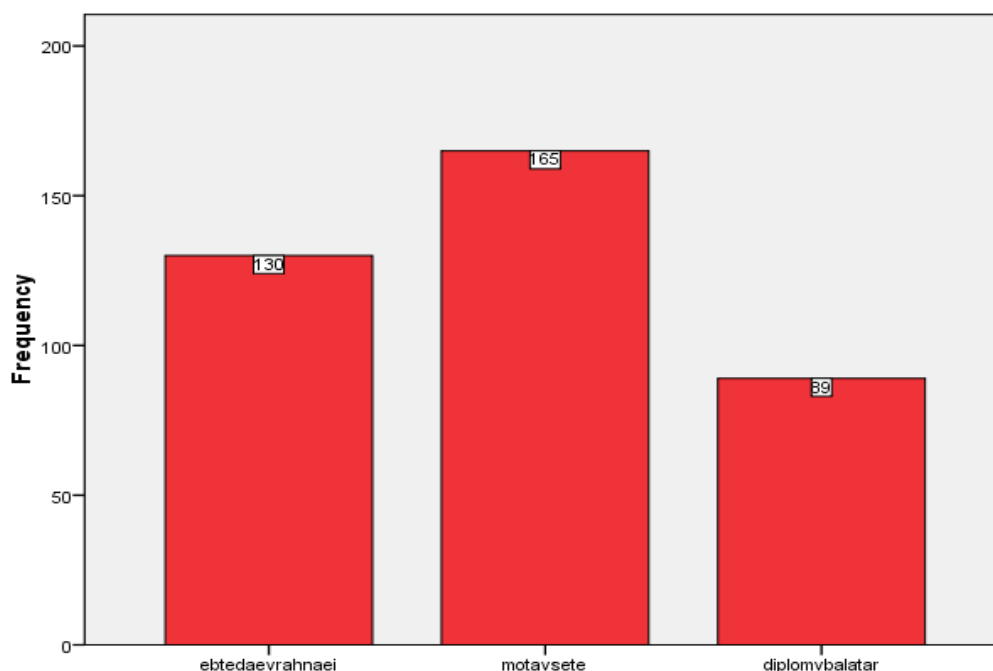
تفسیر: مطابق با جدول و نمودار فوق تعداد ۲۰۵ نفر از پاسخگویان معادل ۵۳,۵ درصد پاسخگویان زن بوده و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین تعداد ۱۷۹ نفر معادل ۴۶,۵ درصد از پاسخگویان نیز مرد بوده و دارای کمترین فراوانی می‌باشند.

۴-۲-۲- تحصیلات پاسخگویان

مطابق با داده‌های بدست آمده از تحصیلات پاسخگویان، جدول فراوانی تحصیلات پاسخگویان در جدول شماره ۴-۲ ارائه شده است. جدول زیر توزیع تحصیلات پاسخگویان را نشان می‌دهد.

جدول ۴-۲- توزیع پاسخگویان بر حسب تحصیلات

درصد	فراوانی	تحصیلات
۳۳,۹	۱۳۰	ابتدایی و راهنمایی
۴۳	۱۶۵	متوسطه
۲۳,۲	۸۹	دیپلم و بالاتر
۱۰۰	۳۸۴	جمع



نمودار ۲-۴- توزیع پاسخگویان بر حسب تحصیلات

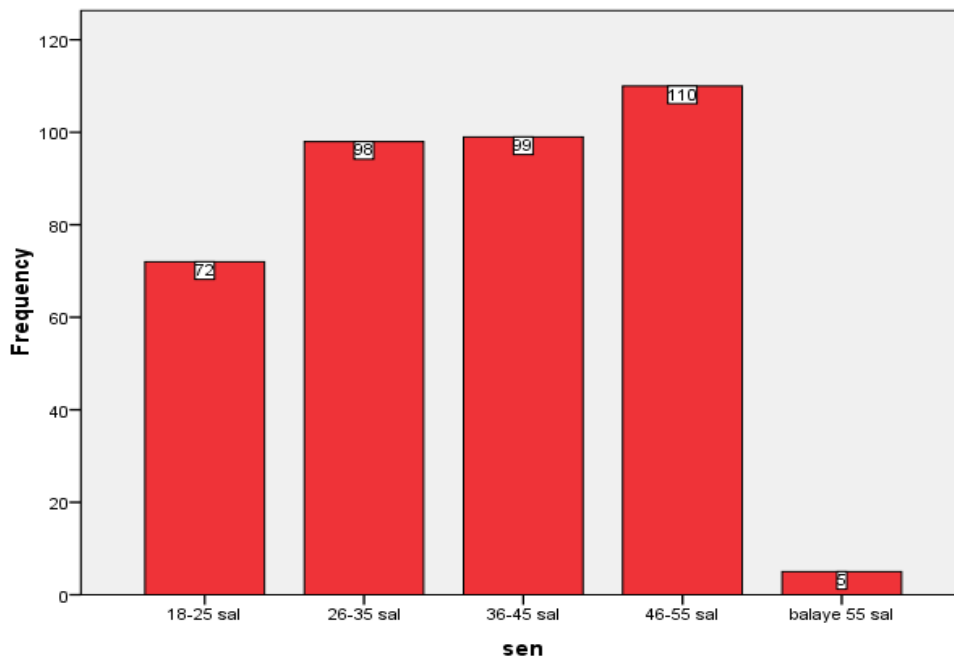
تفسیر: مطابق با جدول و نمودار فوق تعداد ۱۶۵ نفر از پاسخگویان معادل ۴۳ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات متوسطه بوده و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین تعداد ۸۹ نفر معادل ۲۳,۲ درصد از پاسخگویان نیز دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر بوده و دارای کمترین فراوانی می‌باشند.

۳-۲-۴- سن پاسخگویان

مطابق با داده‌های بدست آمده از سن پاسخگویان، جدول فراوانی سن پاسخگویان در جدول شماره ۳-۴ ارائه شده است. جدول زیر توزیع سن پاسخگویان را نشان می‌دهد.

جدول ۳-۴- توزیع پاسخگویان بر حسب سن

درصد	فراوانی	سن
۱۸,۸	۷۲	۱۸-۲۵
۲۵,۵	۹۸	۲۶-۳۵
۲۵,۸	۹۹	۳۶-۴۵
۲۸,۶	۱۱۰	۴۶-۵۵
۱,۳	۵	۵۵ سال و بالاتر
۱۰۰	۳۸۴	جمع



نمودار ۴-۳- توزیع پاسخگویان بر حسب سن

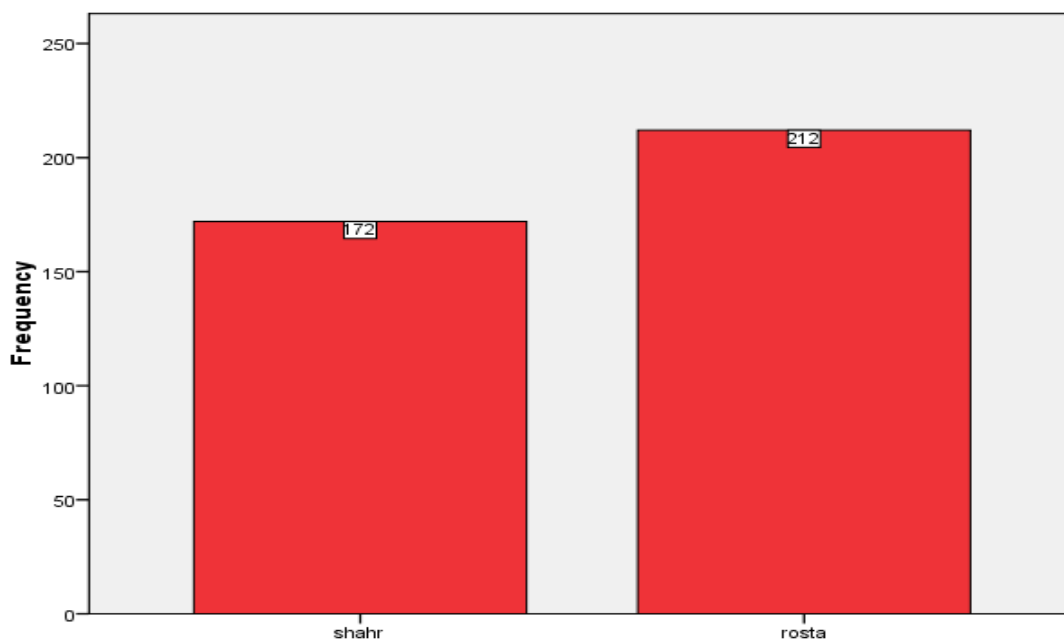
تفسیر: مطابق با جدول و نمودار فوق تعداد ۱۰ نفر از پاسخگویان معادل ۲۸,۶ درصد پاسخگویان دارای سن بین چهل و شش تا پنجاه و پنج سال بوده و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین تعداد ۵ نفر معادل ۱,۳ درصد از پاسخگویان نیز دارای سن پنجاه و پنج سال و بیشتر بوده و دارای کمترین فراوانی می‌باشند.

۴-۲-۴- محل تولد پاسخگویان

مطابق با داده‌های بدست آمده از محل تولد پاسخگویان، جدول فراوانی محل تولد پاسخگویان در جدول شماره ۴-۴ ارائه شده است. جدول زیر توزیع محل تولد پاسخگویان را نشان می‌دهد.

جدول ۴-۴- توزیع پاسخگویان بر حسب محل تولد

محل تولد	فراوانی	درصد
شهر	۱۷۲	۴۴,۸
روستا	۲۱۲	۵۵,۲
جمع	۳۸۴	۱۰۰



نمودار ۴-۴- توزیع پاسخگویان بر حسب محل تولد

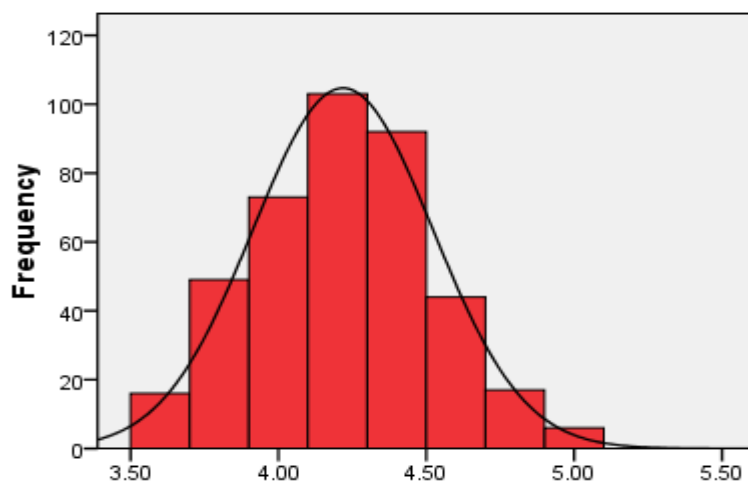
تفسیر: مطابق با جدول و نمودار فوق تعداد ۲۱۲ نفر از پاسخگویان معادل ۵۲,۵ درصد پاسخگویان محل تولد خود را روستا اعلام نموده و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین تعداد ۱۷۲ نفر معادل ۴۴,۸ درصد از پاسخگویان نیز محل تولد خود را شهر اعلام نموده و دارای کمترین فراوانی می‌باشند.

۴-۳- توصیف کمی متغیرهای پژوهش

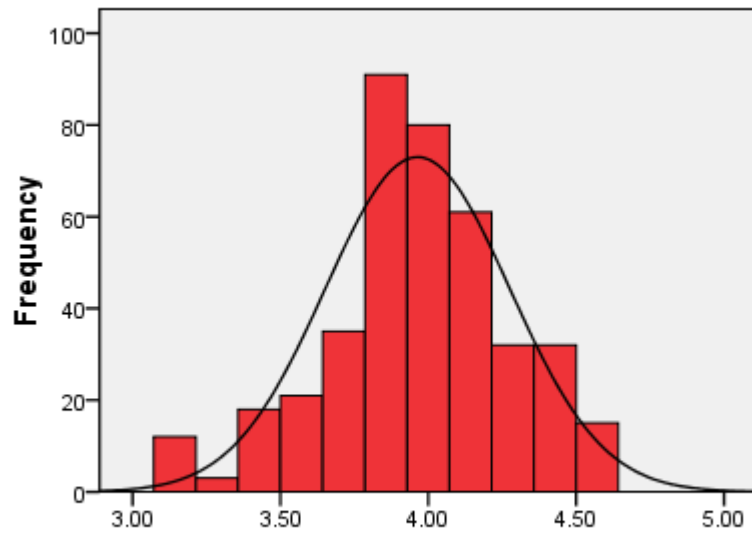
جدول ۴-۵- مقادیر شاخص‌های توصیفی در خصوص متغیرهای اصلی

متغیرها	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
نقش توزیع آسان توزیع کنندگان مواد مخدر بر اعتیاد به مواد مخدر	۴,۲۱	۴,۲۰	۴,۲	۰,۳	۳,۶	۵
نقش بیکاری و فقر اقتصادی بر اعتیاد به مواد مخدر	۳,۹۶	۴	۳,۸۶	۰,۳۱	۳,۱۴	۴,۵۷
نقش کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی بر اعتیاد به مواد مخدر	۴,۰۳	۴	۴	۲,۸	۲,۸	۴,۶
نقش فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد بر اعتیاد به مواد مخدر	۳,۴۲	۳,۴۰	۳,۴	۲,۸	۲,۸	۴,۲
نقش فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی بر اعتیاد به مواد مخدر	۳,۷۹	۳,۸۵	۳,۸۶	۳	۳	۴,۴۳

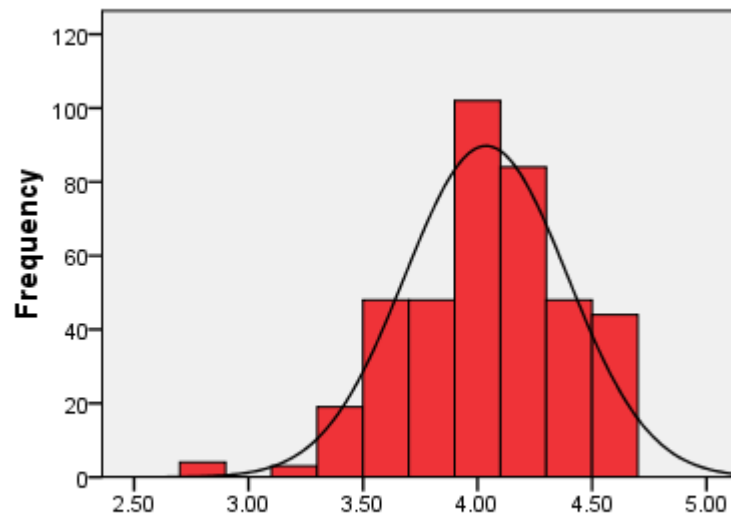
تفسیر: جدول فوق مقدار شاخصهای مرکزی متغیرها (مد، میانه و میانگین) که محل تمرکز داده‌ها را معرفی می‌کنند و مقدار انحراف معیار (عددی برای نشان دادن میزان گسترش اعداد) و همچنین کمترین و بیشترین مقدار داده را نشان می‌دهد. متغیرها موضوع هر کدام از اهداف اختصاصی و یا هر یک از سوالات پرسشنامه هستند. لازم به ذکر است که برای هر کدام از متغیرها نمودار هیستوگرام آنها رسم شده است. این نمودار، فراوانی یا درصد فراوانی هر کدام از طبقات را به صورت ستون نشان می‌دهد. همچنین با استفاده از نمودار هیستوگرام و رسم منحنی توزیع نرمال، می‌توانیم از شکل توزیع (نرمال بودن، وضعیت چولگی و کشیدگی) متغیر مدنظر اطلاع پیدا کنیم.



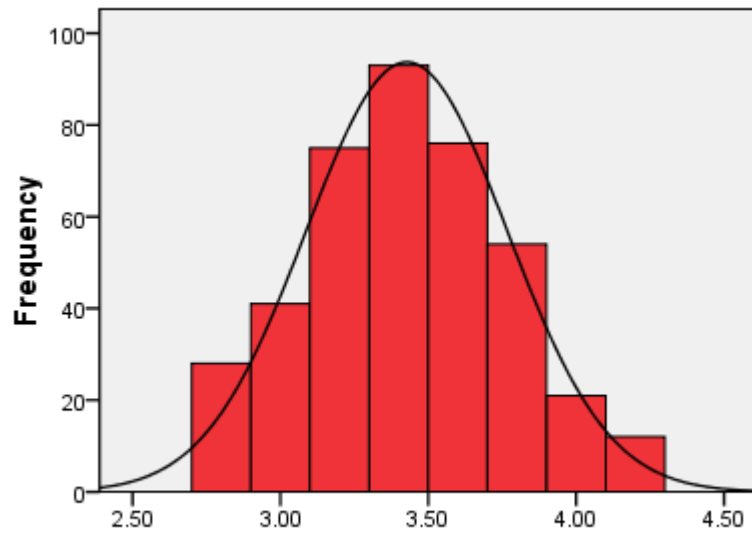
نمودار ۴-۵- نمودار هیستوگرام برای متغیر نقش توزیع آسان توزیع کنندگان مواد مخدر بر اعتیاد به مواد مخدر



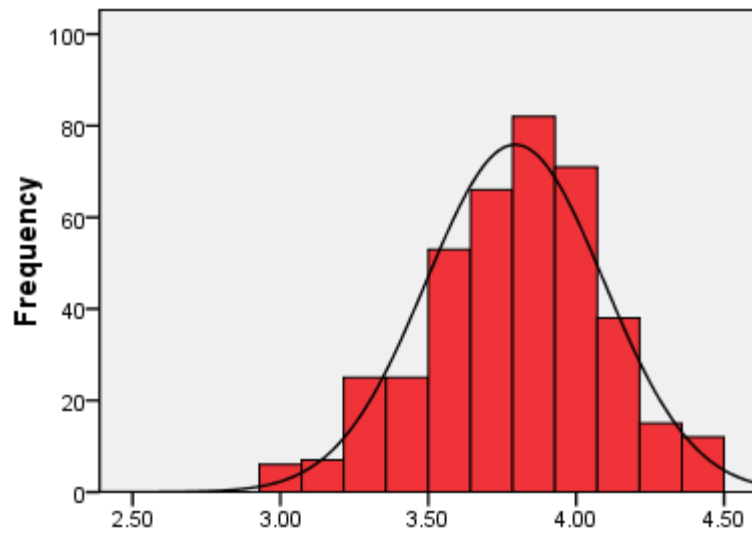
نمودار ۴-۶- نمودار هیستوگرام برای متغیر نقش بیکاری و فقر اقتصادی بر اعتیاد به مواد مخدر



نمودار ۴-۷- نمودار هیستوگرام برای متغیر نقش کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی بر اعتیاد به مواد مخدر



نمودار ۴-۸- نمودار هیستوگرام برای متغیر نقش فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد بر اعتیاد به مواد مخدر



نمودار ۴-۹- نمودار هیستوگرام برای متغیر نقش فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی بر اعتیاد به مواد مخدر

۴-۴- نتایج مربوط به آزمون نرمالیتی متغیرها:

جدول ۴-۶- نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف یک نمونه‌ای برای پذیره نرمال بودن

متغیرها	حجم نمونه	آماره آزمون	p-value
نقش توزیع آسان توزیع کنندگان مواد مخدر بر اعتیاد به مواد مخدر	۳۸۴	۰,۰۹۲	۰,۱۲۱
نقش بیکاری و فقر اقتصادی بر اعتیاد به مواد مخدر	۳۸۴	۰,۱۰۶	۰,۰۹۸
نقش کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی بر اعتیاد به مواد مخدر	۳۸۴	۰,۱۳	۰,۱۳۸
نقش فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد بر اعتیاد به مواد مخدر	۳۸۴	۰,۱۹	۰,۰۶
نقش فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی بر اعتیاد به مواد مخدر	۳۸۴	۰,۱۲۱	۰,۰۸۱

تفسیر: سطح معناداری جدول فوق نشان می‌دهد که متغیرهای این تحقیق در سطح معناداری

بالای ۰/۰۵ از نوع نرمال می‌باشد. بنابراین با توجه به نرمال بودن داده‌ها از آزمونهای مختص پارامتریک استفاده شده است.

۴-۵- تحلیل داده‌ها (بررسی فرضیه‌های تحقیق)

فرضیه فرعی اول: توزیع آسان توزیع کنندگان مواد مخدر در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

فرض آماری:

$$H_0: \mu \geq 0.05 \text{ sig} \leq 3$$

$$H_1: \mu < 0.05 \text{ sig} > 3$$

جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون مطابق جدول شماره ۴-۷ می‌باشد.

جدول ۴-۷- جدول آزمون فرضیه فرعی اول با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای

متغیر	مقدار آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین رتبه	فاصله ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
فرضیه فرعی اول	۲۷۶,۷۶	۳۸۳	۰,۰۰۰	۴,۲۱	۴,۲۴	۴,۱۸

نتیجه: بر اساس جدول شماره ۴-۷، میانگین رتبه پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد نقش توزیع آسان توزیع کنندگان مواد مخدر بر اعتیاد به مواد مخدر بر اساس طیف لیکرت ۴,۲۱ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخ‌ها در دامنه (۴,۱۸) تا (۴,۲۴) قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۴,۱۸) بیشتر از حد متوسط (۳) می‌باشد می‌توان استدلال نمود که توزیع آسان توزیع کنندگان مواد مخدر بر اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد و همینطور با توجه به این که سطح معناداری آزمون کمتر از ۵ صدم (۰,۰۰۰) می‌باشد نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است. در نتیجه فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تایید می‌شود.

فرضیه فرعی دوم: بیکاری و فقر اقتصادی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد

فرض آماری:

$$\leq 3 \text{ sig} \geq 0.05 \mu: H_0$$

$$> 3 \text{ sig} < 0.05 \mu: H_1$$

جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون

مطابق جدول شماره ۴-۸ می‌باشد.

جدول ۴-۸- جدول آزمون فرضیه فرعی دوم با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای

فاصله ۹۵ درصد		میانگین رتبه	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار اماره تی	متغیر
حد پایین	حد بالا					
۳,۹۳	۳,۹۹	۳,۹۶	۰,۰۰۰	۳۸۳	۲۵۳,۸۸	فرضیه فرعی دوم

نتیجه: بر اساس جدول شماره ۴-۸، میانگین رتبه پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد نقش بیکاری و فقر اقتصادی بر اعتیاد به مواد مخدر بر اساس طیف لیکرت ۳,۹۶ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخ‌ها در دامنه (۳,۹۳) تا (۳,۹۹) قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۳,۹۳) بیشتر از حد متوسط (۳) می‌باشد می‌توان استدلال نمود که بیکاری و فقر اقتصادی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد و همینطور با توجه به این که سطح

معناداری آزمون کمتر از ۵ صدم (۰,۰۰۰) می باشد نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است. در نتیجه فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تایید می شود.

فرضیه فرعی سوم: کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

فرض آماری:

$$\leq 3 \text{ sig} \geq 0.05 \mu: H_0$$

$$> 3 \text{ sig} < 0.05 \mu: H_1$$

جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می شود. نتایج حاصل از این آزمون مطابق جدول شماره ۴-۹ می باشد.

جدول ۴-۹- جدول آزمون فرضیه فرعی سوم با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای

فاصله ۹۵ درصد		میانگین رتبه	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار اماره تی	متغیر
حد پایین	حد بالا					
۴	۴,۰۷	۴,۰۳	۰,۰۰۰	۳۸۳	۲۲۷,۱۱	فرضیه فرعی سوم

نتیجه: بر اساس جدول شماره ۴-۹، میانگین رتبه پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد نقش کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی بر اعتیاد به مواد مخدر بر اساس طیف لیکرت ۴,۰۳ از ۵ می باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخ‌ها در دامنه (۴) تا (۴,۰۷) قرار می گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۴) بیشتر از حد متوسط (۳) می باشد می توان استدلال نمود که کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد و همینطور با توجه به این که سطح معناداری آزمون کمتر از ۵ صدم (۰,۰۰۰) می باشد نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است. در نتیجه فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تایید می شود.

فرضیه فرعی چهارم: فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

فرض آماری:

$$\leq 3 \text{ sig} \geq 0.05 \mu: H_0$$

$$> 3 \text{ sig} < 0.05 \mu: H_1$$

جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون مطابق جدول شماره ۴-۱۰ می‌باشد.

جدول ۴-۱۰- جدول آزمون فرضیه فرعی چهارم با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای

متغیر	مقدار اماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین رتبه	فاصله ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
فرضیه فرعی چهارم	۲۰۱,۲۷	۳۸۳	۰,۰۰۰	۳,۴۲	۳,۴۶	۳,۳۹

نتیجه: بر اساس جدول شماره ۴-۱۰، میانگین رتبه پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد نقش فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد بر اعتیاد به مواد مخدر بر اساس طیف لیکرت ۳,۴۲ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخ‌ها در دامنه (۳,۳۹) تا (۳,۴۶) قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۳,۳۹) بیشتر از حد متوسط (۳) می‌باشد می‌توان استدلال نمود که فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد و همینطور با توجه به این که سطح معناداری آزمون کمتر از ۵ صدم (۰,۰۰۰) می‌باشد نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است. در نتیجه فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تایید می‌شود.

فرضیه فرعی پنجم: فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

فرض آماری:

$$\leq 3 \text{ sig} \geq 0.05 \mu: H_0$$

$$> 3 \text{ sig} < 0.05 \mu: H_1$$

جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون مطابق جدول شماره ۴-۱۱ می‌باشد.

جدول ۴-۱۱- جدول آزمون فرضیه فرعی پنجم با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای

متغیر	مقدار اماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین رتبه	فاصله ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
فرضیه فرعی پنجم	۲۵۲,۵۳	۳۸۳	۰,۰۰۰	۳,۷۹	۳,۸۲	۳,۷۶

نتیجه: بر اساس جدول شماره ۴-۱۱، میانگین رتبه پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد نقش فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی بر اعتیاد به مواد مخدر بر اساس طیف لیکرت ۳,۷۹ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخ‌ها در دامنه (۳,۷۶) تا (۳,۸۲) قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۳,۷۶) بیشتر از حد متوسط (۳) می‌باشد می‌توان استدلال نمود که فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد و همینطور با توجه به این که سطح معناداری آزمون کمتر از ۵ صدم (۰,۰۰۰) می‌باشد نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است. در نتیجه فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تایید می‌شود.

فرضیه اصلی: حاشیه‌نشینی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد.

فرض آماری:

$$\leq 3 \text{ sig} \geq 0.05 \mu: H_0$$

$$> 3 \text{ sig} < 0.05 \mu: H_1$$

جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون مطابق جدول شماره ۴-۱۲ می‌باشد.

جدول ۴-۱۲- جدول آزمون فرضیه اصلی با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای

فاصله ۹۵ درصد		میانگین رتبه	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار اماره تی	متغیر
حد بالا	حد پایین					
۳,۸۶	۳,۷۹	۳,۸۲	۰,۰۰۰	۳۸۳	۲۲۶,۱۲	فرضیه اصلی

نتیجه: بر اساس جدول شماره ۴-۱۲، میانگین رتبه پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد نقش حاشیه‌نشینی بر اعتیاد به مواد مخدر بر اساس طیف لیکرت ۳,۸۲ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخ‌ها در دامنه (۳,۷۹) تا (۳,۸۶) قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۳,۷۹) بیشتر از حد متوسط (۳) می‌باشد می‌توان استدلال نمود که حاشیه‌نشینی بر اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد و همینطور با توجه به این که سطح معناداری آزمون کمتر از ۵ صدم (۰,۰۰۰) می‌باشد نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است. در نتیجه فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تایید می‌شود.

فصل پنجم:

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۵-۱- خلاصه

هدف این پژوهش بررسی مطالعه جامعه شناختی نقش حاشیه‌نشینی در اعتیاد (مورد مطالعه): سکونتگاه‌های غیر رسمی در جنوب غرب تهران (مطالعه موردی: اسلامشهر) بوده است. جهت گردآوری اطلاعات در این پژوهش از روش اسنادی و پرسشنامه استفاده شده است. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با توجه به اینکه جامعه آماری تحقیق حاضر ۵۴۸۰۶۲۰ نفر است، حجم نمونه برابر فرمول کوکران ۳۸۴ نفر می‌باشد و شیوه توزیع پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی می‌باشد زیرا هر یک از افراد شانس انتخاب شدن دارد. در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به نوع داده‌ها کل فرضیه‌های موجود را تست کرده تا پیوند بین متغیرهای مستقل و وابسته در مورد بررسی نقش حاشیه‌نشینی بر اعتیاد (سکونتگاه‌های غیر رسمی در جنوب غرب تهران. اسلامشهر) به دقت تعیین گردد. در این فصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای پذیره نرمال بودن داده‌ها و آزمون تی تک نمونه‌ای جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

۵-۲- یافته‌های توصیفی

تعداد ۲۰۵ نفر از پاسخگویان معادل ۵۳٫۵ درصد پاسخگویان زن بوده و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین تعداد ۱۷۹ نفر معادل ۴۶٫۵ درصد از پاسخگویان نیز مرد بوده و دارای کمترین فراوانی می‌باشند.

تعداد ۱۶۵ نفر از پاسخگویان معادل ۴۳ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات متوسطه بوده و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین تعداد ۸۹ نفر معادل ۲۳٫۲ درصد از پاسخگویان نیز دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر بوده و دارای کمترین فراوانی می‌باشند.

تعداد ۱۰ نفر از پاسخگویان معادل ۲۸,۶ درصد پاسخگویان دارای سن بین چهل و شش تا پنجاه و پنج سال بوده و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین تعداد ۵ نفر معادل ۱,۳ درصد از پاسخگویان نیز دارای سن پنجاه و پنج سال و بیشتر بوده و دارای کمترین فراوانی می‌باشند.

تعداد ۲۱۲ نفر از پاسخگویان معادل ۵۲,۵ درصد پاسخگویان محل تولد خود را روستا اعلام نموده و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین تعداد ۱۷۲ نفر معادل ۴۴,۸ درصد از پاسخگویان نیز محل تولد خود را شهر اعلام نموده و دارای کمترین فراوانی می‌باشند.

۵-۳- یافته‌های استنباطی

فرضیه فرعی اول: توزیع آسان توزیع کنندگان مواد مخدر بر اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد. میانگین رتبه پاسخهای ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد نقش توزیع آسان توزیع کنندگان مواد مخدر بر اعتیاد به مواد مخدر بر اساس طیف لیکرت ۴,۲۱ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخها در دامنه (۴,۱۸) تا (۴,۲۴) قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۴,۱۸) بیشتر از حد متوسط (۳) می‌باشد می‌توان استدلال نمود که توزیع آسان توزیع کنندگان مواد مخدر در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد و همینطور با توجه به این که سطح معناداری آزمون کمتر از ۵ صدم (۰,۰۰۰) می‌باشد نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است. در نتیجه فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تایید می‌شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات درویشی (۱۳۹۳)، محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، وطن دوست و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی داشته است.

فرضیه فرعی دوم: بیکاری و فقر اقتصادی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد میانگین رتبه پاسخهای ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد نقش بیکاری و فقر اقتصادی بر اعتیاد به مواد مخدر بر اساس طیف لیکرت ۳,۹۶ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخها در دامنه (۳,۹۳) تا (۳,۹۹) قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۳,۹۳) بیشتر از حد متوسط (۳) می‌باشد می‌توان استدلال نمود که بیکاری و فقر اقتصادی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد و همینطور با توجه به این که سطح معناداری آزمون کمتر از ۵ صدم (۰,۰۰۰) می‌باشد نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است. در نتیجه فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تایید

می‌شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات درویشی (۱۳۹۳)، محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، وطن دوست و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی داشته است.

فرضیه فرعی سوم: کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد. میانگین رتبه پاسخهای ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد نقش کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی بر اعتیاد به مواد مخدر بر اساس طیف لیکرت ۴,۰۳ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخها در دامنه (۴) تا (۴,۰۷) قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۴) بیشتر از حد متوسط (۳) می‌باشد می‌توان استدلال نمود که کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد و همینطور با توجه به این که سطح معناداری آزمون کمتر از ۵صدم (۰,۰۰۰) می‌باشد نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است. در نتیجه فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تایید می‌شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات درویشی (۱۳۹۳)، محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، وطن دوست و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی داشته است.

فرضیه فرعی چهارم: فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد. میانگین رتبه پاسخهای ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد نقش فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد بر اعتیاد به مواد مخدر بر اساس طیف لیکرت ۳,۴۲ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخها در دامنه (۳,۳۹) تا (۳,۴۶) قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۳,۳۹) بیشتر از حد متوسط (۳) می‌باشد می‌توان استدلال نمود که فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد بر اعتیاد به مواد مخدر موثر است و همینطور با توجه به این که سطح معناداری آزمون کمتر از ۵صدم (۰,۰۰۰) می‌باشد نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است. در نتیجه فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تایید می‌شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات درویشی (۱۳۹۳)، محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، وطن دوست و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی داشته است.

فرضیه فرعی پنجم: فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد. میانگین رتبه پاسخهای ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد نقش فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی بر اعتیاد به مواد مخدر بر اساس طیف لیکرت ۳,۷۹ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخها در دامنه (۳,۷۶) تا (۳,۸۲) قرار می‌گیرد. از آنجا که حد

پایین این دامنه (۳,۷۶) بیشتر از حد متوسط (۳) می‌باشد می‌توان استدلال نمود که فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی بر اعتیاد به مواد مخدر موثر است و همینطور با توجه به این که سطح معناداری آزمون کمتر از ۵ صدم (۰,۰۰۰) می‌باشد نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی‌دار است. در نتیجه فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تایید می‌شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات درویشی (۱۳۹۳)، محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، وطن دوست و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی داشته است.

فرضیه اصلی: حاشیه‌نشینی در اعتیاد به مواد مخدر نقش دارد. میانگین رتبه پاسخهای ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد نقش حاشیه‌نشینی بر اعتیاد به مواد مخدر بر اساس طیف لیکرت ۳,۸۲ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخها در دامنه (۳,۷۹) تا (۳,۸۶) قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۳,۷۹) بیشتر از حد متوسط (۳) می‌باشد می‌توان استدلال نمود که حاشیه‌نشینی در اعتیاد به مواد مخدر نقش است و همینطور با توجه به این که سطح معناداری آزمون کمتر از ۵ صدم (۰,۰۰۰) می‌باشد نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی‌دار است. در نتیجه فرض صفر تحقیق رد و فرضیه تحقیق تایید می‌شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات درویشی (۱۳۹۳)، محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، وطن دوست و همکاران (۱۳۹۴) همسو بوده است.

۴-۵- بحث و نتیجه‌گیری

همه شهرها متأثر از زندگی، رفتارها و نیازهای ساکنان پیرامون شهر هستند و به همین دلیل باید پذیرفت که بررسی مشکلات هر شهر حاشیه آن را هم باید در نظر گرفت. حاشیه‌ها ناگزیر از به وجود آمدن هستند، حاشیه نشیان که به دلیل مشکلات قانونی ساخت و ساز در حاشیه شهر و هم‌چنین مشکلات مالی خود توان ایجاد منطقه مسکونی مناسبی ندارند در نقاط مختلف فضاهایی می‌سازند که به مرور به محل تجمع معضلات شهری تبدیل می‌شوند. رشد جامعه شهری در چند مرکز بزرگ به صورت مستمر ادامه دارد و موج دایم مهاجران به سوی چند شهر بزرگ در حال افزایش است. شهر اسلامشهر به عنوان یکی از قطب جاذبه جمعیت، مقصد عمده مهاجرت داخلی بوده است.

اگرچه از نتایج بارز مهاجرت‌ها (به‌ویژه از روستا به شهر) در کوتاه مدت رفع کمبود نیروی کار در مناطق بزرگ شهری است ولی از سوی دیگر در بلندمدت باعث افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات و در نتیجه ازدیاد تقاضای کل در جامعه شهری می‌شود. نگاه سطحی و برخورد سلیقه‌ای با پدیده حاشیه‌نشینی به هیچ وجه نمی‌تواند از رویش سکونتگاه‌های خودرو ممانعت کند. تجربه نشان داده است که با اعمال فشار و محدودیت و محرومیت نمی‌توان به معضل حاشیه‌نشینی پایان داد: زیرا این تهیدستان شهری، سرپناهی را که این گونه ایجاد کرده‌اند تنها سرمایه و دارایی خود می‌دانند و تا پای جان از آن محافظت می‌کنند. حاشیه‌نشینی با یک نگاه واقع بینانه و علمی، خود فقط یک معلول است و علتهای مختلفی ممکن است به ایجاد این پدیده منجر شوند. امروزه، تقریباً تمام کارشناسان مسائل توسعه بر این باورند که رشد نامتعادل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجب نابرابری‌ها و عدم توازن شهر و روستا می‌شود و در پی آن گروه‌های متعدد روستاییان به شهرها مهاجرت می‌کنند و در شهرها نه جذب فعالیت‌های اقتصادی شهرها می‌شوند و نه به جامعه و فرهنگ شهری می‌پیوندند. این افراد بیگانه از فرهنگ و جامعه شهری و فاقد هر گونه مهارت هستند، تا در اقتصاد شهرها جذب شوند.

عامل گسترش گرایش به مواد مخدر در نواحی حاشیه‌نشین اسلامشهر نسبت به

نواحی دیگر را می‌توان در موارد زیر تحلیل کرد: محله‌های حاشیه‌نشین این شهر از امکانات و خدمات ورزشی محروم‌اند. سرانه موجود ورزشی پایین است که در گرایش به اعتیاد افراد بویژه نسل جوان تاثیر بسزایی دارد.

کمبود فضای مسکونی و کوچک بودن مکان سکونت از یک سو و جمعیت بیشتر از چهار نفر در هر خانوار از سوی دیگر موجب شده است که افراد فضای خصوصی در خانه نداشته باشند و بیشتر اوقات آنان بویژه کودکان در خیابان سپری می‌شود که این امر به شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر در محله‌های حاشیه‌نشین شهر اسلامشهر دامن می‌زند. بر اساس بررسی‌های انجام شده و داده‌های میدانی بدست آمده، حدود ۵۰ درصد از سرپرستهای خانوار شغل فصلی دارند بنابراین بدلیل برخوردار نبودن از فرصت‌های شغلی نامناسب و امنیت شغلی، نداشتن مهارت و تخصص کافی و نداشتن سابقه کار برای ساکنان این مناطق بمنظور جذب در نظام اقتصادی شهر، فرد حاشیه‌نشین به توزیع مواد مخدر و اعتیاد گرایش می‌یابد.

بررسیهای میدانی و اخذ نظرات کارشناسی از صاحبانظران در این حوزه نشان می‌دهد مکان فیزیکی مناطق حاشیه‌نشین و فقر فرهنگی حاکم بر آن از یکسو و وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایین از سوی دیگر، موجبات گرایش افراد به استعمال مواد مخدر و خرید و فروش و توزیع آن در مناطق حاشیه‌ای این شهر مورد مطالعه بوده باشد.

در یک جمع‌بندی کلی عوامل موثر بر گسترش مواد مخدر در اسلامشهر عبارتند از: پایین بودن سطح سواد، نداشتن مهارت‌های شغلی، وضعیت اقتصادی، بیکاری و فقر فرهنگی.

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌های در کنترل محقق

۱- استفاده از پرسشنامه به عنوان تنها منبع گردآوری داده‌ها و محدودیت‌های ناشی از

آن

۲- همکاری محتاطانه پاسخگویان نسبت به تکمیل پرسشنامه

محدودیت‌های خارج از کنترل محقق

- زیاد بودن تعداد سئوالات پرسشنامه و خصوصا به دلیل این که از نوع مقیاس لیکرت

بود، رغبت آزمودنی‌ها را برای پاسخ کاهش می‌داد که خود عاملی برای عدم

همکاری مناسب آزمودنی‌ها بود و جزء محدودیت‌های تحقیق محسوب می‌شود.

۵-۵- پیشنهادات

ارتقاء کیفیت سکونت از طریق اعطاء برخی امکانات و تسهیلات و سعی در تطبیق منازل و محلات با اصول و معیارهای شهرسازی و سرمایه‌گذاری در این مناطق به صورت بدون هیچگونه چشم داشت و بدون توجه به توجیه اقتصادی و درآمدزایی برای دستگاه‌های مربوط از جمله شهرداری‌ها.

ساخت معابر و گذرگاهها در این مناطق که امکان دسترسی آسان و فوری پلیس و نیروهای

انتظامی و امنیتی و اکیپ‌های امداد مثل خودروهای آتش نشانی و اوژرانس و غیره را فراهم کند.

ایجاد روشنایی کافی در کوچه‌ها و معابر چونکه تجربه نشان داده که در مکانهای تاریک امکان

ارتکاب جرم از جمله سرقت، ضرب و جرح و قتل و بخصوص تهیه و توزیع مواد مخدر بیشتر از

مکان‌های روشن است و وجود روشنایی کافی در این مناطق خود عامل و رادعی در ارتکاب جرایم یاد شده خواهد بود

مسدود نمودن راه‌های نفوذ به ساختار اداری دستگاه‌های متولی امر زمین و دسترسی افراد رانت طلب به اطلاعات طرح‌ها و برنامه‌های آتی مربوط به اراضی و جلوگیری از بسط و گسترش محلات حاشیه نشین.

اجرائی نمودن ماده ۱۰ قانون حفظ کاربری اراضی و باغ‌ها در پیشگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغات حاشیه و حریم شهر و تبدیل آنها به سکونت گاه‌های غیر رسمی. ایجاد تعاونی‌های مسکن و تقویت آنها در ساخت و ساز واحدهای مسکونی متناسب با توانایی‌های اقتصادی اقشار متوسط و کم درآمد شهری.

اصلاح نوع نگاه نخبگان و مسئولان کشور به مناطق حاشیه‌ای در کلانشهرها و ایجاد بسترهای مناسب برآیند تعامل در جوامع حاشیه، مرکز و حذف عوامل و موانع تحقق این ارتباط و ایجاد زمینه‌ی ذهنی لازم برای مدیریت و بالا بردن میزان تحصیلات بخصوص در بین گروه‌های سنی جوانان مرد. بالا بردن سطح آگاهی مردم بویژه جامعه مرکز در پذیرش و اصلاح برخورد و ایجاد آمادگی ذهنی لازم برای مشارکت فعال مردم در حل مشکلات این قشر از افراد جامعه.

بالا بردن عملکرد رسانه‌های جمعی بویژه رادیو و تلویزیون به مثابه یکی از مهم‌ترین ابزارهای ملی موثر در ایجاد وفاق و همدلی و مشارکت بین جامعه مرکز و حاشیه بویژه مشکلات جوانان. مشارکت بیشتر جوانان در تمام عرصه‌هایی که به سرنوشت آنها مربوط است (تصمیم‌گیری، اجراء و نظارت) و افزایش وفاق اجتماعی بین جوانان حاشیه و مرکز.

ایجاد سازوکارهای مشارکتی از طریق الگوسازی، مشارکت و خلق فرصت‌هایی برای خودنمایی و ابراز وجود جوانان با تحصیلات پائین در زمینه‌های دیگر اجتماعی بویژه در مناطق حاشیه نشین.

- توسعه خدمات عمومی و گسترش امکانات و تسهیلات رفاهی، اجتماعی و فرهنگی در مراکز

شهری

راهکارها

فقرزدایی و توانمندی سازی مناطق حاشیه‌نشین و نابرابری عدالت اجتماعی در این مناطق

تعامل سه گروه اساسی بعنوان سه ضلع مثلث برای رفع مشکلات امنیتی و اجتماعی حاشیه نشینان: ضلع اول دولت مردان و سیاستمداران، ضلع دوم اندیشمندان و کارشناسان حوزه شهری و آسیب‌های شهری و حاشیه‌نشینی و ضلع سوم خود مردمی که در حاشیه‌ها زندگی می‌کنند با همکاری مداوم و مستمر خودشان.

اختصاص بودجه‌های پژوهشی برای مطالعه اساسی جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاشیه‌نشینان و چگونگی افزایش فاکتورهای سرمایه اجتماعی در بین آنان.

ارائه تعریف جامع و مانع از حاشیه‌نشینی و ارائه تعداد واقعی حاشیه‌نشینان در کشور بر اساس یک تعریف درست تا برای برنامه‌ریزان و سیاستمداران روشن گردد که با چه حجمی و با چه تعدادی از حاشیه‌نشینان مواجه بوده تا برنامه‌ریزی کلان و خرد ریخته شود و کارهای مرتبط ساماندهی شود.

بکارگیری سیاستهای جمعیتی منطقه‌ای متناسب برای کنترل جمعیت در کشور و به تبع آن در استانها برای جلوگیری از ایجاد مناطق حاشیه‌ای جدید.

مهمترین پیشنهاد وخواستہ پاسخگویان استقرار هر چه بیشتر نیروهای امنیتی و پلیس در این مناطق و اقدامات عاجل مصلحین و مسوولین جامعه جهت کاهش و کنترل این آسیب از طریق برنامه ریزی‌های درمان مدار و مداخلات موثر اجتماعی است.

پرسشنامه

پاسخگوی گرامی.

پرسشنامه‌ای که پیش روی شماست به منظور انجام یک تحقیق علمی در خصوص بررسی تاثیر حاشیه‌نشینی بر اعتیاد تنظیم گردیده است. انتخاب شما بصورت کاملا تصادفی بوده است و نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی نیست. تقاضا می‌شود ما را در انجام این تحقیق یاری فرمایید. پیشاپیش از همکاری شما تشکر می‌شود.

با تشکر

جنس مرد زن

۲) شما بعنوان یک شهروند درجه اهمیت هر یک از معیارهای زیر را بیان نمایید؟

ردیف	گویه‌ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی
۱	میل به استعمال مواد مخدر در منطقه حاشیه‌نشین بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیرگذار است	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۲	نبود مراقبت و کنترل مناسب برای مقابله با اقدامات مجرمانه از سوی مردم بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیرگذار است	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۳	توزیع آسان و احساس امنیتی نبود مراقبت و کنترل مناسب برای مقابله با اقدامات مجرمانه از سوی مسؤولان بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیرگذار است	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۴	وجود تعداد بیشتر بزهکاران و داشتن توانایی و انگیزه کافی برای عمل مجرمانه بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیرگذار است	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۵	تعداد اندک مراکز تأمین خدمات امنیتی بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیرگذار است	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۶	داشتن مشکل مالی ساکنین منطقه حاشیه‌نشین بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیرگذار است	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۷	فقدان درآمد لازم، برای خرید مایحتاج اساسی و معیشتی بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیرگذار است	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۸	نبود کار مناسب برای اشتغال جوانان در این منطقه بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیرگذار است	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نداشتن طرح و برنامه صحیح متناسب با موقعیت خود و جامعه و تنظیم مخارج زندگی بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۹
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	افزایش بعد خانوار و جمعیت ساکنان این مناطق بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۱۰
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پر بودن امکانات و سرگرمیهای ناسالم در مناطق حاشیه نشینی بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۱۱
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تراکم جمعیت در خانواده و کم شدن نظارت خانواده بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۱۲
					نبود امکانات ورزشی و فضاهای فرهنگی و ورزشی بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۱۳
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سپری نمودن اوقات فراغت در بیرون از خانه بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۱۴
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	احساس تقدیرگرایی در افراد این منطقه بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۱۵
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	فقدان نهادهایی چون اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۱۶
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای مسلط در جامعه بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۱۷
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	خودکم‌بینی و حقارت بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۱۸
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بی‌سوادی و عدم کسب مهارت و بی‌تخصصی بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۱۹
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	توزیع ناعادلانه درآمدها بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۲۰
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کاهش سفره خانواده در این مناطق بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۲۱
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کاهش قدرت خرید ساکنین این مناطق بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۲۲
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	عدم توجه دولت به اقشار پایین جامعه بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۲۳
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	میزان رضایتمندی ساکنین در سطح پایین بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۲۴
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	عدم دسترسی همه به امکانات موجود در جامعه بر اعتیاد به مواد مخدر تاثیر گذار است	۲۵

Abstract:

The purpose of this study was to investigate the sociological study of the role of marginalization in addiction (Case study: informal settlements in southwest of Tehran (Case study: Islamshahr). Documentary method and questionnaire were used for data collection. To determine the sample size using Cochran formula and given that the statistical population of the present study is ∞ , the sample size is $n = \frac{Z^2 \cdot p \cdot q}{e^2}$ Cochran formula and questionnaires are distributed randomly because each person has a chance of being selected. In the data analysis section, according to the type of data, all the hypotheses are tested to determine the relationship between independent and dependent variables on the role of marginalization on addiction (informal settlements in southwest of Tehran. Islamshahr). . In this chapter, the Kolmogorov-Smirnov test was used to test the normality of the data and a one-sample t-test was used to test the hypotheses.



Islamic Azad university
South Tehran Branch
Faculty of Psychology and Educational Sciences

.Dissertation for M.Sc
Specialty: Sociology

:Title

A Sociological Study of the Role of Suburbanization in Addiction

:Supervisor

Dr. Javad Regularly

:Researcher

Ali Razghi

Summer 2019

منابع و مآخذ:

منابع فارسی:

۱. احمدی، حبیب(۱۳۸۴):جامعه شناسی انحرافات، انتشارات سمت، تهران.
۲. احمدی، حسین(۱۳۸۴): حاشیه‌نشینی و امنیت، مجموعه مقالات همایش نیروی انتظامی و امنیت اجتماعی، انتشارات معاونت اجتماعی و ارشاد فرماندهی انتظامی استان ایلام.
۳. آقابابایی، عزیزاله و باقری، سهیلا و باقری، محبوبه، (۱۳۹۴)، فقر و اعتیاد، جلد اول، انتشارات بدرقه جاویدان.
۴. امیدوار، احمدعلی و صارمی، علی اکبر، (۱۳۹۴)، مبانی مدیریت شهری، انتشارات شمس.
۵. ایزیموف روسلان سال (۱۳۹۳) ”سیاست چین در آسیای مرکزی و نقش کلیدی در تامین امنیت آسیای مرکزی“
۶. باقری، اشرف السادات(۱۳۸۵): حاشیه‌نشینی و رابطه آن با جرم و جنایت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، انتشارات ناجا، سال دوم، شماره چهار و پنج.
۷. بیات، بهرام(۱۳۸۴): بررسی پدیده حاشیه‌نشینی در استان تهران، فصلنامه تخصصی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره اول.
۸. پژوهشکده مطالعات راهبردی، مطالعه آشوب‌های شهری در جمهوری اسلامی ایران.
۹. جهاد سازندگی(۱۳۶۸): بررسی عوامل مهاجرت در استان ایلام، جهاد سازندگی استان ایلام.
۱۰. حاج‌بوسفی، علی(۱۳۸۱): حاشیه‌نشینی شهری و فرایند تحول آن، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم.
۱۱. دلال پور، محمد رضا(۱۳۷۹): برنامه ریزی مسکن، انتشارات سمت، تهران.
۱۲. ربانی، رسول و احمد پالیزدان(۱۳۸۳): بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در فرهنگ پذیری مهاجرین شهر فیروزآباد، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، ویژه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره چهاردهم.
۱۳. رحیمی، محمد و پرنده، رادبه، (۱۳۹۵)، آمارنامه شهر تهران ۱۳۹۴، شهرداری تهران، تهران.
۱۴. روحانی، فضیله و تازی، سعیده، (۱۳۹۴)، گزارش امکان‌سنجی ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با دیدگاه شهرنگر در بندرعباس، پروژه بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن، سال دوم، شماره دوم.
۱۵. روشندل اربطانی، طاهر و امیری، عبدالرضا، (۱۳۹۳)، شناخت مدیریت شهری، جلد اول، انتشارات چهارباغ.
۱۶. زاهد زاهدانی(۱۳۶۹):حاشیه‌نشینی، شیراز: انتشارات شیراز.
۱۷. زنجانی، حبیب‌الله(۱۳۷۱): جمعیت و مسکن، مجموعه مقالات جمعیت و توسعه، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۱۸. زنجانی، حبیب‌الله(۱۳۸۵): مباحث جمعیتی ایران، روزنامه دنیای اقتصاد، ویژه جمعیت ایران، سال پنجم، شماره ۲۷.
۱۹. زنجانی زاده، هما و جوادی، علی محمد، (۱۳۹۴)، مردم شناسی باتکیه بر شخصیت شناسی مردم، جلد اول، ندای آریان
۲۰. ساروخانی، باقر، (۱۳۹۵)، پیامهای فرهنگی توسعه مدیریت شهری، همایش عدالت در ارائه خدمات.
۲۱. ستارزاده، داوود(۱۳۸۶): چگونگی مکانیسم تاثیر حاشیه‌نشینی بر وقوع رفتارهای ضد امنیت اجتماعی، ارائه شده در همایش

- امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی استان همدان با همکاری دانشگاه بوعلی همدان (عنوان مقاله برتر همایش).
۲۲. ستارزاده، داوود (۱۳۸۸): بررسی شاخصهای جمعیتی مسکن ایران در سال ۱۳۸۵، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۷ و ۶۸، سازمان ثبت و احوال کشور.
۲۳. سلیمانی پور، روح الله، (۱۳۹۴)، مقدمه‌ای بر توسعه مدیریت شهری، جلد اول، انتشارات سمت.
۲۴. صادقیان، عفت. (۱۳۹۴). برنامه ریزی اوقات فراغت، جلد اول، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۵. صدیق سروسستانی (۱۳۶۹): رحمت الله، جزوه پلی کپی جامعه شناسی شهری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۲۶. صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۷۶): حاشیه‌نشینی و امنیت، مقالات ارایه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، وزارت کشور، تهران.
۲۷. صرافی، مظفر (۱۳۸۱): مهاجرت داخلی و مسئله مدیریت شهری با تاکید بر شرایط ایران، فصلنامه مدیریت شهری، سال سوم، شماره ۱۰.
۲۸. عبادی نژاد، علی (۱۳۸۳): نقش حاشیه‌نشینی در بروز ناامنی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره سوم.
۲۹. عریضی، فروغ و رسول ربانی و فاطمه کریمی (۱۳۸۲): بررسی مسائل حاشیه‌نشینی با تاکید بر جنبه‌های اجتماعی فرهنگی، فصلنامه علوم اجتماعی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۴.
۳۰. علی محسنی، رضا (۱۳۷۹): مهاجرت؛ جرایم آسیب‌های اجتماعی، ماهنامه امنیت، شماره ۱۷ و ۱۸.
۳۱. علی محسنی، رضا (۱۳۸۱): جزوه جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، جزوه تایپ شده درسی درس جامعه شناسی انحرافات دانشگاه مازندران.
۳۲. فیضی، ایرج، (۱۳۹۴)، برنامه ریزی ملی و منطقه‌ای، ترجمه دکتر محمود عیدآبادی، جلد اول، آمل، منظومه چاپ
۳۳. قاسمی، وحید و عطیه یازرلو (۱۳۸۳): اثر ناکامی اجتماعی بر نوع جرایم در میان گروه‌های قومی استان گلستان، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، ویژه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره چهاردهم.
۳۴. قماشچی، فردوس و سهیلا احمدی (۱۳۸۵): بررسی ویژگی‌های روان شناختی افراد حاشیه‌نشین استان تهران، فصلنامه علمی-آموزشی اداره کل مشاوره و مددکاری اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا.
۳۵. کفاشی، مجید، (۱۳۹۵)، مشکلات موجود در شهرهای مناطق محروم و حاشیه شهرها، جلد اول، آمل، منظومه چاپ.
۳۶. گلشنی فومنی، م ر، (۱۳۹۵)، مدیریت سکونتگاه‌های روستایی، جلد اول، انتشارات نشر، صص ۲۴-۲۹
۳۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰)؛ تجدد و تشخص، ترجمه‌ی ناصر موفقیان (۱۳۹۴) تهران: نشر نی، صص ۴۷-۵۱.
۳۸. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۴)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری (۱۳۹۵)، تهران، نشر نی، صص ۶-۸.
۳۹. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (۱۳۵۰): بررسی حاشیه‌نشینان تهران، دانشگاه تهران.
۴۰. مارشال مک لوهان (۲۰۱۴)، اصول ومبانی زندگی سالم، ترجمه اکبر غمخوار، جلد اول، تهران، انتشارات فرامد.
۴۱. محمودیان، حسین و داوود ستارزاده (۱۳۸۸): بررسی روند تغییرات شاخصهای جمعیتی مسکن در ایران طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵، جمعیت و توسعه در ایران: ابعاد و چالش‌ها: یافته‌های تحقیقات کاربردی پروژه جمعیت و توسعه دانشگاه تهران، انتشارات مرکز مطالعات و پژوهشهای جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
۴۲. مرادی پردنجانی، حجت الله و سعید زاده، حمید رضا، (۱۳۹۵)، مبانی جامعه شناختی و شخصیت، جلد اول، تهران، دانشگاه

علامه طباطبایی.

۴۳. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵): سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مازندران،
۴۴. مظلوم خراسانی، محمد (۱۳۸۱): بررسی مسائل اجتماعی ایران، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
۴۵. ممتاز، فریده (۱۳۷۹): جامعه شناسی شهر، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران.
۴۶. نش، کیت (۱۳۹۵): جامعه شناسی معاصر، مترجم: محمد تقی دلفروز (۱۳۹۵)، مکتبهای جغرافیایی، جلد اول، انتشارات بازرگان ۲۴.
۴۷. نور محمدی، مرتضی، (۱۳۹۴)، نگاهی اجمالی به وضعیت اعتیاد در کشور، جلد اول، انتشارات جهانگردی و توسعه.
۴۸. هاشمی، محمد رضا و میرزایی، بانو، (۱۳۹۵)، "اطلس کلانشهر تهران"، شهرداری تهران، تهران.
۴۹. ویستا، زندگی دوم در فضای مجازی (۱۳۹۲). نشانی سایت: <http://vista.ir/article/320106>.
50. Al Kadri HMF, Al-Moamary MS, Elzubair M, Magzoub ME, AlMutairi A, Roberts C. (2013) Analytical Perspective of Pro-poor Slum Upgrading Frameworks, UN-HABITAT.
51. Anderson, J. A. & Meyer, T. P. (2013) Mediated communication: A social action perspective, Newburypark: Sage Publication.
52. Beard KW. (2016). Internet addiction: Current status and implications for employees. *Journal of Employment Counseling*. 39(1): 2-11.
53. Boyd DM, Ellison NB. Social network sites: Definition, history, and scholarship (2015). *Journal of Computer Mediated Communication*. 3(1): 210-30.
54. Chou, A & Lim, B. (2016) "A framework for measuring happiness in life". Illinois state university.
55. Choudhry NK, Fletcher RH, Soumerai SB. (2015). An analysis of Informal Settlement Upgrading, an Critique of Existing Mythological Approaches. *Habitat international*, 26(3):15-303.
56. Clinard, Marshal.B, Slum and Community Development, The free Press, New York, 1966
57. Edvin R.A. Seligman, International encyclopedia of social science editor david, sills the Macmillan and the free press, 1968
58. Ferguson E, James D, Madeley L. (2014). The Challenge of Slums: Global Report on Human Settlement 2003, London: Earthscan.
59. Gerbner George, Larry Gross, Michael Morgan & Nancy Signorielli (2015). Perspective on media effects, New Jersey.
60. Hall, S. (2014), "Minimal Selves, in Identity: The Real Me", ICA Document 6, London. Institute for Contemporary Arts.
61. Jacobson J. and R. Jenkins (2014), "Social Identity", London, Routledge.
62. Kirschner PA, Karpinski AC. (2016). Addiction in academic performance. *Computers in Human Behavior*. 2010; 26(6):1237-45.
63. Lasswell, H. D. (2015). The structure and function of communication in society

64. Li S, Jin X, Wu S, Jiang F, Yan C, Shen X. (2013).The impact of media use on sleep patterns and sleep disorders among school-aged children in china. *Sleep*. 30(3):361-7.
65. Lipner R, Song H, Biester T, Rhodes R. (2016). Space and social inequality, a model for spatial separation and its outcomes. Tehran: Tarbiat Modares University. (In Persian).
66. Michael, j. hart. (2015) “A Study on the motives of high school and undergraduate college students for using the social network site facebook”, proquest .
67. Nash, T. (2014) *Mediatedcommunication: A social action perspective*, Newburypark: Sage Publication.
68. Park, Robert, E, *Human migration and marginal man*, *American Journal of Sociology*. Vol.33, 1928.
69. Pempek TA, Yermolayeva YA, Calvert SL. (2014). College students' social networking experiences on Facebook. *Journal of Applied Developmental Psychology*. 30(3): 227-38.
70. Piatila, V. (2016). On the effects ofmass media: some conceptualview-points. Grenaa: GMT.
71. Ren, Y. Kraut & R. Kiesler, S (2016), “Applying Common Identity and Bond Theory to Design of Online Communities”, *Organization Studies*: <http://nms.sagepub.com>
72. Rhodes RS, Biesten TW, Ritchie WP, Malangoni MA. (2016). method-based planning framework for informal settlement upgrading. in:[www. Yahoo.com](http://www.yahoo.com). pp: 18-23..
73. Severin, W. J. & Tankard J. W. (2012). *Communication Theories: Origins, Methods, and uses in the mass media*, Longman.
74. Thompson LA, Dawson K, Ferdig R, Black EW, Boyer J, Coutts J, et al. (2016). The Intersection of Marginalization and life performance. *J Gen Intern Med*. 23(7): 954-7.
75. uk,hk , Z.(2015), “Depression, excitement, aggression, attachment styles and socioeconomic status, as predictors of drug addiction in adolescents”. *New media society*
76. Wellman, B & Haase, J.Witte & K. Hampton (2015),”Does the Internet Increase, Decrease or Supplement Social Capital?” *Social Networks, Participation and Community Commitment* , *American Behavioral Scientist* 45(3): 436–55.
77. Yunusa MM, Wan Osmana WS, Ishak NM. (2012). Teacher student relationship factor affecting motivation and academic achievement in ESL classroom. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 15: 2637-41.